

آیا یکی از طولانی‌ترین

جنگ‌های چریکی خاورمیانه تمام شد؟

نویسنده: بهرام رحمانی



آیا یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های چریکی خاورمیانه تمام شد؟



نویسنده: بهرام رحمانی

ناشر: کتابخانه‌ی گرایش مارکسی

تاریخ انتشار: مرداد 1404 - آگوست 2025

فهرست مطالب

مقدمه

- راه‌پیمایی طولانی اوجالان در عرصه مبارزه سیاسی و مقاومت
- فرآیند جدید صلح و دموکراسی
- بیانیه هیات امرالی پس از دیدار با عبدالله اوجالان
- اقرار رجب‌طلب اردوغان به ترورهای دولتی!
- تعداد اعضای کمیسیون پارلمانی مشخص شد
- دیدار هیات دم‌پارتی و حزب حاکم عدالت و توسعه
- گام‌های عملی دولت
- تردیدها و چالش‌های فرآیند صلح
- کردهای ترکیه
- دولت باغچلی شریک سیاسی رجب طیب اردوغان
- برگزاری همه‌پرسی، سخت و دور از دست
- حزب جدید کردهای تابع اوجالان
- عفو در دستور کار است؟
- ویسی آکتاش از زندان آزاد شد
- استقبال پرشور مردم از رمضان وورال که پس از ۳۱ سال از زندان آزاد شد
- جمیل بابک، بدون تامین شرایط هیچ‌کس نمی‌تواند از ما بخواهد که سلاح‌ها را زمین بگذاریم
- جمعیت ترکیه در سال 2025
- پیمان صلح لوزان و حذف کردها

- کمپین‌های آزادی عبدالله اوجلان
- خواست آزادی عبدالله اوجلان توسط حزب کارگران کردستان
- مبارزه مسلحانه
- جنبش چریکی و مبارزه مسلحانه پکک

نتیجه‌گیری

ضمایم:

- *جمیل بایک: مسئله ما آزادی رهبر آپو است
- *متن کامل بیانیه PKK بعد از اعلام انحلال
- *بیانیه پژاک: تصمیمات دوازدهمین کنگره پکک و رهبر آپو برای آزادی کامل خلق کُرد است
- *واکنش نیروهای کرد سوریه
- *روزنامه نایز: نامه ۸۸ برنده نوبل در رابطه با آزادی آقای عبدالله اوجلان و حل مسئله کرد

مقدمه

عبدالله اوجلان، اگر برای دولت ترکیه خطرناک محسوب می‌شود اما وی در میان اکثریت مردم کرد منطقه و حتی برابری بسیاری از غیرکردها نیز شخصیتی مورد احترام است. انسانی که به رشد و کمال رسیده مانند درختی تنومند است که سر از

باغ بیرون زده است و همه آن را می‌بینند. این نوع انسان می‌داند که هر چیزی در زندگی بهایی دارد و باید برایش هزینه پرداخت کند. همه شواهد موجود، نشان می‌دهند که آقای اوجالان، به این رشد و کمال رسیده است که بیش‌تر مردم کرد نه تنها در ترکیه، بلکه در منطقه و حتی مردم غیرکرد منطقه و جهان به‌خوبی و با احترام از او یاد می‌کنند و خواهان آزادی وی هستند.

عبدالله اوجالان، نیم قرن است که چهره‌ای مسلط در سیاست کردها و نامی بحث‌برانگیز در ترکیه بوده است. وی در سال ۱۹۴۹ در شانلی‌اورفای ترکیه به دنیا آمد و در اوایل دهه سی زندگی خود از بنیان‌گذاران حزب کارگران کردستان (پکک) شد.

اوجالان و سایر رفقاییش در مقابل وحشی‌گری دولت و ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه، حزب خود را وارد درگیری مسلحانه کرد و در سال ۱۹۸۴، جنبش قدرتمندی را در مقابل بزرگ‌ترین ارتش عضو ناتو راه انداخت.

وی پس از سال‌ها رهبری حزب پکک، نهایتاً با تهدیدهای ترکیه و احتمال راه‌اندازی جنگ با سوریه، این کشور را ترک کرد و راهی اورپا شد. اما هیچ‌کدام از کشورهای به اصطلاح دموکرات و پناهنده‌پذیر اروپا و روسیه، وی را به‌عنوان پناهنده سیاسی نپذیرفتند تا این که وی مجبور شد به کنیا برود، کشوری که در سال ۱۹۹۹ دستگیر شد. سرانجام دولت ترکیه با همکاری سازمان‌های پلیس مخفی آمریکا «سیا» و پلیس مخفی اسرائیل «موساد»، اوجالان را از کنیا ربودند و به ترکیه انتقال دادند.

وی در دادگاه نظامی ترکیه به اتهام «تروریسم» محاکمه و به جرم «خیانت» به اعدام محکوم شد. در روز صدور حکم، کردها در ترکیه و چندین کشور اروپایی تظاهراتی برگزار کردند که برخی از آن‌ها به درگیری کشیده شد.

در سال ۲۰۰۲، ترکیه با لغو مجازات اعدام در راستای همسویی با قوانین اتحادیه اروپا، حکم اوجالان را به حبس ابد تخفیف داد. وی از سال ۱۹۹۹ دوران محکومیت خود را در زندانی فوق امنیتی در جزیره ایمرالی، جزیره‌ای کوچک در دریای مرمره میان بخش‌های اروپایی و آسیایی ترکیه، سپری می‌کند.

در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۲۵، با فراخوان «صلح و جامعه دموکراتیک» از سوی عبدالله اوجالان، تحولات تاریخ‌ساز در راستای حل ستم ملی مردم کرد و همبستگی بین ملت ترک و کرد و سایر خلق‌های ترکیه، آغاز شد. تصمیم آتش‌بس در یکم مارس و تصمیم کنگره ۱۲ حزب کارگران ترکیه (پ‌ک‌ک) برای پایان دادن به فعالیت‌ها تحت نام این حزب و پایان مبارزه مسلحانه در ۷-۵ مه ۲۰۲۵، سرآغاز دوره‌ای جدید بود.

عبدالله اوجالان، بار دیگر در ۹ جولای ۲۰۲۵، با فراخوان پیام تصویری خود، به شهروندان ترکیه و منطقه و افکار عمومی پیشرو جهان، نشان داد که کردها و ساختار سازمان‌یافته آن‌ها چه قدر جدی به این روند تاریخی نگاه می‌کنند. پس از این فراخوان تاریخی، در مجموع ۳۰ گریلای آزادی‌بخش، شامل ۱۵ زن و ۱۵ مرد، تحت هدایت «بسه هوزات»، رییس مشترک کنفدرالیسم جوامع کردستان (ک‌ج‌ک)، به‌طور سمبلیک با سوزاندن سلاح‌های خود نشان دادند که آن‌ها قصد دارند سلاح را کنار بگذارند و مبارزه رهایی‌بخش خود را از طریق مبارزه سیاسی پیش ببرند. بدین ترتیب، با این گام تاریخی، با صدای بلند، اهداف جدید خود را به گوش جامعه رساندند.

لازم به یادآور است که عبدالله اوجالان، از سال ۱۹۹۳ به دنبال راحل‌های سیاسی و دموکراتیک برای حل مسئله کرد بوده است. اما در مقابل، جمهوری ترکیه، همواره با رویکردی خصمانه به دنبال نابودی جنبش آزادی‌بخش مردم کرد بوده است. بارزترین نمونه این امر در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۳ رخ داد. در آن دوره، جمهوری ترکیه تحت عنوان «روند حل مسئله»، طرح نسل‌کشی خود را که آن را «طرح فروپاشی» می‌نامید، علیه مردم کرد به کار بست.

این سیاست‌ها و سناریوهای سیاه دولت ترکیه علیه مردم کرد و حزب و رهبری آن، با سیاست‌های هوشمندانه آقای اوجالان و مبارزه و مقاومت آگاهانه پ‌ک‌ک، خنثی شده و دولت را در تنگنا قرار داده است.

اگر این بار نیز فراخوان «صلح و جامعه دموکراتیک» که به معنای فرصتی برای جامعه ترکیه به‌ویژه مردم مبارزه و ستم‌دیده کرد است، مورد سوءاستفاده حاکمیت قرار گیرد، این بار نه تنها گریلاها، بلکه با بخش زیادی از شهروندان ترک و کرد و علوی و ارمنی و بخش عمده احزاب سیاسی و جنبش‌های بخش مردم کرد، جنبش کارگری، جنبش زنان و سایر جنبش‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد. مهم‌تر از همه، خود دولت اردوغان دچار بحران خواهد شد. همان‌طور که دولت باغچلی نیز اقرار کرده است: در برابر تحولات سریع کنونی داخلی و خارجی، «به‌طور کامل با اخراج از آناتولی» مواجه خواهد ساخت.

رجب طیب اردوغان، از یک‌سو اعتراف می‌کند که جمهوری ترکیه در صد سال گذشته چگونه نسل‌کشی را علیه کردها انجام داده است؛ چگونه در گذشته فعالین کردها را ربوده و به دلایل نامعلومی به قتل رسانده‌اند؛ هزاران روستا را سوزانده‌اند، میلیون‌ها تن از مردم کرد را از سرزمین و کاشانه خود آواره کرده‌اند،

در زندان، زندانیان سیاسی به‌ویژه فعالین کرد را زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها کشته و یا معلول کرده‌اند و...

البته رجب طیب اردوغان، این جنایات را به دولت‌های گذشته ترکیه نسبت می‌دهد اما نمی‌گوید دولت خودش در یک دوره طولانی ۲۳ ساله، چه جنایات علیه مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب کرده‌ها انجام شده است؟ در حالی که اقرار اردوغان به نسل‌کشی مردم کرد در دولت‌های یک قرن اخیر ترکیه واعیت داشته اما وی اقرار نمی‌کند که در دولت خودش نیز سرکوب و کشتار وحشیانه مردم کرد ادامه داشته است!

به‌عنوان مثال، خود اردوغان در مروج قتل «اوغور کایماز» ۱۲ ساله و پدرش در مردین، در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۴ و در سال ۲۰۰۶، به صراحت گفته بود: «چه زن باشد و چه کودک، هر آن‌چه لازم باشد انجام خواهد شد.» یا کشتار روبوسکی در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۱، پرسوس در ۲۰ جولای ۲۰۱۵، مقابل ایستگاه قطار آنکارا در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵ و آتش زدن مجروحان با بنزین در زیرزمین‌های جزیر در سال ۲۰۱۵، و همچنین کشتار هزاران کرد مانند دایه تاییت، همگی این جنایات در دوره او اتفاق افتاده است.

به‌علاوه در ۱۲ سال جنگ داخلی سوریه، دولت اردوغان در باکور نیز با رها مرتکب جنایت علیه بشریت شده و هم‌اکنون نیز کانتون عفرین روژآوا را در اشغال نظامی خود و نیروهای تبه‌کار تحت کنترل خود دارد و حتی پس از فروپاشی دولت بشار اسد و به‌قدرت رسیده گروه‌های اسلامی تحت عنوان «هیأت تحریر الشام» به رهبری «محمد الجولانی»، روزی نیست که پهلپادها و هواپیماهای جنگی ترکیه مناطق کردنشین سوریه را بمباران نکنند و دست به کشتار مردم کرد این منطقه نزنند.

ما با تصاویر بی‌شمار و وحشتناک کشتار و آوارگی هزاران نفر از جمله کودکان و زنان که در غرین، سرکانی و گرسپی با بمب‌های ناپالم ترکیه زنده‌زنده سوختند و یا استفاده از گازهای شیمیایی، بمب‌ها، سلاح‌های ممنوعه و بمب‌های هسته‌ای تاکتیکی در باشور کردستان نیز به‌عنوان اقدامات دوره او در تاریخ ثبت شده است. همه این‌ها نه تنها صرفاً برای مردم کرد، بلکه برای تمام بشریت، به‌ویژه مردم خاورمیانه، درس‌ها و تجربیات آموزنده‌ای دارد. به همین دلیل، کردها که تا به امروز گام‌های همبستگی میان تمام خلق‌های ترکیه و منطقه، گام‌های تاریخی یک‌طرفه‌ای برداشته‌اند، همه این تجربیات حاصل از تمام این وقایع را هرگز فراموش نمی‌کنند و در عین حال به فکر انتقام نیز نیستند. این مردم و احزاب و رهبری آن‌ها، به گام‌های بلند و ماندگاری در جهت حق تعیین سرنوشت مردم کرد و در ساختن یک جامعه دموکراتیک در ترکیه و منطقه برداشته‌اند؛ گام‌های که حتی مورد حمایت و همبستگی افکار عمومی مترقی جهان نیز قرار گرفته است.

شایان ذکر است که مبارزه مسلحانه و یا سیاسی در جهان عمومیت دارد و خاص یک کشور و چند منطقه نیست اما هر کشوری ویژگی‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خودش را دارد. بنابراین، نمی‌توان از تاریخ کشوری کپی‌برداری کرد و در گوشه دیگری از دنیا، برای پیاده‌کردن عین همان وقایع زور زد. از میان همه عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بسیاری از محققان روی چند عامل تاکید دارند. اول جغرافیا است. کشورها در چه جغرافیا قرار دارند، کجا هستند و چه منابع و امکاناتی را در اختیار دارند؟ دوم مسئله فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی است. باید درک کرد که جامعه مورد نظر، به چه چیزهایی اهمیت می‌دهد و چه ارزش‌هایی دارد و تا چه حد ارزش‌های آن‌ها و معیارهای زیستی آن‌ها به توسعه

اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دور یا نزدیک است؟ سوم مسئله ساختارها است که فلان کشور چه نظام سیاسی و اقتصادی را برای خودش به وجود آورده و تولید و توزیع ثروت بر اساس چه قاعده و چه قواعد اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و غیره برقرار است. و بالاخره یک مسئله و یک فاکتوری را هم خیلی از محققان دست می‌گذارند مسئله بهره‌برداری از فرصت‌هاست. کشورها در موقعیت‌های مشخص تاریخی فرصت‌هایی را پیدا می‌کنند که کشورهای دیگر ممکن است آن فرصت را به دست نیاورند.

بنابراین مسئله این است که ببینیم مردم کرد ترکیه، اکنون چه فرصت‌هایی را به دست آوردند و یا نیاوردند و یا اصلاً داشتند و یا نداشتند. از نظر من، با توجه به این عوامل می‌توانم نتیجه بگیریم که هیچ کشوری نمی‌تواند بدون اعتماد بین دولت و مردم و ایجاد مشارکت فعال و برابر مردم خودش در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و دیپلماسی، یک توسعه پایدار و در حال رشد ایجاد کند.

در واقع سرمایه اجتماعی که امروز بیش‌ترین تأکید را محققان اجتماعی و حتی اقتصاددان‌های سرمایه‌داری و سوسیالیزم بر آن دارند سرمایه اجتماعی است که عامل تعیین‌کننده‌ای در میزان اعتماد میان آحاد ملت، دولت، توزیع عدالت و سرمایه و ارتقاء بهره‌وری اقتصادی یا رشد اجتماعی است. کشوری که به سرمایه انسانی بهای کمتری از سرمایه اقتصادی بدهد قاعدتاً نمی‌تواند یک جامعه دموکراتیک و توسعه پایدار را برای خودش ایجاد کند. بی‌تردید چنین جامعه‌ای، همواره با بحران‌های اقتصادی و یا اعتراضات سیاسی و غیره مواجه خواهد شد.

راه‌پیمایی طولانی اوجالان در عرصه مبارزه سیاسی و مقاومت

عبدالله اوجالان که با لقب «آپو» (به معنی «عمو» در زبان کردی) شناخته می‌شود، در خانواده‌ای روستایی متولد شد. وی در دهه ۱۹۷۰، در رشته علوم سیاسی دانشگاه آنکارا تحصیل کرد و به‌تدریج گرایش‌های سیاسی پیدا کرد.

در نهایت، مارکسیسم را به‌عنوان استراتژی سیاسی خود پذیرفت و به سازمان‌دهی جنبش‌های دانشجویی پرداخت. پس از زندانی شدن به دلیل پخش بروشورهایی در حمایت از شبه‌نظامیان انقلابی، تحصیل را رها کرد و به یک سازمان چپ‌گرا پیوست.

در سال ۱۹۷۳، او در نشست‌های آنکارا شرکت کرد که بعدها به عنوان اولین گردهمایی غیررسمی منجر به تشکیل پ‌ک‌ک شناخته شد. از آن زمان، اوجالان با هدف رفع ستم ملی و حق تعیین سرنوشت مردم کرد، مبارزه سیاسی-نظامی خود را گسترش داد.

در سال ۱۹۷۷، آپو مانیفستی با عنوان «راه ملی به‌سوی انقلاب کردی» تدوین کرد. این سند به‌عنوان نقشه راه پ‌ک‌ک شناخته شد.

یک سال بعد، پ‌ک‌ک در دیاربکر، شهری در جنوب شرق ترکیه با جمعیت عمدتاً کرد، تاسیس شد و اوجالان به‌عنوان رهبر آن انتخاب شد.

در سال ۱۹۷۹، در بحبوحه ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی، عبدالله اوجالان به‌همراه برخی از همراهانش به سوریه رفت، و در آن‌جا آموزش نیروهای چریکی را آغاز کرد که هسته اصلی پ‌ک‌ک را تشکیل می‌دادند.

در ۱۵ اوت ۱۹۸۴، پ‌ک‌ک با حملاتی به نیروهای امنیتی در استان‌های سیرت و حکاری در جنوب شرق ترکیه، مبارزه مسلحانه خود را آغاز کرد.

نخست‌وزیر وقت ترکیه این حزب را «چند راهزن» توصیف کرد. در حالی که این حزب حدود نیم قرن در مقابل بزرگ‌ترین ارتش عضو ناتو جنگید.

در سال ۱۹۹۳، در اوج درگیری‌های مسلحانه، در شرق و جنوب کشور، بسیاری از کردها او را به‌عنوان «رهبر» ستایش می‌کردند و در مراسم تشییع چریک‌های پکک، شعارهایی در حمایت از اوجالان سر داده می‌شد.

در سال ۱۹۹۸، ترکیه فشار خود را بر سوریه برای اخراج عبدالله اوجالان افزایش داد. وی نزدیک به دو دهه در تبعید در این کشور زندگی می‌کرد.

در پی این فشارها، اوجالان در ۹ اکتبر ۱۹۹۸ از سوریه اخراج شد و تلاش کرد در کشورهای مانند یونان، روسیه، ایتالیا و تاجیکستان پناهندگی سیاسی بگیرد. با این حال، تلاش‌های او برای دریافت پناهندگی در کشورهای مختلف بی‌نتیجه ماند، چون ترکیه با اقدامات دیپلماتیک گسترده مانع از پذیرش درخواست پناهندگی او توسط این کشورها شد.

در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹، اوجالان در یک عملیات مخفی در فرودگاه ناپروبی کنیا دستگیر و به ترکیه منتقل شد.

در فاصله چهار ماه بین دستگیری وی و آغاز محاکمه‌اش، طرفداران پکک دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند که شامل اشغال ساختمان‌های کنسولگری و اعتصاب غذا می‌شد.

محاکمه عبدالله اوجالان در ۳۱ مه ۱۹۹۹ در جزیره ایمرالی آغاز شد. او در جلسات دادگاه در یک قفس شیشه‌ای ضدگلوله حضور داشت.

در نخستین جلسه دادگاه، خانواده‌های سربازان و نیروهای پلیسی که در درگیری‌ها کشته شده بودند نیز در سالن حضور داشتند.

اوجالان در این جلسه، گفت که اگر فرصت داشته باشد، «آماده است برای حل مسئله کردها تلاش کند».

در پایان محاکمه، اوجالان به اتهام خیانت و تشکیل و رهبری یک سازمان مسلح تروریستی مجرم شناخته و به اعدام محکوم شد.

در سال ۲۰۰۲، حکم او به حبس ابد تخفیف یافت. یک سال بعد، دادگاه حقوق بشر اروپا حکم داد که محاکمه اوجالان ناعادلانه بوده و گفت که دفاعیات او به‌طور غیرقانونی محدود شده است.

ترکیه به این حکم اعتراض کرد، اما در سال ۲۰۰۵ دادگاه این رای را تایید کرد و توصیه به برگزاری دادگاهی مجدد داد، اما ترکیه از انجام این رای سر باز زد. پس از زندانی‌شدن عبدالله اوجالان، پکک مراحل بحرانی متعددی را پشت سر گذاشت، اما این حزب دچار بحران و فروپاشی منحل نشد و اوجالان را همچنان به‌عنوان رهبر خود دید.

در دهه ۱۹۹۰، اوجالان شروع به تدوین دیدگاهی برای آینده جامعه کرد که آن را «مدرنیته دموکراتیک» نامید. وی در مقالات و کتاب‌هایش از مفاهیمی مانند «میهن مشترک، جمهوری دموکراتیک، خودمدیریتی دموکراتیک و کنفدرالیسم دموکراتیک» صحبت می‌کرد.

آپو به‌طور کامل از ایده تشکیل یک دولت-ملت دست کشیده و از توافقی مذاکره شده برای ایجاد خودمدیریتی کرده‌ها در ترکیه دفاع می‌کرد.

در سال ۲۰۰۴، دو سال پس از اعلام آتش‌بس، پکک حملات خود علیه نیروهای امنیتی ترکیه را از سر گرفت.

پیش‌تر گزارش‌هایی از مذاکرات صلح مخفیانه میان مقامات ترکیه و رهبران پکک منتشر شده بود، اما نخستین دیدار رسمی عبدالله اوجالان با مقامات ترکیه در سال ۲۰۱۲ صورت گرفت. در آن زمان، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر وقت ترکیه، اعلام کرد که دولت مذاکراتی را با اوجالان آغاز کرده است.

این مذاکرات در مارس ۲۰۱۳ به اعلام آتش‌بس از سوی اوجالان منجر شد و نیروهای پکک روند خروج از ترکیه را آغاز کردند. اما مذاکرات به بن‌بست رسید و آتش‌بس در ژوئیه ۲۰۱۵ شکسته شد.

با این حال، توجهات بین‌المللی بار دیگر به پکک و رهبر زندانی آن جلب شد، چرا که مردم کرد روژآوا (کردستان سوریه) و یگان‌های مدافع خلق (ی‌پ‌گ)، نفوذ خود را در شمال سوریه گسترش داد و رسماً اعلام کردند که آپو را به‌عنوان رهبر و تئوریسین خود می‌دانند.

در اکتبر ۲۰۲۴، دولت باغچه‌لی، رهبر حزب «حزب حرکت ملی» ترکیه، اقدامی غیرمنتظره انجام داد و از عبدالله اوجالان خواست که انحلال پکک را اعلام کند. دولت باحلی، هم‌زمان پیشنهاد کرد که اوجالان در صورت انحلال این گروه مسلح، اجازه یابد در پارلمان ترکیه سخنرانی کند.

احتمالاً تحولات سوریه و جنگ داخلی و فروپاشی دولت این کشور و مقاومت یگان‌های مدافع خلق روژآوا در مقابل گروه تحت امر ترکیه و ارتش ترکیه و سایر بحران‌های این کشور، دولت ترکیه را وادار به مذاکره با اوجالان کرد.

باغچه‌لی در مقابل، احتمال آزادی اوجالان را مطرح کرد. از آن زمان، اعضای حزب طرفدار کردها «دم پارتی»، چند بار به جزیره ایمرالی سفر کرده و با اوجالان گفت‌وگو کرده‌اند.

ابتدا عبدالله اوجالان از پکک خواست که کنگره خود را تشکیل داده و درباره انحلال این سازمان تصمیم‌گیری کند. پکک، این پیشنهاد آپور ار پذیرفت.

روند جاری در سوریه و تحولات کلی در خاورمیانه، دولت ترکیه را به سمت توسعه سیاست جدیدی سوق داده است. نشانه‌های این سیاست از یک سال پیش ظاهر شده است. اولین نشانه زمانی بود که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور و رئیس

حزب عدالت و توسعه اظهار داشت: «وقتی به رویدادهایی که امروز تجربه می‌کنیم نگاه می‌کنیم، به‌طور واضح‌تری می‌بینیم که جبهه داخلی چه‌قدر برای یک ملت حیاتی است.» (30 اوت 2024)

اردوغان بعداً در نیویورک در هفتاد و نهمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مجدداً این تأکید را تکرار کرد و اعلام کرد: «اهداف داخلی ما «کیزیل‌الما» (سیب سرخ) ما است.» (27 سپتامبر 2024)

دولت باخچلی، رهبر حزب حرکت ملی نیز به تبعیت از اردوغان، بر «جبهه داخلی» تأکید کرد و گفت: «وظیفه اولیه ما تقویت جبهه ملی و معنوی خود در برابر دنیای آشفته است. جبهه داخلی ما که متزلزل می‌شود و اتحاد و همبستگی ما که در معرض خطر فروپاشی است، قابل چشم‌پوشی نیست و اجازه چنین چیزی را نمی‌دهیم.» (۲ اکتبر ۲۰۲۴)

نتیجه این استراتژی سیاسی جدید، از زمانی آغاز شد که دولت باخچلی، رهبر حزب حرکت ملی در 1 اکتبر 2024 با گروه دَپارتی در مجلس ملی کبیر ترکیه دست داد. باخچلی در همان روز اظهار داشت: «ما وارد دوران جدیدی می‌شویم. در حالی که خواستار صلح در جهان هستیم، باید صلح را در داخل کشور خود نیز تضمین کنیم.»

در همان روز، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور و رئیس حزب عدالت و توسعه، در سخنرانی خود در مجمع عمومی، گفت: «این اکنون بیش از یک ضرورت است - یک الزام است- که این موضوع را درک کنیم که در مواجهه با تجاوز اسرائیل، نه مناطق درگیری، بلکه مناطق آشتی است که باید در سطح داخلی و بین‌المللی به منصفه ظهور برسد.»

نشانه دیگری از این استراتژی سیاسی جدید، این است که در 22 اکتبر 2024، باخچلی در جلسه گروه حزب حرکت ملی در مجلس اعلام کرد: «اگر انزوای رهبر تروریست‌ها برداشته شد، بگذارید بباید و در جلسه گروه دمپارتی در مجلس صحبت کند. بگذارید او اعلام کند که تروریسم به طور کامل پایان یافته و این سازمان منحل شده است.»

اردوغان نیز در ادامه در بیانیه‌ای اعلام کرد: «امیدواریم فرصت تاریخی که اتحاد مردم گشوده است فدای منافع شخصی نشود.» (22 اکتبر 2024) در پی این اظهارات، «هیات ایمرالی» بیانیه عبدالله اوجالان را با عنوان «صلح و جامعه دموکراتیک» به مناسبت بیست و ششمین سال حبس وی توسط دولت ترکیه منتشر کرد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، اگرچه این فراخوان توسط خود اوجالان نوشته شده، اما به نظر می‌رسد اساساً محصول مذاکراتی است که در طول یک سال گذشته بین مقامات دولتی ترکیه و اوجالان انجام شده که در نهایت به توافق مشخصی منجر شده است. از آنجایی که هیچ توضیح رسمی در مورد ماهیت این گفت‌وگوها یا حصول «توافق» به مردم ارائه نشده است، ارزیابی دقیق آن دشوار است. با این حال، قابل درک است که در ازای زمین گذاشتن سلاح و انحلال خود از جانب پ.ک.ک، اقدامات مشخصی از سوی دولت ترکیه انجام شده است.

بر اساس اطلاعاتی که در دسترس عموم قرار دارد، مذاکرات و گفت‌وگوها بین دولت ترکیه و عبدالله اوجالان در یک سال گذشته ادامه داشته است. به نظر می‌رسد که دولت ترکیه این روند را با اوجالان، که او را به اسارت گرفته، انجام داده است - وضعیتی که ذاتاً مشکل‌ساز و اساساً ناعادلانه است. در این شرایط باید از «دیپلماسی مخفی» صحبت کرد. این به نوبه خود توانایی ارزیابی عینی موضوع را محدود می‌کند.

حزب «برابری و دموکراسی خلق‌ها» که سومین حزب بزرگ در ترکیه محسوب می‌شود، نقش میانجی را میان آنکارا و عبدالله اوجالان ایفا می‌کند؛ این حزب به‌طور منظم رهبر پ‌ک‌ک را ملاقات می‌کند و پیام‌های او را هم به دولت ترکیه و هم به حزب منتقل می‌سازد.

ترکیه از اواخر سال ۲۰۲۴، مجدداً وارد مذاکرات با اوجالان برای یافتن راه‌حلی برای مسئله کردی در کشور شد؛ تلاشی که پیش‌تر نیز بارها صورت گرفته، اما همواره با شکست روبه‌رو شده بود. اما اکنون امیدواری‌ها به تحولات ترکیه، از جمله با تشکیل کمیسیون احزاب پارلمانی برای رسیدگی به تحولات «صلح و دموکراسی» و همچنین آزادی زندانیان سیاسی، بیش‌تر شده است.

فرآیند جدید صلح و دموکراسی

در ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۵، اولین گروه از اعضای پ‌ک‌ک در سلیمانیه، شمال عراق، سلاح‌های خود را بر زمین گذاشتند. این رویداد نه تنها به بیش از چهار دهه مبارزه مسلحانه پایان می‌دهد که منجر به کشته‌شدن ده‌ها هزار نفر و آوارگی میلیون‌ها نفر شده، بلکه فصل جدیدی را در سیاست ترکیه با پتانسیل تحول عمیق باز می‌کند. این اقدام گفتمان سیاسی، تقسیمات اجتماعی و سیاست‌های امنیتی ترکیه را که تحت تأثیر این درگیری بوده‌اند، بازتنظیم خواهد کرد. تأثیرات آن بر نهادها، احزاب و افکار عمومی که سال‌ها تحت فشار خصومت بوده‌اند، قابل توجه خواهد بود؛ از ظهور احزاب جدید گرفته تا اصلاحات قانون اساسی و روابط دولت-مخالفان.

خلع سلاح پ‌ک‌ک می‌تواند موازنه‌های قدرت را در عرصه سیاسی ترکیه تغییر دهد. حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها (DEM Party) که گرایش کُردی دارد، در کانون این تغییر قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود که این حزب مشروعیت و فضای

سیاسی بیش‌تری برای فعالیت به دست آورد. تحلیل‌گران مانند سرن سلوین کورکماز، مدیر موسسه استان‌پول، احتمال می‌دهند که دم پارتی ممکن است نام خود را تغییر دهد تا با روند صلح همسو شود.

این تحول فقط دم پارتی را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. احزاب حاکم و مخالف نیز باید خود را با این عرصه جدید وفق دهند. حزب حاکم (AKP) با چالش تحکیم قدرت روبروست و احزاب مخالف، به‌ویژه حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP)، ممکن است با فشار فزاینده و مبارزات داخلی مواجه شوند. ملاقات رییس‌جمهور اردوغان با چهره‌های برجسته دم پارتی در ۷ ژوئیه ۲۰۲۵، نشان‌دهنده آغاز تعاملات سطح بالا و اهمیت دیپلماسی در این مرحله است.

این مراسم بخشی از یک نقشه راه پنج‌مرحله‌ای جامع است که هدف آن دستیابی به صلح پایدار است. این فرآیند با یک ابتکار سیاسی از سوی ائتلاف حاکم ترکیه، معروف به «ائتلاف جمهور»، آغاز شد. این ائتلاف با صدور فراخوان تاریخی برای صلح، راه را برای اجماع ملی به منظور پایان دادن به چندین دهه درگیری مسلحانه هموار کرد. عبدالله اوجالان، رهبر پ.ک.ک، نیز پیامی عمومی منتشر کرد که در آن از اعضای حزب کارگران کردستان (پکک) خواست تا سلاح‌های خود را زمین بگذارند.

این مرحله با سوزاندن نمادین سلاح‌ها توسط 30 گریلا (15 زن و 15 مرد) گامی مهم در کنار گذاشتن مبارزه مسلحانه این حزب است. پس از اقدامات اولیه پایان‌دادن به مبارزه مسلحانه، اکنون پارلمان ترکیه کمیسیون جدیدی برای ارائه چارچوب قانونی تشکیل داده است. این نهاد به مطالبات کلیدی مربوط به تلاش‌های صلح، از جمله تغییر قانون اساسی، اعطای ضمانت‌های قانونی رسمی برای تامین امنیت روند

خلع سلاح و ادغام مجدد و آزادی زندانیان سیاسی از جمله عبدالله اوجالان رسیدگی خواهد کرد.

یکی دیگر از حساس‌ترین مسائل سیاسی، آزادی چهره‌های برجسته حزب دموکراتیک خلق‌ها که به دلیل فشارهای سیاسی این حزب خود را منحل کرد و با نام جدیدی، یعنی به نام «حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها» (دم پارتی) مانند صلاح‌الدین دمیرتاش و فیگن یوکسکداغ، موضوع بحث‌های جاری هستند و آزادی آن‌ها، اهمیت سیاسی عمیقی خواهد داشت.

هم‌زمان با این تحولات، انتظار می‌رود بحث جدیدی در مورد اصلاحات قانون اساسی شکل بگیرد. این بحث می‌تواند با تغییرات نمادین، مانند بازنگری تعریف قانونی شهروندی، آغاز شود، اما پتانسیل تحولات عمیق‌تری را دارد که ائتلاف‌های سیاسی، قوانین انتخاباتی و پیکربندی‌های ایدئولوژیکی را در سراسر ترکیه تحت تأثیر قرار دهد.

غالب دالای، پژوهشگر ارشد در چاتهام هاوس، پایان فعالیت مسلحانه پ.ک.ک را فرصتی برای بازتعریف نحوه تعریف ترکیه از خود می‌بیند. او معتقد است که این روند منجر به بازاندیشی در شهروندی ترکیه و هویت ژئوپلیتیکی آن خواهد شد. دیوید ال. فیلیپس از دانشگاه کلمبیا نیز تأکید می‌کند که خلع سلاح تنها آغاز کار است و برای دستیابی به هدف بزرگ‌تر، وظایف فنی و برنامه‌های ادغام مجدد باید با هم کار کنند.



هیات امرالی با عبدالله اوجالان

بیانیه هیات امرالی پس از دیدار با عبدالله اوجالان

«آقای اوجالان تاکید کرد که انتظار دارد کار کمیسیون در دستور کار مجلس ملی کبیر ترکیه، با روشی جامع و فراگیر، کمک‌های مهمی به صلح و دموکراسی ارائه دهد.» (هیات امرالی)

هیات امرالی حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها (دم پارتی)، بیانیه‌ای درباره دیدار خود با عبدالله اوجالان که روز جمعه 25 ژوئیه 2025 انجام شد، منتشر کرد. متن این بیانیه به شرح زیر است:

«به مطبوعات و افکار عمومی،

ما، هیات امرالی دم پارتی، در تاریخ ۲۵ جولای ۲۰۲۵، دیداری سه و نیم ساعته با آقای عبدالله اوجالان در زندان امرالی داشتیم.

درباره دیدارهایی که اخیراً به‌عنوان هیات با آقای رئیس‌جمهور، آقای وزیر دادگستری و روسای احزاب سیاسی داشتیم، تبادل نظر کردیم.

درباره مشاهدات و بازتاب‌های مراسم سوزاندن سلاح‌ها که در تاریخ ۱۱ جولای انجام شد، اطلاعاتی ارائه شد. آقای اوجالان نیز بیان داشت که نحوه برگزاری مراسم، اراده، ایمان و عزم صلح‌آمیز نشان داده شده را بسیار ارزشمند می‌داند. وی تاکید کرد که انتظار دارد کار کمیسیون در دستور کار مجلس ملی کبیر ترکیه، با روشی جامع و فراگیر، کمک‌های مهمی به صلح و دموکراسی ارائه دهد. او صمیمانه‌ترین دروها و آرزوهای نیک خود را به مردم و تمامی اقشار جامعه ابلاغ کرد.

با سلام و احترام.

هیات امرالی دم پارتی

۲۶ جولای ۲۰۲۵.»

اقرار رجب‌طلب اردوغان به ترورهای دولتی!

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه طی یک سخنرانی، مراسم نمادین خلع سلاح پکک را نقطه عطفی برای پایان ۴۷ سال درگیری‌ها در این کشور توصیف کرد و از تشکیل یک کمیسیون پارلمانی به‌عنوان گام نخست مذاکرات صلح خبر داد و در عین حال به تروریسم دولتی نیز اقرار کرد.

اردوغان روز شنبه ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵-۲۱ تیر ۱۴۰۴ در نشست مشورتی حزب عدالت و توسعه (آکپارتی) در آنکارا، اظهار داشت که آغاز فرآیند خلع سلاح حزب کارگران کردستان، «صفحه جدیدی در تاریخ» ترکیه گشوده و این کشور را به‌سوی «عصری بدون تروریسم» هدایت می‌کند.

او با اشاره به این‌که روند موجود در ترکیه وارد مرحله‌ای جدید می‌شود، تاکید کرد: «امروز سپیده‌دم یک ترکیه بزرگ و قدرتمند در حال طلوع است. روند توسعه و پیشرفت کشور وارد مرحله جدیدی خواهد شد.»

دولت ترکیه روند جدید پس از اعلام خلع سلاح پ‌ک‌ک را پروژه «ترکیه عاری از تروریسم» می‌نامد و کردها نیز این روند را «پروژه صلح و جامعه دموکراتیک» نام‌گذاری کرده‌اند.

اردوغان در این سخنرانی، که بسیاری آن را به‌عنوان نقطه عطفی در سیاست داخلی ترکیه و رخدادی «تاریخی» توصیف کرده‌اند، گفت: «بلای تروریسم که ۴۷ سال بر ملت ما سایه افکنده بود، ان‌شاءالله وارد فرآیند پایان شده است. دیوار تروریسم در حال فروپاشی است.»

رئیس‌جمهور ترکیه به اشتباهات گذشته دولت‌های این کشور در برخورد با مسئله کردها نیز اقرار کرد و گفت که سیاست‌هایی مانند «قتل‌های زنجیره‌ای، خودروهای تورس سفید، رخدادهای زندان دیاربکر، سوزاندن و ویران کردن روستاها و ممنوعیت زبان کردی به‌جای حل مشکل»، «تروریسم» را تقویت کرده‌اند.

خودروهای تورس سفید به اتومبیل‌های بدون پلاک اشاره دارد که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در ترکیه توسط نیروهای امنیتی و گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به دولت استفاده می‌شدند. این خودروها نماد سرکوب دولتی و نقض حقوق بشر بودند، زیرا اغلب برای ربودن، شکنجه و قتل‌های فراقانونی فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، نویسندگان، شاعران و غیرنظامیان کرد به کار می‌رفتند. این اقدامات بخشی از سیاست‌های تبعیض‌آمیز و خشونت‌بار علیه کردها بود که به تشدید درگیری‌ها و ترومای جمعی منجر شد.

اردوغان، همچنین هزینه اقتصادی این درگیری را بیش از ۲ تریلیون دلار برآورد کرد و افزود که حدود ۱۰ هزار نفر از نیروهای امنیتی و ۵۰ هزار غیرنظامی در این درگیری‌ها جان خود را از دست داده‌اند. او در ادامه تاکید کرد که این درگیری‌ها نه تنها به از دست رفتن جان انسان‌ها منجر شده، بلکه ثبات جمهوری ترکیه را نیز تضعیف کرده بود.

رئیس‌جمهور ترکیه در ادامه با اشاره به اقدام نمادین حزب کارگران کردستان در جهت خلع سلاح گفت که پایان این درگیری می‌تواند تأثیرات عمیقی بر امنیت منطقه‌ای، به‌ویژه در سوریه داشته باشد. اردوغان افزود: «نه تنها مسائل شهروندان کرد ترکیه، بلکه مشکلات برادران کردمان در عراق و سوریه نیز برای ما مهم است و در حال مذاکره با آن‌ها هستیم.» با این حال او دقیقاً اشاره نکرد که این مذاکرات در چه جهتی و با چه هدفی هستند.



هیات امرالی با رجب‌طیب اردوغان

پارلمان ترکیه رایزنی‌های رسمی برای تشکیل کمیته‌ای جهت پایه‌گذاری روندی موسوم به «ترکیه عاری از تروریسم» را آغاز کرده است؛ فرآیندی که بر اساس آن، حزب کارگران کردستان (پکک) تصمیم به انحلال خود و کنار گذاشتن مبارزه مسلحانه گرفته، اما این حزب اکنون شروطی از جمله آزادی عبدالله اوجالان را برای ادامه روند خلع سلاح تعیین کرده است.

همزمان با آغاز گفت‌وگوهای رسمی در پارلمان ترکیه برای تشکیل کمیته‌ای ویژه به‌منظور فراهم کردن چارچوب قانونی فرآیند صلح با حزب کارگران کردستان (پکک)، این حزب آزادی رهبر زندانی خود «عبدالله اوجالان» را به‌عنوان مهم‌ترین شرط خلع سلاح کامل اعلام کرده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری آناتولی، نعمان کورتولموش، رییس پارلمان ترکیه، روز جمعه با معاونان خود و نمایندگان احزاب مختلف شامل حزب عدالت و توسعه، حزب جمهوری‌خواه خلق، حزب دموکراسی و برابری برای مردم، حزب جنبش ملی‌گرا و ائتلاف راه راست، جلساتی را برگزار کرد تا پیرامون نحوه تشکیل این کمیته گفت‌وگو کند.

در بیانیه‌ای که از سوی پارلمان ترکیه منتشر شد، آمده است که این گفت‌وگوها برای تدوین نقشه‌راه کمیته‌ای تشکیل می‌شود که وظیفه دارد ساختار قانونی لازم برای تحقق هدف «ترکیه عاری از تروریسم» را مهیا کند. در عین حال، حزب «خوب» که یک حزب ملی‌گرای ترک است، اعلام کرده از عضویت در این کمیته امتناع خواهد کرد و روند صلح را «پروژه‌ای خائنانه» دانسته است.

پیش‌تر، روند صلح با ابتکار عمل دولت ترکیه و با حمایت مستقیم رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور این کشور و همپیمان ائتلافی‌اش، حزب حرکت ملی به رهبری دولت باغچه‌لی، آغاز شده بود. این روند در پی فراخوان ویدیویی عبدالله

اوجالان در ۹ ژوئیه امسال شدت گرفت، به‌طوری‌که وی پس از ۲۶ سال حبس، رسماً از پکک خواست تا «مبارزه مسلحانه ۴۷ ساله» را پایان دهد و به سیاست دموکراتیک روی آورد.

در پی این فراخوان، پکک در تاریخ ۱۲ مه تصمیم به انحلال تشکیلات مسلحانه خود گرفت و نخستین گروه ۳۰ نفره از اعضای این حزب در یک مراسم نمادین در شهر سلیمانیه عراق، سلاح‌های خود را سوزاندند. این حزب که خود را «گروه صلح و جامعه دموکراتیک» نامیده، تاکید کرد که این اقدام تنها گام نخستین است و ادامه روند، مشروط به پاسخ مثبت دولت ترکیه است.



گروهی از گریلاهای پکک در اقلیم کردستان سلاح‌های خود را به‌صورت نمادین سوزاندند

در همین راستا، سخنگویان آن از جمله تکین موش، تیکوشین اوزان و ندیم سوبین در گفت‌وگو با رسانه‌های نزدیک به پکک هشدار دادند: «اگر دولت ترکیه گام‌های

مشخصی بر ندارد، این ۳۰ نفر اولین و آخرین گروهی خواهند بود که سلاح‌های خود را زمین گذاشته‌اند.»

ندیم سوین تاکید کرد: «اگر حملات جدیدی علیه مردم گُرد صورت گیرد، اگر آزادی عبدالله اوجالان، رهبرمان تضمین نشود، اگر راه برای فعالیت سیاسی و دموکراتیک باز نشود و اگر زندانیان سیاسی آزاد نگردند، فضای مثبت شکل نخواهد گرفت. در منطقه‌ای که همچنان شاهد درگیری است و احتمال جنگ بالاست، سلاح به‌عنوان یک ابزار باقی خواهد ماند.»

این در حالی است که منابع پارلمانی اعلام کرده‌اند نعمان کورتولموش در روزهای آینده به رایزنی‌های خود برای دریافت اسامی نامزدهای احزاب برای عضویت در کمیته ادامه خواهد داد. مقامات ترکیه پیش‌بینی کرده‌اند که روند خلع سلاح در صورت موفقیت، بین ۳ تا ۵ ماه طول خواهد کشید.

از سوی دیگر، برخی احزاب سیاسی مخالف مانند حزب خوب که یک کوچک پارلمانی ملی‌گرا است نسبت به این فرآیند عمیقاً بدبین است و آن را تهدیدی علیه تمامیت ارضی ترکیه قلمداد می‌کنند. این شکاف سیاسی، فعالیت کمیته پارلمانی برای رسیدن به اجماع و تدوین سازوکار قانونی را دشوارتر می‌سازد.

در صورت موافقت با درخواست‌های عبدالله اوجالان و پ‌ک‌ک، ترکیه وارد مرحله‌ای حساس از روند گذار خواهد شد که می‌تواند به بزرگ‌ترین فرآیند صلح در تاریخ منازعات گُردها و دولت مرکزی منتهی شود، مشروط به این‌که دولت به تعهدات خود پایبند باشند.

تعداد اعضای کمیسیون پارلمانی مشخص شد

نومان کورتولموش، رییس پارلمان ترکیه، ترکیب احزاب و تعداد اعضای کمیسیونی که در پارلمان تشکیل می‌شود را اعلام کرد.

روز جمعه ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۵، نومان کورتولموش، رییس پارلمان ترکیه، در رابطه با ترکیب کمیسیونی که در چارچوب روند صلح و جامعه دموکراتیک در پارلمان تشکیل خواهد شد، به گروه‌های پارلمانی احزاب سیاسی نامه فرستاد. بر اساس نامه کورتولموش، این کمیسیون شامل ۵۱ عضو خواهد بود که تعداد نمایندگان هر حزب به شرح زیر می‌باشد:

حزب عدالت و توسعه (آکپ) ۲۱ نماینده، حزب جمهوری خلق (ج‌م‌پ) ۱۰ نماینده، حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها (دم‌پارتی) ۴ نماینده، حزب حرکت ملی (م‌م‌پ) ۴ نماینده، حزب خوب (İYİ Parti) ۳ نماینده و راه نوین ۳ نماینده.

هرکدام از احزاب هُداپار، رفاه مجدد، حزب کارگران ترکیه (TIP)، حزب کار (EMEP)، حزب چپ دموکراتیک (DSP) و حزب دموکرات (DP) که فاقد گروه پارلمانی هستند، یک نماینده در این کمیسیون خواهند داشت.

اعلام شد که احزاب سیاسی حداکثر باید تا ۳۱ جولای اسامی اعضای خود برای حضور در این کمیسیون را به ریاست پارلمان ارائه دهند.

همچنین حزب خوب، پیش‌تر اعلام کرده بود که هیچ نماینده‌ای در این کمیسیون نخواهد داشت و به همین دلیل، احتمال می‌رود که کمیسیون با ۴۸ عضو تشکیل شود.



دیدار هیات «حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها» (دم پارتی) و حزب حاکم «عدالت و توسعه»

دیدار هیات دم پارتی و حزب حاکم عدالت و توسعه

در دیداری مهم میان اعضای حزب حاکم «عدالت و توسعه» و دم پارتی در مجلس ترکیه، موضوعات حساسی چون گفت‌وگوهای صلح، تشکیل کمیسیون پارلمانی برای حل مسئله کُرد، وضعیت زندانیان سیاسی، و تغییرات در بسته جدید قضایی مطرح شد. اما بر سر بسیاری از موضوعات از جمله زمان تشکیل کمیسیون، دامنه عفو‌ها، و پیشنهادهای مرتبط با آزادی زندانیان سیاسی اختلاف‌نظرهایی جدی پدید آمد.

به گزارش رسانه‌های ترکیه، دیدار رسمی میان هیاتی از حزب عدالت و توسعه (AKP) و دم پارتی به مدت دو ساعت و ۱۵ دقیقه در آنکارا برگزار شد. تولای هاتیم‌اوغولاری و تونجر بکرخان، به همراه گلستان قلیچ کوچیگیگیت و سزائی تملی

از دِمپارتی، با افغان آلا، عمر چلیک، عبدالله گولر و اوزلم زنگین از AKP در این نشست شرکت کردند.

پس از این دیدار، دِمپارتی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که در این جلسه تحولات سیاسی و منطقه‌ای، روند دموکراتیزاسیون، دیدار هیئت امرالی با عبدالله اوجالان و تصمیمات اخیر کنگره ۱۲ PKK مورد بحث قرار گرفته است. موضوع اصلاحات قضایی، از جمله بسته جدید موسوم به «بسته دهم قضایی» نیز در دستور کار بوده است. هرچند جزئیات بیشتر به زمان دیگری موکول شد.

محور اصلی نشست؛ پاسخ به فراخوان اوجالان

بر اساس گزارش مزوپوتامیا، مهمترین محور گفتوگوها ادامه روند صلح با تمرکز بر فراخوان اخیر عبدالله اوجالان بود. هیات دِمپارتی بر ضرورت مسئولیت‌پذیری سیاست‌مداران برای پاسخ‌گویی مؤثر به این فراخوان تاکید کرد و خواستار شفاف‌سازی موضوع برای جامعه و اجتماعی‌سازی صلح شد. به گفته‌ی دِمپارتی، نقش فعال تمام احزاب در این زمینه ضروری است و صرفاً این حزب مسئول اجرای چنین روندی نیست.

کمیسیون پارلمانی در سایه تعلل و شروط

یکی از حساس‌ترین مباحث جلسه، بحث درباره تشکیل کمیسیون ویژه مجلس برای پیگیری روند صلح بود. گرچه AKP مخالفت صریحی با اصل تشکیل این کمیسیون ابراز نکرد، اما در خصوص زمان و شرایط آن موضعی محتاطانه اتخاذ کرد. نمایندگان AKP اعلام کردند که تشکیل کمیسیون در شرایط فعلی زودهنگام است و پیش‌شرط آن را «خلع کامل سلاح» اعلام کردند. آن‌ها بر این باورند که اگر کمیسیون زود تشکیل شود، ممکن است نتواند وظایفش را به‌درستی انجام دهد.

اختلاف بر سر اصلاحات حقوقی دوران کرونا درباره آزادی زندانیان سیاسی

یکی دیگر از مباحث داغ این دیدار، تقاضای دِمپارتی برای گنجاندن زندانیان سیاسی در دامنه عفوهای دوره کرونا بود. AKP با این پیشنهاد مخالفت کرد و استدلال آورد که چنین اقدامی می‌تواند منجر به آزادی اعضای بازداشت‌شده جماعت گولن پس از کودتای نافرجام ۱۵ جولای ۲۰۱۶ شود. در نتیجه، این ماده به‌طور کامل از بسته پیشنهادی حذف شده است.

وعده نامشخص درباره زندانیان سیاسی

دِمپارتی خواستار گنجاندن تضمین‌هایی برای آزادی زندانیان سیاسی در بسته‌ی قضایی شد، اما AKP با این پیشنهاد موافقت نکرد. با این حال، وعده داد که «در زمان مناسب، اصلاحات لازم انجام خواهد شد»؛ وعده‌ای که مشخص نیست تا چه حد عملی شود.

احتمال حذف ماده جنجالی درباره اتهام فعالیت به‌نفع PKK

همچنین در این جلسه ماده‌ای از قوانین موجود که توسط دادگاه قانون اساسی ترکیه دو بار لغو شده بود، مجدد مورد بحث قرار گرفت؛ ماده‌ای که افراد را به‌دلیل «اقدام به‌نفع سازمان تروریستی بدون عضویت» تحت پیگرد قرار می‌داد. AKP اعلام کرد که در بسته‌ی جدید، این ماده به‌طور کامل حذف خواهد شد.

وضعیت زندانیان بیمار؛ پیشنهاد حذف سقف محکومیت

وضعیت زندانیان بیمار نیز در دیدار مطرح شد. دِمپارتی خواستار گنجاندن ماده‌ای برای آزادی این افراد شد و پیشنهاد داد که سقف محکومیت نیز برای این دسته برداشته شود. AKP نسبت به اصل پیشنهاد رویکرد مثبتی داشت، اما در خصوص حذف سقف محکومیت تصمیم نهایی اتخاذ نشده است.

گفتنی است که بسته‌ی قضایی مورد بحث هنوز به مجلس ارائه نشده و انتظار می‌رود تا پیش از تعطیلات عید قربان به‌تصویب برسد.

نماینده AKP: دیدار بسیار صمیمی و دوستانه‌ای با هیات دپارتی داشتیم

رسانه‌های نزدیک به AKP از جمله آناتولی نیز روند این مذاکرات را مثبت ارزیابی کردند. عبدالله گولر، رییس فراکسیون آکپارتی در مجلس، پس از دیدار در جمع خبرنگاران اعلام کرد: «دیدار بسیار صمیمی و دوستانه‌ای با هیات دپارتی داشتیم. از تبادل دیدگاه‌ها و گفت‌وگوی سازنده‌ای که با روسای مشترک و نمایندگان محترم دپارتی داشتیم، صمیمانه سپاسگزارم. پیشنهادهایی مطرح شد، نظرات متفاوتی نیز بیان شد. در روزهای آینده توضیحات مفصل‌تری ارائه خواهیم داد.» او در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره تشکیل کمیسیون پارلمانی نیز گفت: «همه موضوعات مورد بررسی قرار گرفتند و درباره همه آن‌ها تبادل نظر صورت گرفت.»

افغان آلا، معاون رییس حزب عدالت و توسعه، نیز دیدار را فرصتی برای ارزیابی جامع خواند و با اشاره به هدف مشترک «ترکیه‌ای عاری از ترور» افزود: «این روند همان‌طور که پیش‌بینی شده، در حال پیشرفت است و هیچ وقفه‌ای در آن نیست. همه باید با نیت خیر برای تحقق این هدف تلاش کنند و ما نیز در همین مسیر حرکت می‌کنیم.»

گام‌های عملی دولت

اردوغان در سخنرانی خود تشکیل کمیسیون در پارلمان ترکیه را به‌عنوان «گام نخست» اعلام کرد و گفت: «وقتی قلب‌ها یکی شوند، مرزها از بین می‌روند. ما کمیسیونی در پارلمان ترکیه تشکیل خواهیم داد و بحث در مورد الزامات قانونی این روند را آغاز خواهیم کرد.»

وی از آکپارتی(حزب حاکم)، حزب حرکت ملی(مپ) و حزب برابری و دموکراسی خلق ها (دمپارتی) برای تلاش هایشان در این زمینه تشکر کرد و افزود که این احزاب، فرآیند صلح را «با هم پیش خواهند برد و از آن محافظت خواهند کرد.»

تردیده ها و چالش های فرآیند صلح

قدم های حزب کارگران کردستان، همسو با قدم های محتاطانه دولت ترکیه برای حل یکی از بزرگترین مناقشه های نیم قرن اخیر این کشور، در حالی برداشته می شود که سایه تردید بر فرآیند صلح سنگینی می کند. در ماه های گذشته، برکناری چندین شهردار منتخب از حزب جمهوری خواه خلق(جهمپ) از جمله اکرم امام اوغلو، شهردار استانبول از حزب جمهوری خواه خلق به اتهامات سیاسی جنجال برانگیز، نگرانی هایی را درباره تعهد دولت به دموکراسی و حقوق سیاسی برانگیخته است. حزب جمهوری خواه خلق، به عنوان بزرگترین حزب پارلمانی ترکیه، ضمن حمایت از حل مسئله کردها و استقبال از مذاکرات صلح با پکک، نسبت به نیت های واقعی رجب طیب اردوغان و حزب حاکم «آکپارتی» ابراز تردید کرده و هشدار داده است که این فرآیند ممکن است به ابزاری برای تحکیم قدرت سیاسی اردوغان تبدیل شود. این حزب تاکید کرده که صلح پایدار تنها با احترام به اصول دموکراتیک، حقوق بشر و حاکمیت قانون محقق خواهد شد.

بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که موفقیت این مذاکرات به اعتمادسازی متقابل، شفافیت در اقدامات دولت و تضمین مشارکت فراگیر همه جنبش‌های اجتماعی، احزاب و سازمان‌های سیاسی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد، در غیر این صورت خطر بازگشت به چرخه خشونت و بی‌ثباتی همچنان باقی است.

کردهای ترکیه

جمعیت کردهای ترکیه، که نزدیک به یک‌چهارم کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، دهه‌ها با تبعیض ساختاری روبه‌رو بوده‌اند؛ از ممنوعیت احزاب کردی و بازداشت نمایندگان منتخب گرفته تا محدودیت بر استفاده از زبان مادری‌شان. شدت این سرکوب از سال ۲۰۱۵ به‌طرز چشمگیری افزایش یافته است. از آن زمان تاکنون، ۵۸ شهردار کرد به اتهام ارتباط با حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) از سمت خود برکنار شده و دولت، قیم‌هایی را جایگزین آنان کرده است.

در همین راستا، رهبران برجسته سیاسی کرد نیز هدف بازداشت‌های گسترده قرار گرفته‌اند. صلاح‌الدین دمیرتاش، رییس‌مشتک سابق حزب پیشین کردها، در ماه مه ۲۰۲۴ به بیش از ۴۰ سال زندان محکوم شد و در ماه ژوئیه نیز حکم دیگری به مدت دو سال و نیم دریافت کرد.

در چنین شرایطی، همکاری اردوغان و دولتش با دم‌پارتی، بسیاری را شگفت‌زده کرده است. تحلیل‌گران معتقدند که این اتحاد نه از سر هم‌فکری، بلکه حاصل بحران‌های سیاسی ترکیه و منطقه است. مذاکرات میان دم‌پارتی و ائتلاف اردوغان-باغچلی، ظاهراً از اواخر سال ۲۰۲۴ آغاز شده است. خواسته‌های حزب کردها، شامل آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله دمیرتاش رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها، و عبدالله اوچالان، رهبر پ‌ک‌ک، به رسمیت شناختن حقوق زبانی و فرهنگی کردها

در قانون اساسی، و اعلام عفو عمومی برای نیروهای مرتبط با جنبش کردی و غیرکردی است.

پس از شکست انتخاباتی در انتخابات محلی مارس ۲۰۲۴ که حزب جمهوریخواه خلق (CHP) موفق به تصرف بسیاری از شهرداری‌ها شد، اردوغان این شکست را تهدیدی برای بقای سیاسی‌اش تلقی کرد. در ۱۹ مارس، اکرم امام‌اوغلو، شهردار استانبول و یکی از محبوب‌ترین چهره‌های اپوزیسیون، که در عین حال کاندید ریاست جمهوری از سوی حزبش بود به اتهام «فساد» بازداشت شد. این اقدام پیامی روشن داشت: هر چهره‌ای که خطری برای ریاست‌جمهوری محسوب شود، با ابزار قضایی حذف خواهد شد.

در ماه‌های بعد نیز چندین شهردار دیگر از حزب CHP بازداشت شدند و لایحه‌ای برای لغو مصونیت قضایی ۶۱ نماینده CHP به پارلمان ارائه شد؛ تاکتیکی که برای دم‌پارتی نیز بسیار آشناست، چرا که سال‌هاست با همین شیوه‌ها مورد هدف قرار گرفته است.

در نهایت، دوره پیش رو، سرنوشت‌ساز برای جمهوری ترکیه است. فرصتی حیاتی است برای اتحاد همه نیروهای چپ و دموکرات در دفاع از نهادهایی که هنوز باقی مانده‌اند. آینده جمهوری به این اتحاد بستگی دارد.

دولت باغچلی شریک سیاسی رجب طیب اردوغان

روزگاری بیرق ملی‌گرایی افراطی و ترویج تفکرات نژادپرستانه ترکی در دست دولت باغچلی رهبر «حزب حرکت ملی» بود. او در سال 2013 میلادی، مذاکره اردوغان با اوجالان را به‌مثابه خیانت به ترکیه و همدستی با تروریست‌های تجزیه‌طلب قلمداد کرده و خواهان برکناری نخست وزیر وقت، یعنی رجب طیب اردوغان شده بود.

اما حالا این خود باغچلی است که همواره از ضرورت وحدت‌گردد و ترک حرف می‌زند. او، حتی هدیه نقدی هنگفتی به یکی از ترانه‌سرایان و موسیقی‌دانان ترکیه داده تا درباره برادری ترک‌ها، کردها و علویان، یک ترانه بسازد.

باغچلی همچنین پیشنهاد کرده که از این به بعد، رئیس‌جمهور ترکیه دو معاون داشته باشد و یکی از آنان گردد و دیگری علوی باشد. این پیشنهاد باغچلی جنجال بزرگی به پا کرد و مخالفان، او را به لبنانیزه کردن ترکیه متهم کردند، اما باغچلی، یک بار دیگر از این ایده خود حمایت کرد.

احتمال برگزاری همه‌پرسی

مهمت اوچوم، مشاور ارشد رئیس‌جمهور ترکیه و مسئول مشاورین حقوقی اردوغان، یکی از سیاست‌مدارانی است که مرتباً درباره ضرورت تغییر قانون اساسی ترکیه حرف می‌زند.

او جدیداً گفته است: «از نظر ما، اصلاح قانون اساسی کشورمان ضرورت دارد و حتی اگر 400 نماینده از 600 نماینده پارلمان با این امر موافقت کنند، از نظر ما باز هم باید همه‌پرسی برگزار شود تا کسی نتواند درباره مشروعیت تصمیمات آتی، شک و شبهه ایجاد کند.»

بر اساس قانون اساسی ترکیه، تغییر مواد این قانون با 400 رای نمایندگان میسر است اما حزب حاکم می‌خواهد همه‌پرسی نیز برگزار کند. شاید به این دلیل که جور کردن 400 نماینده در پارلمان بسیار دشوار است اما با توجه به جمعیت کردهای نزدیک به پکک در استانبول و شهرهای کردنشین، اردوغان می‌تواند با کمک اوجالان، رای لازم را جور کند.

او از این بابت آن قدر آسوده خاطر است که در بازگشت از سفر قبرس به خبرنگاران گفته، اوجالان به‌طور صریح اعلام کرده که از هیچ کمک و مساعدتی دریغ نمی‌کند. اشتیاق حزب عدالت و توسعه برای تغییر قانون اساسی در حالی مطرح شده که مخالفین اردوغان و به‌ویژه سران حزب جمهوری خلق، معتقدند که همه این اقدامات، یک پوشش و استتاری هنرمندانه برای پنهان کردن هدف اصلی اردوغان است. چرا که او می‌خواهد در قانون اساسی جدید، امتیازات محدودی برای کردها در نظر گرفته شود اما اصلی‌ترین ماده‌ای که می‌خواهد تغییر دهد، مربوط به محدودیت تعداد دفعات نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری است.

حزب جدید کردهای تابع اوجالان

حزب کنونی تحت امر اوجالان و پ.ک.ک در پارلمان ترکیه، «حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها» (دم پارتی) است. این حزب، حالا در صدد تغییر نام است و به‌نظر می‌رسد نام خود را به «حزب جمهوری دموکراتیک» تغییر دهد.

«تونجر باقرخان» درباره تغییر نام حزب خود، اعلام کرده که این هدف در راستای اثبات حسن نیت او و همکاری‌اش برای توسعه سیاسی کشور است.

گزارش شبکه تلویزیونی ODATV ترکیه می‌گوید: «اصطلاح جمهوری دموکراتیک مکرراً توسط عبدالله اوجالان، مورد استفاده قرار می‌گیرد. او بارها گفته

است: من برای میهن دموکراتیک، ملت دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک مبارزه می‌کنم. او در ادامه اشاره کرده، ما دولت نمی‌خواهیم، آنچه ما می‌خواهیم این است که مردم ما از موانع دموکراتیزه شدن در محله‌ها، روستاها و شهرهایمان رهایی یابند. یک کنفدرالیسم دموکراتیک در ترکیه واقع‌بینانه‌تر است، نه فقط برای کردها. من این را برای تمام ترکیه پیشنهاد می‌کنم. ما با ساختار واحد مشکلی نداریم.»

در همین حال، مراد کاراییلان رهبر بخش نظامی پ.ک.ک گفته است: «اگرچه هدف استراتژیک ما همراهی با ترکیه بر اساس وحدت دموکراتیک است، اما اگر آن‌ها نخواهند با ما زندگی کنند، ما بدون راحل نیستیم و یک جایگزین داریم. جایگزین ما اعلامیه مستقل سیستم کنفدرال دموکراتیک است. جامعه باید مستقل باشد، ملت باید مستقل باشد. اما هدف اساسی باید این باشد که ملت‌های مستقل با هم و به‌طور مساوی در چارچوب سیستم کنفدرال، یک جامعه ملی دموکراتیک تشکیل دهند.»

عفو در دستور کار است؟

ییلماز تونچ وزیر دادگستری کابینه اردوغان اعلام کرده که قرار نیست یک عفو عمومی برای اعضای پ.ک.ک صادر شود. اما روزنامه سوزجو پرنیترترین روزنامه چاپ آنکارا ادعا کرده که تنها در عرض 24 ساعت، 715 عضو پ.ک.ک، بی‌سر و صدا عفو و از زندان آزاد شده‌اند. ولی مقامات رسمی دولت گفته‌اند که شمار آزادشدگان فقط 25 نفر بوده و قرار نیست عفو اعلام شود.

با این وجود حقوق‌دانان می‌گویند، بیش از 5 هزار نفر، صرفاً به‌خاطر عضویت در پ.ک.ک یا هواداری از آن زندانی شده‌اند و حالا این حزب منحل شده، آن حکم نیز اعتبار خود را از دست می‌دهد. در نتیجه زندانیان باید آزاد شوند.



ویسی آکتاش

ویسی آکتاش از زندان آزاد شد

به گزارش خبرگزاری مزوپوتامیا، شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵، ویسی آکتاش که در زندان فوق امنیتی نوع F امرالی محبوس بود، پس از ۳۱ سال و ۳ ماه آزاد شد. آکتاش که ۳۰ سال حبس خود را در زندان گذرانده بود، در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۲۴ به‌طور قانونی ۳۰ سال محکومیت خود را به پایان رساند. اما آزادی آکتاش با تصمیم هیات اداری و نظارت به مدت یک سال به تعویق افتاد. پس از یک سال، آزادی آکتاش ۳ ماه دیگر نیز به تعویق افتاد. آکتاش که آزادی‌اش در مجموع یک سال و ۳ ماه به تعویق افتاده بود، در تاریخ ۲۵ جولای از زندان امرالی که در آن نگهداری می‌شد، آزاد شد.

مقامات ترکیه «ویسی آکتاش» را که به‌همراه عبدالله اوجالان، رهبر و بنیان‌گذار حزب کارگران گُردستان (پکک) در زندان امرالی زندانی بود، آزاد کردند. این

آزادی هم‌زمان با دیدار هیأتی از حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) طرفدار گردها با اوجالان در جمعه گذشته برای پیش‌برد روند صلح بین ترکیه و پ‌ک‌ک که از اواخر سال ۲۰۲۴ آغاز شده است، صورت گرفت.

آک‌تاش پس از گذراندن بیش از ۳۰ سال در زندان آزاد شد؛ ۱۰ سال پایانی دوران محکومیتش را در کنار اوجالان در زندان امرالی گذرانده بود؛ همان زندانی که اوجالان در جریان روند صلح قبلی (میان سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵) به آن منتقل شده بود؛ روندی که در آن زمان بی‌نتیجه ماند.

آک‌تاش پس از آن شهرت گسترده‌ای پیدا کرد که در ۲۷ فوریه گذشته، هنگام قرائت پیام اوجالان به خطاب به حزب «پ‌ک‌ک» در کنار عبدالله اوجالان حضور داشت. چیدم کلیچگون اوچار و کسکین بایندر، روسای مشترک دب‌پ، با ویسی آک‌تاش دیدار کردند که پس از ۳۱ سال و ۳ ماه از زندان فوق امنیتی نوع F امرالی آزاد شده است.

این دیدار در ساختمان شعبه شهر آمد حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها (دم پارتی) انجام شد و رؤسای مشترک دم پارتی، نماینده پارلمانی دم پارتی شهر مردین صالحه آیدنیز، اعضای شورای اجرایی مرکزی و اعضای مجلس دم پارتی نیز در آن شرکت داشتند.

چیدم کلیچگون اوچار و کسکین بایندر به ویسی آک‌تاش و خانواده وی درود فرستادند. نشست بدون حضور رسانه‌ها ادامه پیدا کرد.



استقبال پرشور مردم از رمضان وورال که پس از ۳۱ سال از زندان آزاد شد

زندانی بیمار رمضان وورال که پس از ۳۱ سال از زندان بولو آزاد شد، روز یکشنبه ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵، در اردیش مورد استقبال پرشور مردم قرار گرفت. وورال با اشاره به روند صلح، خواستار اتحاد شد.

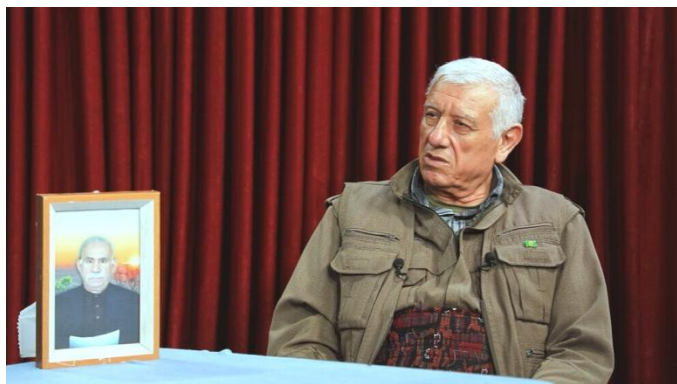
زندانی بیمار رمضان وورال که از زندان بولو آزاد شد، پس از ۳۱ سال مورد استقبال پرشور اهالی اردیش قرار گرفت. علاوه بر اعضای خانواده وورال، افراد زیادی در مراسم استقبال که در ورودی ناحیه اردیش برگزار شد، حضور داشتند. استقبال پرشوری از وورال به عمل آمد و وی با کاروانی از خودروها به منزل خود در اردیش رفت.

«به اهدافمان خواهیم رسید»

ورال در مراسم استقبال سخنرانی کرد و گفت: «امید من این است که در آینده‌ای نزدیک تمامی رفقای ما آزاد شوند و در کنار یکدیگر باشیم.

همان‌طور که همه می‌دانند، ما وارد روند صلح شده‌ایم. به زودی به اهدافمان خواهیم رسید. اکنون دیگر اتحاد کردها تحقق خواهد یافت. هر اندازه که کردها و ترک‌ها متحد گردند، این روند نیز به همان میزان سرعت خواهد گرفت.»

شاهین آیاز به نمایندگی از جمعیت همکاری و همبستگی با خانواده‌های زندانیان و محکومین (TUHAY-DER) سخنرانی کرد و اظهار داشت: «تا زمان آزادی آخرین رفیق‌مان از زندان، به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.»



جمیل بایک، رییس مشترک شورای اجرایی کنفدرالیسم جوامع کردستان (کجک)

جمیل بایک، بدون تامین شرایط هیچ‌کس نمی‌تواند از ما بخواهد که سلاح‌ها را زمین بگذاریم

جمیل بایک، رییس مشترک شورای اجرایی کنفدرالیسم جوامع کردستان (کجک) در برنامه ویژه تلویزیون استرک (Stêrk TV) ضمن اشاره به فراخوان اوجالان و پیش شرط‌های فرایند مبارزه سیاسی دموکراتیک اظهار کرد تا زمانی که بستر قانونی گذار ایجاد نشود، هیچ‌کس نمی‌تواند از ما بخواهد که سلاح‌ها را زمین بگذاریم.

بایک گفت: پس از «فراخوان رهبر آپو برای صلح و جامعه دموکراتیک»، هنوز انزوای تحمیلی امرالی برداشته نشده است و بیان کرد که دولت ترکیه سعی دارد نشان دهد که انزوا برداشته شده است، اما این صحیح نیست. بایک با تاکید بر این که رهبر آپو در شرایط دشوار گام‌های یکجانبه برداشته است، افزود: «رهبر آپو با ابتکار خود بسیاری از گام‌های تاریخی را برداشت. او خواستار پایان دادن به فعالیت‌ها تحت نام حزب کارگران کوردستان (پکک) و پایان روش مبارزه مسلحانه شد؛ جنبش ما نیز به این خواسته پاسخ داد و مطالبات رهبری ما را برآورده کرد. پس از این که رهبر آپو یک حرکت یکجانبه انجام داد، از جانب خود به وظایفش عمل کرد. جنبش نیز وظایف خود را انجام داد. اکنون باید شرایط رهبر آپو تغییر کند. باید مکان او تغییر کند، باید با مردم، جنبش، روشنفکران، سیاستمداران و آکادمیسین‌ها ارتباط داشته باشد. ممنوعیت‌ها باید برداشته شوند. رهبر آپو هر کاری که می‌توانست انجام داد. حالا نوبت دولت است که گام بردارد.»

وی در بخش دیگر گفت‌وگو در ارتباط با اقدام نمادین سوزاندن سلاح‌ها توسط شماری از اعضای پ.ک.ک در شهر سلیمانیه عراق و بازگشت آنان به مقرهای خود گفت: در تاریخ کردها یک فرهنگ وجود دارد، آتش روشنایی، نوآوری و پیشرفت‌های جدید را نمایندگی می‌کند. یکی از دلایل به آتش کشیدن سلاح‌ها نیز همین است. رفقای سخنگو نیز به صراحت گفتند: «به درخواست رهبر آپو، ما گامی نمادین برمی‌داریم. دولت ترکیه، افکار عمومی ترکیه و حتی جهان، همه باید ببینند. ما می‌خواهیم مشکل را بر اساس اصول سیاسی و حقوقی حل کنیم. ما نمی‌خواهیم بجنگیم. به همین دلیل سلاح‌ها را به آتش می‌کشیم و به جاهای خود باز می‌گردیم.» چرا؟ زیرا شرایط رفتن آن‌ها به ترکیه وجود ندارد، قوانینی وجود ندارد. اگر بروند، به زندان می‌روند، به دادگاه می‌افتند. حتی مجازات‌های سنگینی نیز دریافت می‌کنند.

زیرا طبق قوانین آن‌ها، کسانی که سلاح به دست می‌گیرند، دشمن آن‌ها هستند. مجازات این نیز بسیار سنگین است.

تا زمانی که قوانین تغییر نکند و بستر قانونی آماده نشود، رفقا چگونه می‌توانند به ترکیه بروند؟ به همین دلیل نرفتند. بستر آن وجود ندارد. به همین دلیل دوباره به جاهای خود بازگشتند. چگونه یک انسان که سالیان متمادی در کوهستان‌ها مسلحانه زندگی کرده و از خود دفاع کرده است، سلاح را زمین بگذارد و بی‌کس بماند؟ در ترکیه جایی برای رفتن وجود ندارد، بستری وجود ندارد، نمی‌توانند آن‌جا زندگی کنند. مجبورند دوباره به جاهای خود بازگردند. به همین دلیل به جاهای خود بازگشتند.

اگر ترکیه در شرایط رهبر آپو تغییراتی ایجاد کند، انزوا را از بین ببرد، رهبر آپو بتواند آزادانه کار کند، با همه ارتباط برقرار کند، قوانین آزادی توسعه یابد، قوانین ادغام دموکراتیک توسعه یابد، آن‌گاه بستر لازم فراهم می‌شود و ما می‌توانیم سلاح‌هایمان را زمین بگذاریم. تا زمانی که اینگونه نباشد، هیچ کس نمی‌تواند از ما بخواهد که سلاح‌ها را زمین بگذاریم.

در رسانه‌ها بحث‌هایی در جریان است؛ مثلاً می‌گویند «در دهوک سلاح‌ها را زمین می‌گذارند»، یا «در هولیر زمین می‌گذارند.» این‌ها کاملاً حرف‌های بی‌اساس است. هیچ کس نمی‌تواند به این شکل بر ما فشار بیاورد، یا چنین تصویری ایجاد کند. شاید برخی می‌خواهند ما چنین گام‌هایی برداریم، اما تا زمانی که شرایطی که ذکر کردم فراهم نشود، ما نمی‌توانیم گروه جدیدی بفرستیم. این امکان‌پذیر نیست.

...

مقامات دولتی، از جمله اردوغان، اظهار داشتند که روند طبق برنامه‌ریزی آن‌ها گام‌به‌گام پیش می‌رود. آیا از دیدگاه شما نیز وضعیت این‌گونه است؟

جمیل پایک: دولت ترکیه، به ویژه مقامات آکپ، نشان می‌دهند که همه چیز طبق برنامه‌ریزی آن‌ها پیش می‌رود. آن‌ها چنین تصویری در جامعه ایجاد می‌کنند. حتی در خارج از کشور نیز می‌خواهند چنین تصویری ایجاد کنند. اما از دیدگاه ما وضعیت این‌گونه نیست.

مشکل آن‌گونه که آن‌ها می‌گویند حل نمی‌شود و گام‌ها آن‌گونه که آن‌ها می‌گویند برداشته نمی‌شود.

چرا این کار را می‌کنند؟ این نیز شک و تردید ایجاد می‌کند. آن‌ها حل مسئله کورد را اساس قرار نمی‌دهند. فقط هدف‌شان خلع سلاح جنبش است. می‌خواهند جنبش را تضعیف و بی‌اثر کنند تا بتوانند به اهداف خود برسند. آن‌ها می‌خواهند این تصور را ایجاد کنند که «همه چیز تحت کنترل ماست، همه چیز طبق خواسته‌های ما پیش می‌رود» هم در داخل و هم در خارج. با این کار می‌خواهند موقعیت و قدرت خود را تقویت کنند.

اما این‌که با ایجاد چنین تصویری چه قدر نتیجه می‌گیرند، دقیقاً نمی‌دانیم. ما این‌گونه حساب نمی‌کنیم، این‌گونه نمی‌فهمیم.

همه چیز طبق میل آن‌ها پیش نمی‌رود، گام‌هایی که تاکنون برداشته شده، رهبر آپو با ابتکار خود آن‌ها را توسعه داده است.

گام‌ها با چانه‌زنی برداشته نشدند. فقط با چلی یک سخنرانی کرد، همین. غیر از این نه دولت و نه آکپ آن‌گونه که می‌گویند گامی برنداشته‌اند. طبق میل آن‌ها گامی برداشته نمی‌شود.

رهبر آپو مشاهده کرد که باغچلی متوجه خطر ترکیه و خاورمیانه شده است. آن‌ها دیدند که برای نجات ترکیه از این وضعیت خطرناک به کردها نیاز دارند. به همین دلیل باغچلی آن سخنرانی را انجام داد. رهبر آپو نیز به سخنرانی باغچلی پاسخ داد. گفت: «اگر واقعا می‌خواهید مردم ترکیه و ترکیه را از خطر نجات دهید؛ راهش تغییر سیاست شما در قبال کردهاست.» گفت: «اگر می‌خواهید تغییر دهید، من آماده‌ام، می‌توانم وظیفه خود را از نظر نظری و عملی انجام دهم.» رهبر آپو بر این اساس گام برداشت.

ما تصمیم به پایان دادن فعالیت‌ها تحت عنوان پکک را به دلیل خواست ترکیه برای نابودی پکک نگرفتیم. رهبر آپو این را خواست. دولت ترکیه نگفت مبارزه مسلحانه را متوقف کنید، رهبر آپو گفت. یعنی گام‌هایی که تاکنون برداشته شده، به‌صورت یک‌جانبه توسط رهبر آپو برداشته شده است. ما نیز به رهبر آپو پاسخ دادیم. گام‌هایی را که رهبر آپو برداشته بود، از طرف خود تکمیل کردیم. این کاری است که انجام شده.

ما نیز گفتیم: «تا این اندازه گام‌های یک‌جانبه‌ای است که می‌توانیم برداریم؛ دیگر نمی‌توانیم گام بیش‌تری برداریم.» اگر واقعا می‌خواهید مشکل را حل کنید، ما بستر آن را آماده کرده‌ایم. کارهای انجام شده در این چارچوب است.

همه چیز را طبق گفته آن‌ها برنامه‌ریزی کرده‌ایم. وضعیتی نیست که «همه چیز طبق برنامه ما پیش می‌رود.» آن‌ها چنین تصویری را ایجاد می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند هم در داخل و هم در خارج این تصور را ایجاد کنند که «ما جنگیدیم، پکک را از بین بردیم، پکک هیچ راهی ندارد، پکک را تسلیم می‌کنیم.» همه باید بدانند که حقیقت این نیست.

ترکیه بسیار تحت فشار قرار گرفته است؛ زیرا مبارزه ای که ما انجام دادیم و سیاست آن‌ها در قبال کردها و رهبر آپو، شکست خورد. این مشکلات بسیار جدی برای ترکیه ایجاد کرد. اگر آن‌ها آن سیاست را ادامه می‌دادند، مشکلاتشان بسیار بیشتر می‌شد. همچنین تغییرات بسیار بزرگی در خاورمیانه در حال رخ دادن است. این تغییرات نیز ترکیه را بسیار تحت تاثیر قرار می‌دهد. هنگامی که مشکلات داخلی با مشکلات خاورمیانه ترکیب می‌شود، سرنوشت ترکیه تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

رهبر آپو همان‌طور که نسبت به کردها احساس مسئولیت می‌کند، نسبت به مردم ترکیه و مردم خاورمیانه نیز احساس مسئولیت می‌کند. او خطر را دید و خواست جلوی این خطر را بگیرد. او نمی‌خواهد نه کردها، نه ترک‌ها و نه مردم خاورمیانه خطری را تجربه کنند. او نمی‌خواهد ترکیه مشکلاتی را که عثمانی تجربه کرد، تجربه کند. زیرا رهبر آپو واقعا مسئولانه عمل می‌کند. او هم ترکیه و هم مردم را دوست دارد. او نمی‌خواهد آن‌ها مشکلی را تجربه کنند. به همین دلیل گام‌های یکجانبه برداشت.

اکنون سعی می‌کنند و انمود کنند که گام‌هایی که ما برداشته‌ایم را خودشان توسعه داده‌اند یا آن‌ها ما را مجبور به برداشتن این گام‌ها کرده‌اند. چنین چیزی وجود ندارد. همه باید این حقیقت را به‌خوبی بدانند.

در حال حاضر روند به‌صورت یکجانبه پیش می‌رود. تاکنون نیز این‌گونه پیش رفته است. شما پس از 41 سال، تصمیمات بسیار مهمی مانند پایان دادن به مبارزه مسلحانه و مبارزه با شیوه‌های مختلف گرفتید. برخی گروه‌ها مسئله را از این

دیدگاه می‌بینند که پکک به دنبال تضمین امنیت است. یعنی اگر روند مختل شود با به نتیجه نرسد، چه موضعی اتخاذ خواهد شد؟

همه باید این را به خوبی درک کنند؛ ما یک فلسفه، ایدئولوژی، سبک زندگی و مبارزه داریم. همان‌طور که در آنکارا بر این اساس شروع کردیم، هنوز هم بر این اساس مبارزه می‌کنیم و از این پس نیز بر این اساس ادامه خواهیم داد. در این‌جا تغییری نخواهد بود. اگر حزبی تشکیل دادیم، بر این اساس حزب تشکیل دادیم. اگر بعداً گام‌هایی برداشتیم، بر این اساس گام برداشتیم. اکنون اگر به فعالیت‌ها تحت عنوان پکک پایان دادیم، مبارزه مسلحانه را متوقف کردیم، آماده‌ایم که سلاح‌ها را کاملاً زمین بگذاریم، می‌خواهیم در سیاست دموکراتیک شرکت کنیم، می‌خواهیم سیاست دموکراتیک را توسعه دهیم؛ تمام این گام‌ها را بر این اساس برمی‌داریم. ما نمی‌خواهیم یک بار دیگر جنگ نظامی بین دولت ترکیه و ما رخ دهد. این را نیز به همه نشان دادیم. به فراخوان رهبر آپو، گروهی متشکل از ۳۰ نفر از رفقایمان سلاح‌های خود را به آتش کشیدند. ما نمی‌خواهیم یک بار دیگر مسلح شویم و بجنگیم. این را نشان دادیم. این به اندازه کافی تجربه شده است.

مشخص شده است که مشکل باید در یک بستر سیاسی و دموکراتیک حل شود. به همین دلیل قوانین باید تغییر کنند. این‌ها را بیان کردیم. ما در این زمینه مصمم هستیم. این به دولت ترکیه بستگی دارد.

اگر دولت ترکیه واقعا می‌خواهد مشکل خود را با خلق کرد حل کند، آن‌گاه باید گام بردارد. باید در شرایط رهبر آپو، در سیاست، قوانین و مقررات خود تغییر ایجاد کند. آنگاه مشکل وارد مسیر حل و فصل می‌شود.

اما اگر دولت ترکیه می‌خواهد ما را فریب دهد، خلع سلاح کند، تضعیف کند، اهداف خود را در قبال کردها محقق کند؛ این امکان‌پذیر نیست. همه باید این را درک کنند.

این جنبش هدفی دارد. آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم است. از روزی که تاسیس شد بر این اساس بود و بر همین اساس هم پیش می‌رود و ادامه خواهد داد. در گذشته نیز تمام گام‌های برداشته شده بر همین اساس بود، امروز نیز گام‌هایی که برداشته خواهد شد بر همین اساس خواهد بود. خلق ما، دوستان ما و همه باید بدانند که ما در راستای اهدافمان پیش می‌رویم. هر کسی هر چه بگوید، برای ما اهمیتی ندارد.

این‌که آیا دولت ترکیه می‌خواهد تصویری نادرست ایجاد کند، آیا می‌خواهد فریب دهد، یا برخی ملی‌گرایان نمی‌دانم حمله خواهند کرد، آیا برخی گروه‌ها که سوسیالیسم رئال را اساس می‌دانند انتقاد خواهند کرد، یا حمله خواهند کرد؛ ما اینها را چندان اساس قرار نمی‌دهیم.

ما این‌ها را فقط امروز تجربه نمی‌کنیم، از همان روزی که شروع کردیم کم و بیش اینها را تجربه کرده‌ایم. شاید به حرف‌هایشان توجه کرده‌ایم اما هرگز آن‌ها را اساس قرار نداده‌ایم و هرگز نیز بر اساس آن‌ها عمل نمی‌کنیم. ما هدفی داریم. یک خط‌مشی و اصول داریم. یک سبک زندگی داریم، یک اخلاق داریم و بر این اساس پیش می‌رویم. همه باید این را بدانند. این جنبش هرگز تسلیم نخواهد شد.

اگر کسی می‌گوید «تسلیم می‌کنیم» خودش را فریب می‌دهد. اگر برخی شک دارند که دولت ترکیه جنبش را تسلیم خواهد کرد یا جنبش تسلیم خواهد شد؛ بدانند که این جنبش حتی در روزهای بسیار سخت، در اوج ناتوانی و زیر ظلم و ستم شدید، هرگز تسلیم نشد، مقاومت را اساس قرار داد، اهداف خود را اساس قرار داد.

امروز وضعیت جنبش مانند گذشته نیست. در این شرایط هیچ‌کس نمی‌تواند این جنبش را تسلیم کند، یا فریب دهد. نه رهبر آپو و نه جنبش را نمی‌توانند فریب دهند. رهبر آپو و این جنبش، جنبش و رهبری نیستند که فریب بخورند. هدف آن‌ها، مبارزه آن‌ها، جلوگیری از فریب خوردن خلق کرد، خلق‌های ترکیه، خلق‌های

خاورمیانه و بشریت، خارج کردن آن‌ها از انحرافات و تحریفات و توسعه زندگی بر اساس ریشه‌ها، اهداف و خواسته‌هایشان است. جنبش بر این اساس به وجود آمد و مبارزه می‌کند. اگر با محاسبات ساده‌ای مانند ایجاد تصویری غلط، وانمود کردن به حل مشکل، وادار کردن پکک به برداشتن گام‌هایی و خلع سلاح کردن آن، بگویند که همه چیز را به این شکل تمام می‌کنیم، این امکان‌پذیر نیست.

این جنبش به اهداف خود پایبند است. چه مسلحانه، چه غیرمسلحانه، در راستای اهداف خود پیش می‌رود. مبارزه فقط نظامی نیست؛ که یک جنبه آن است. مبارزه جنبه‌های بسیاری دارد. جنبش آپویی از همان لحظه ظهور خود تا به امروز در بسیاری از زمینه‌ها مبارزه کرده است. و به این مبارزه ادامه خواهد داد. هر آنچه برای خلق کورد، خلق کوردستان، خلق‌های ترکیه، خلق‌های خاورمیانه و بشریت لازم باشد، این جنبش آن را اساس قرار می‌دهد و خواهد داد. همه باید رهبر آپو و جنبش را به این شکل درک کنند.

با نگاهی به تجربیات گذشته، روند چندین بار مختل شد، اردوغان میز را برگرداند. به‌نظر شما، آیا دولت در حال حاضر واقعا برای حل این مشکل داوطلب است؟ اگر واقعا داوطلب هستند، چرا هنوز عملیات‌های اشغالگری در برخی مناطق ادامه دارد؟ به‌نظر شما، آیا در دولت هنوز کسانی هستند که خواهان ادامه جنگ باشند؟

آکپ با حمایت حزب حرکت ملی‌گرا (م‌ه‌پ) در قدرت است. وقتی چیزی مطابق با اهداف و خواسته‌هایشان باشد، هیچ چیز مانع آن‌ها نمی‌شود، هر کاری که بخواهند انجام می‌دهند. اما در مورد چیزی که مطابق با اهداف‌شان نباشد و به آن‌ها خدمت نکند، تمام قوانین را زیر پا می‌گذارند، هر کاری که می‌خواهند انجام می‌دهند. اگر واقعا می‌خواهند ترکیه را از سختی‌ها و مشکلات نجات دهند؛ -که باغچلی در بیانیه

خود گفته بود «مشکل بقا وجود دارد»- راهش فریب دادن، دستگیر کردن و اعمال فشار بر کسی نیست. باید از همه این‌ها دست بردارند. ترکیه با این روش نمی‌تواند از «مشکل بقا» رهایی یابد.

تنها در صورتی می‌توانند مشکلات را حل کنند که ذهنیت خود را تغییر دهند، از اقدامات عملی خود که بر اساس این ذهنیت انجام می‌دهند دست بردارند، قوانین را اساس قرار دهند، حقوق را اساس قرار دهند، خواسته‌های خلق کرد، چپ‌گرایان ترکیه، دموکرات‌ها و روشنفکران را اساس قرار دهند و بر این اساس گام بردارند. این برای خودشان نیز خوب خواهد بود. تا کنون هر کاری که کرده‌اند برای قدرت خودشان بود، برای تقویت قدرت‌شان بود. زیرا بسیار ضعیف شده‌اند و می‌خواهند از آن وضعیت خارج شوند. از این وضعیت نمی‌توانند با اعمال فشار خارج شوند. با دستگیری‌ها نمی‌توانند خارج شوند.

در استانبول پلیس به کسانی که موسیقی کوردی گوش می‌دهند حمله می‌کند، یک زن را روانه بیمارستان می‌کنند. آیا به این شکل مشکلات را حل خواهند کرد، خود را به مردم بقبولانند، قدرت خود را تقویت خواهند کرد؟ این امکان‌پذیر نیست. به این شکل قدرت خود را بیش‌تر تضعیف می‌کنند.

اگر واقعاً می‌خواهند در قدرت بمانند، باید مردم را در کنار خود قرار دهند، نیروهای دموکراتیک را در کنار خود قرار دهند، از سیاست‌هایی که در پیش گرفته‌اند و از تجزیه جامعه دست بردارند. نباید برخی را در کنار خود و برخی را در مقابل خود قرار دهند.

از این‌جا نیز می‌فهمیم که آن‌ها فقط قدرت خود را در نظر می‌گیرند اما این محاسبه نیز اشتباه است. با این محاسبه نمی‌توانند قدرت خود را تقویت کنند. اساساً با این روش بیش‌ترین آسیب را می‌رسانند. واکنش‌های بسیار بزرگی ایجاد می‌کنند. من از

آن‌ها می‌خواهم که از این سیاست دست بردارند و یک سیاست دموکراتیک را اساس قرار دهند. این زمینه باید توسعه یابد. سود آن‌ها و همه در این است...» (مصاحبه دیگری با جمیل بایک را در ضمیمه همین مطلب بخوانید)

سابقه فرایند چاره‌یابی برای حل مسئله ملی مردم کرد در ترکیه

دولت ترکیه بار دیگر به عبدالله اوجالان روی آورد که 26 سال است او را در انزوای شدید در جزیره امرالی نگه داشته است. گزارش‌ها حاکی از آن است که پس از جلساتی که ظاهراً از حدود یک سال پیش آغاز شده بوده، روندی جریان داشته که رسماً «فرایند چاره‌یابی» نامیده نمی‌شده است. در نتیجه این روند، در 27 فوریه، «هیات ایمرالی» فراخوانی را با عنوان «صلح و جامعه دموکراتیک» اعلام کرد که شخصاً توسط اوجالان نوشته شده بود. پس از قرائت بیانیه مکتوب به دو زبان کوردی و ترکی، سری ثریا اوندور، عضو هیات، یادداشتی از اوجالان را به اشتراک گذاشت: «در عین ارائه این دیدگاه، این امر بدون شک مستلزم کنار گذاشتن سلاح، انحلال پ.ک.ک و به رسمیت شناختن چارچوب حقوقی و سیاسی سیاست دموکراتیک است.»

این تحولات بار دیگر مباحثاتی را با محوریت حل مسئله ملی مردم کرد به مرکز توجه سیاسی ترکیه آورده است. طبیعتاً رویکردهای «طرفین» به این روند، متفاوت است. جنبش حق‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه مردم کرد با استقبال از فراخوان عبدالله اوجالان اعلام کرد که نیروهای گریلا سلاح‌های خود را زمین خواهند گذاشت.

همان‌طور که زنده‌یاد «سری ثریا اوندر» از «هیات ایمرالی» گفته بود: «هیچ شرطی برای آن وجود ندارد. نه پیش‌شرطی وجود دارد و نه شرطی بعد از آن.» (3 مارس 2025)

البته این اولین بار نیست که دولت ترکیه و جنبش ملی کرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مورد مسئله ملی کرد مذاکره می‌کنند. به‌عنوان مثال، در سال 1993، تحت ابتکار رییس جمهور وقت ترکیه «تورگوت اوزال»، عبدالله اوجالان رهبر پ.ک.ک در 20 مارس 1993 برای اولین بار آتش‌بس یک‌جانبه اعلام کرد. پس از دستگیری آقای اوجالان در 15 فوریه 1999، در نتیجه یک توطئه بین‌المللی، او خواستار آتش‌بس دیگری شد که پ.ک.ک در سپتامبر 1999 اعلام کرد. در کنار آن دستور عقب‌نشینی نیروهای گریلا از مرزهای ترکیه صادر شد. پ.ک.ک تا حد زیادی از این فراخوان پیروی کرد و دوره‌ای از «انفعال یک‌جانبه» را آغاز کرد که تا سال 2004 ادامه داشت.

هنگامی که دولت ترکیه نتوانست هیچ گامی برای «چارمیابی» بردارد، پ.ک.ک نیز به آتش‌بس یک‌جانبه خود پایان داد و در 1 ژوئن 2004 مبارزه مسلحانه را از سر گرفت. دولت حزب عدالت و توسعه فرآیند موسوم به «ابتکار عمل دموکراتیک» را در سال 2009 تحت عنوان «پروژه وحدت ملی و برادری» آغاز کرد. گفت‌وگوها با عبدالله اوجالان در جزیره ایمرالی از سر گرفته شد و مقامات سازمان اطلاعات ملی (میت) و برخی از نمایندگان حزب عدالت و توسعه جلساتی محرمانه با نمایندگان پ.ک.ک (عوامل اجرایی ک.ج.ک) در اسلو در اروپا برگزار کردند. این دیدارها که به گفت‌وگوهای اسلو معروف است بین سال‌های 2009 تا 2011 برگزار شد.

در دسامبر 2012، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر وقت، علناً اعلام کرد که مذاکرات با اوجالان در ایمرالی در حال انجام است. به دنبال این بیانیه، در اوایل سال 2013، نمایندگان دولت به رهبری معاون وزیر میت با «هیأت ایمرالی» گفت‌وگو کردند. در دوره‌ای که از سال 2013 تا 2015 به طول انجامید و در گفتمان عمومی به «فرایند چارمبایی» معروف شد، دولت عدالت و توسعه اقدامات قانونی را برای نهادینه کردن این فرآیند انجام داد. در سال 2014، قانونی به تصویب رسید، که در آن مجلس ملی کبیر ترکیه «کمیسیون چارمبایی» را تأسیس کرد و «کمیته عقلاً» تشکیل شد. در 21 مارس 2013، در جشن نوروز در آمد، نامه اوجالان برای عموم قرائت شد.

در 28 فوریه 2015، هیأت امرالی و نمایندگان دولت حزب عدالت و توسعه کنفرانس مطبوعاتی مشترکی را در کاخ دولماباغچه برگزار کردند. در این کنفرانس، چارچوب مذاکرات 10 ماده‌ای اوجالان قرائت شد و اعلام شد که اوجالان از پ.ک.ک می‌خواهد تا کنگره فوق‌العاده‌ای را در فصل بهار برای تصمیم‌گیری در مورد خلع سلاح تشکیل دهد. با این حال، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در مارس 2015 با بیان اینکه موافقت‌نامه دولماباغچه را تأیید نکرده است، مخالفت کرد و اعلام کرد: "من این توافق را به رسمیت نمی‌شناسم."

در اواخر سال 2024، گزارش‌هایی مبنی بر وقوع یک روند جدید «مذاکره» بین دولت ترکیه و عبدالله اوجالان منتشر شد. این روند از این جهت از روندهای قبلی متمایز بود که رسماً به‌عنوان یک «فرآیند» نام‌گذاری نشد و جزئیات جلسات برای مردم فاش نشد. در حالی که بنا بر گزارش‌ها از جانب جنبش ملی کرد هیچ شرط و خواسته‌ای مطرح نشده، از سوی دیگر، دولت ترکیه نیز هیچ تعهد یا امتیازی نداده است. در نتیجه ماهیت این فرآیند ناشناخته باقی مانده است. با این حال، باید تأکید

کرد که تعامل مجدد دولت ترکیه با عبدالله اوجالان در مورد مسئله ملی کرد قابل توجه است. دلیل اصلی این امر، تحولات در حال رخ دادن در خاورمیانه، به‌ویژه در سوریه است.

در سال‌های ۱۸۸۰، ویکتور هوگو، نویسنده و سیاست‌مدار فرانسوی، برای جلوگیری از جنگ‌های ملی در اروپا، ایده «اتحاد فدراتیو اروپا» را مطرح کرده بود. اروپایی‌ها بعد از دو جنگ جهانی که ده‌ها میلیون انسان را به کام مرگ فرستاد، به‌طرف اتحادیه اروپا گام برداشتند.

حدود دو قرن است که کمونیست‌ها با اتکا به نظریه‌های مارکس، انگلس و لنین بر حق تعیین سرنوشت تاکید دارند.

اکنون عبدالله اوجالان که بخشی عظیمی از مردم کرد در خاورمیانه، او را «رهبر آپو» خطاب می‌کنند تئوری‌ها و سیاست‌های جدیدی را تدیون کرده است و آن‌هم رد قاطع «ملت-دولت» و تاکید بر کنفدرالیسم دموکراتیک است.

کنفدرالیسم دموکراتیک به کردی (demokratik Konfederalîzma) نامیده می‌شود؛ یک مدل سیستم سیاسی‌ست که توسط عبدالله اوجالان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) تئوریزه شده و بر پایه‌های اساسی دموکراسی مستقیم، چندگانگی فرهنگی، اقتصاد تعاونی، حق طبیعی دفاع و خودگردانی شورایی استوار است. در اشاره به فلسفه سیاسی عبدالله اوجالان از واژه‌های «کمونالیسم» نیز استفاده می‌شود؛ فلسفه‌ای که در ابتدا تحت تاثیر نظریات بوم‌شناسی اجتماعی «مورای بوکچین» به‌عنوان راه‌کاری برای خواسته‌های خلق کرد در منطقه خاورمیانه و همچنین رفع مشکلات اساسی جوامع طبقاتی در کشورهای این منطقه مطرح شد؛ و سپس به مرور به‌عنوان جنبشی انترناسیونالیستی و در نقد ناسیونالیزم، در راه

آزادی، برابری و نهایتاً رهایی از سیستم‌های سرمایه‌داری، نه تنها مورد توجه مردم کرد، بلکه مورد توجه بخشی از افکار عمومی خاورمیانه و جهان قرار گرفته بود. اوجالان نظریات خود را بیش از همه با تأثیر از ایده‌های فیلسوف آنارشیست آمریکایی، مواری بوکچین، در حوزه بوم‌شناسی اجتماعی و اصالت خودگردانی شهری صورت‌بندی کرده است. بوکچین در آثار خود استدلال می‌کند که نابودی طبیعت نتیجه سلطه انسان‌ها بر یکدیگر از طریق سازوکارهای دولت-ملت، اشکال مختلف سرمایه‌داری، و سیستم‌های سلسله‌مراتبی‌ست؛ و از این‌رو برای تغییر شکل جامعه‌ی سلسله‌مراتبی مخرب به یک جامعه اجتماعی اکولوژیک، ساختار اجتماعی بشریت به یک بازاندیشی نیاز دارد، به گونه‌ای که عموم در آن زیست مشترک خود را به صورت مستقل سازمان‌دهی کرده و بین اجزاء تعادل برقرار شود. اوجالان نیز با نگاه به نظریات بوکچین، رویکردی انتقادی نسبت به دولت-ملت و ناسیونالیسم دارد و حق تعیین سرنوشت مردم را به عنوان «پایه استقرار یک دموکراسی اساسی، بدون نیاز به جست‌وجوی مرزهای سیاسی جدید» تحلیل و تفسیر می‌کند. بر این اساس، اوجالان می‌نویسد که راحل سیاسی برای خلق کرد مستلزم ایجاد یک دولت ملی جدید نیست، بلکه تشکیل یک نظام دموکراتیک، غیرمترکز یا به گونه‌ای محورسستیز از ارگان‌های خودسازمان‌ده در قالب یک کنفدراسیون است.

عبدالله اوجالان و خالق فلسفه کنفدرالیسم دموکراتیک در سال ۲۰۱۳، در فهرست ۱۰۰ شخصیت اثرگذار جهان قرار گرفت.

اوجالان کنفدرالیسم دموکراتیک را به عنوان یک مدل مدیریت سیاسی و چارچوبی نوین برای خودسازمان‌دهی بدون دولت در هر نوع جامعه، از جمله شهرها، ادارات، واحدهای تولیدی، نهادهای آموزشی، یا گروه‌های ملی و جنسیتی معرفی

می‌کند. این مدل سیاسی مبتنی بر خودگردانی و دموکراسی مشارکتی و مستقیم کانون‌ها و انجمن‌های محلی، پارلمان‌ها و شوراهای باز، شوراهای شهری و کنگره‌های بزرگ‌تر است که شهروندان در آن کارگزاران مستقیم جامعه خودگردان هستند. افراد و سازمان‌ها و نهادها و احزاب سیاسی در چنین جامعه‌ای، مجازند که بر محیط و فعالیت‌های مشترک خود تاثیر واقعی داشته باشند.

عبدالله اوجالان 26 سال است که در زندان جزیره امرالی در حومه استانبول به سر می‌برد. وی در این مدت، صدها کتاب تاریخی و فلسفی متعدد از اندیشمندان غربی را مطالعه کرده و تمام وقتش را صرف مطالعه و نوشتن کرده است؛ نوشتن درباره مسئله کردها و تشریح فلسفه سیاسی خود به عنوان راه حل مشکلات منطقه؛ و همچنین نوشتن دفاعیاتی برای دادگاه ترکیه که وی را به اعدام محکوم کرده بود و با لغو اعدام در ترکیه، حکم اعدام وی به حبس ابد تبدیل شد.

نخستین امکان تحقق این فلسفه سیاسی اوجالان، زمانی تحقق پیدا کرد که در طول جنگ داخلی سوریه، در سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین (کردستان سوریه)، کنفدرالیسم دموکراتیک اعلام شد و در نهایت به مدیریت خودگردان شمال و شرق سوریه انجامید؛ منطقه‌ای که امروز با نام «روژآوا» نیز شناخته می‌شود و علاوه بر کردها، مردم عرب، آشوری، ارمنی، ترکمن، و چرکس‌ها هم در آن زندگی مسالمت‌آمیزی دارند. می‌کنند.

جنبش کنفدرالیسم دموکراتیک با مناسبات شورایی تا حدودی ساختارهای خود را در ایران، ترکیه، سوریه و عراق ایجاد کرده است و مهم‌ترین نمود آن را در جنبش «زن، زندگی، آزادی» تجربه کردیم؛ جنبشی که با افت و خیزهایی در جریان است و به‌طور جدی و پیگیر، سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و شایسته انسانی را در افق و چشم خود قرار داده است.

همزمان تحولات خاورمیانه، عبدالله اوجالان، یک فراخوان تاریخی با هدف تقویت مجدد خاوه‌ری-برادری ترک‌ها و کردها اعلام کرد. این فراخوان صلح در پیامی که عبدالله اوجالان، بنیان‌گذار حزب کارگران کردستان از زندان خود در جزیره امرالی در جنوب استانبول صادر کرد، پس از آن منتشر شد که رهبران برجسته حزب «برابری و دموکراسی خلق» (دم پارتی) طرفدار کردها با اوجالان دیدار کردند. اوجالان در پیام خود خاطرنشان کرد که صدور این فراخوان به‌معنای درخواست از حزب کارگران کردستان برای کنار گذاشتن سلاح و پایان دادن به مبارزه با ترکیه، به‌عنوان «یک مسئولیت تاریخی است که بر دوش همه احزاب سیاسی است.» اوجالان تأکید کرد که مراحل اکنون مرحله صلح است و راحل را نمی‌توان به تعویق انداخت، زیرا که «مهم‌ترین مکان برای موفقیت این مرحله، پارلمان ترکیه است.»

با توجه به نکاتی که عنوان شد و در میانه معادلات کردی منطقه و تحولات سوریه، واقعیت امر این است که ما با یک شرایط بسیار پیچیده‌ای در سطح معادلات منطقه خاورمیانه مواجهیم و همین پیچیدگی در خصوص موضوع کردها و به خصوص کردهای سوریه صدق می‌کند.

چون سمت و سوی تحولات مربوط به کردها در شبکه پیچیده‌ای از منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد که بخشی از آن به سیاست ترکیه، بخشی از آن به دولت مستقر در دمشق، بخشی از آن به سیاست آمریکا و اروپا و در کل غرب و بخشی از آن هم به مناسبات درون کردی باز می‌گردد. بنابراین ما با مجموعه‌ای از پارامترهای پیچیده، متفاوت، متنوع و در عین حال متضاد و متناقض مواجهیم. به همین دلیل، باید منتظر باشیم و ببینیم که معادلات منطقه، چه جهتی پیدا خواهد کرد و بازیگران چه رفتاری از خود نشان خواهند داد. از همه مهم‌تر باید ببینیم که

حاکمان مستقر در سوریه در نهایت به سمت نوعی امت‌گرایی، مشابه نگاه داعش و جمهوری اسلامی ایران پیش خواهند رفت یا نه.

اما عبدالله اوجالان، با قرائت‌های سوسیالیستی و مارکسیستی، کماکان یک رهبر کاریزماتیک به شمال می‌رود و جایگاه مهمی در نزد کردهای منطقه دارد.

در پروسه صلح ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ و همچنین در مارس ۲۰۱۵ و در ۲۰۱۸ هم پیام‌های مشابهی از زبان اوجالان مطرح شد، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به این صلح مدنظر منجر نگردید.

اکنون احتمال دارد باز هم اردوغان و دولت باغچلی و همچنین الجولانی سعی می‌کنند مردم کرد را در راستای سیاست‌های خود هدایت کنند. چرا که دولت باغچلی و اردوغان اساساً با آن نگاه کمالیستی خود با هویت کردی زاویه و مسئله جدی دارند.

اما عبدالله اوجالان و پ‌ک‌ک، بسیار هوشیارتر از آن هستند که وعده‌های اردوغان و باغچلی را به سادگی بپذیرند. در نتیجه به‌نظرم تا زمانی که کردهای سوریه و ترکیه به یک تضمین جدی و واقعی دست پیدا نکنند، سلاح خود را کنار نخواهند گذاشت.

آیا فراخوان اوجالان «تسلیم» شدن است؟

قبل از هر چیز، باید توجه داشت که برای طرف‌های متخاصم، مذاکره با دشمنان، گذراندن «فرایندهای صلح» یا وارد شدن به آتش‌بس‌های متقابل یا یک‌جانبه، غیرعادی نیست. در طول تاریخ، کمونیست‌ها و رهبران جنبش‌های مختلف آزادی‌بخش ملی و اجتماعی گام‌های عملی مشابهی برداشته‌اند. این مراحل را باید

مانورهای تاکتیکی در خدمت هدف انقلاب و رهایی تلقی کرد، تا زمانی که آن هدف برآورده نشده باشد.

اگرچه فراخوان اوجالان در 27 فوریه، که شامل انحلال پ.ک.ک می‌شود، حاکی از یک گسست سیاسی قابل توجه است، اما نباید فراموش کرد که این اولین بار نیست که وی چنین درخواستی را مطرح می‌کند. در واقع، اوجالان قبلاً در اعلامیه‌ها و نوشته‌های مختلف اعلام کرده بود که به دلیل عقب‌نشینی‌های تجربه شده در سوسیالیسم و فروپاشی حکومت‌های تجدیدنظرطلب مدرن (آنچه اوجالان «فروپاشی سوسیالیسم واقعا موجود» می‌نامد)، تغییر در خط که از آن به‌عنوان «تغییر پارادایم» یاد می‌کند، ضروری بود و با تغییر شرایط موجود، می‌بایست روش‌ها و مدل‌های جدیدی اتخاذ شود.

حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در ابتدا به‌عنوان یک حزب متأثر از مارکسیسم ظهور کرد و یک جنگ انقلابی را علیه سیاست‌های انکار و نابودی ملی طبقات حاکمه ترک به راه انداخت. با این حال، اوجالان در اظهارات و دفاعیات خود پس از زندانی‌شدن، به این نتیجه رسید که از «حق جدایی آزادانه» به‌معنای درخواست ایجاد یک کشور جداگانه چشم‌پوشی کرد. وی در مقابل، جنبش ملی کرد را با «پارادایم ملت دموکراتیک، اکولوژیک، آزادی زنان» مشخص کرد.

اوجالان در اظهارات و دفاعیات خود، با «گسست از سوسیالیسم واقعا موجود» در پیش گرفت و در عین حال، بر ایده‌های انقلابی-سوسیالیستی و انترناسیونالیستی تاکید ورزید. از این نظر، اوجالان حق تعیین سرنوشت مردم تحت ستم کرد را به مرحله بالاتری ارتقا داد و با رد «دولت-ملت» و «جدایی و دولت کردی» بر کنفدرالیسم دموکراتیک تاکید ورزید.

این اظهارات حاکی از یک گسست سیاسی مهم است، باید آن را به عنوان فراخوانی برای رهبری عملی جنبش ملی کرد برای «بهروز کردن معنای آن» درک کرد. از این نظر، تفسیر موضع اوجالان به عنوان «تسلیم شدن» نادرست است. این امر حتی با توجه به موضع سیاسی، مانورهای سیاسی و عملگرایی او به عنوان نماینده یک جنبش ملی، اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. بنابراین، تقلیل موضوع صرفاً به «انحلال‌طلبی»، «تسلیم شدن» یا حتی «خیانت» گمراه‌کننده خواهد بود.

نباید فراموش کرد که ملت کرد حتی قبل از پکک نیز دست به اعتراض و اعتصاب و مبارزه مسلحانه زده بود اما با پکک، مبارزه خود را از طریق یک جنگ چریکی طولانی‌مدت و سیستماتیک با بزرگترین ارتش عضو پیمان نظامی ناتو، ادامه داد. در این مرحله نمی‌توان حق و حقوق و مبارزه با ستم ملی را که حدود یک قرن انکارها و سرکوب‌ها و کشتارها را تحمل کرده، با ساده‌سازی به عنوان «تسلیم شدن» خلاصه کرد. علاوه بر این، مسئله ملی کرد تنها به کردستان ترکیه محدود نمی‌شود؛ بلکه به اشکال مختلف در مناطق مختلف کردستان وجود دارد.

برای مثال، برخی سازمان‌های چپ ایرانی، همواره با الفاظ توهین‌آمیزی به اوجالان و پکک حمله می‌کنند که «خلع سلاح» و «تسلیم» شده است. در حالی که خود این نیروهای پرمدعا در چهل سال گذشته، حتی یک گلوله هم علیه جمهوری جهل و جنایت و ترور اسلامی شلیک نکرده‌اند! اما در این چهار دهه، بخش نظامی پکک، بی‌وقفه با ارتش ترکیه جنگیده است و بخش سیاسی آن نیز در داخل ترکیه و در منطقه بسیار تاثیرگذار و مداخله‌گر بوده است. به همین دلایل، اوجالان و پکک مستقیماً خودشان با تاکتیک‌ها و استراتژی سیاسی خود، مبارزه مسلحانه را کنار

گذاشته و به سیاست جدیدی روی آورده‌اند و تا این‌جا نیز در همین راه دستاوردهای غیرقابل برگشتی کسب کرده‌اند.

به این ترتیب در این مرحله، حل مسئله ملی کرد بارها و بارها از «پارادایم» اوجالان پیشی گرفته است. واکنش‌ها به اظهارات وی، ملت کرد و واقعیت کردستان را بیش از پیش در دستور کار جهانی قرار داده است. مسئول اصلی این وضعیت کسی نیست جز خود اوجالان که 26 سال است در انزوای شدید در جزیره‌ای به سر می‌برد. خود اوجالان، بارها به این مسئولیت اذعان کرده است. مبارزه بی‌وقفه ملت کرد و بالاتر از همه مقاومت مسلحانه آن، با وجود تمام ضعف‌ها و کاستی‌ها، عامل تعیین‌کننده بوده است. و همین مبارزه بود که دولت ترکیه را وادار کرد دست از انکار و سرکوب مردم کرد بردارد. این امر بدون شک، توسط رهبری عملی پ.ک.ک و ارتقای اوجالان توسط خلق کرد به جایگاه نمادین «رهبری ملی» شکل گرفته است، حتی اگر این امر، عملاً مستقیم صورت نگرفته نباشد.

به همین دلیل، ارزیابی موضوع صرفاً از طریق این امکان، اساساً موضوع خط مشی نظری و سیاسی است. مسئله ملی کرد یکی از اصلی‌ترین تضادها در منطقه ماست. حل و فصل آن چه برای همیشه و چه با کاهش شدت و فوریت آن، لزوماً به این معنا نیست که سایر تضادها در منطقه ما یا در واقع تضاد اصلی نیز حل می‌شود.

آن افراد و نیروهایی که تمام تحلیل و نقد خود را صرفاً بر مبنای «تسلیم» و «انحلال» قرار می‌دهند، تزلزل‌ثوری و سیاسی و ماهیت واقعی خود را آشکار می‌کنند. مهم‌تر از آن، آن‌ها تمایل خود را برای مرتبط کردن کل فرآیند انقلابی منحصرراً به مبارزه ملت تحت ستم، بدون توجه به مبارزه طبقاتی گسترده‌تر جنبش‌های سیاسی-اجتماعی، آشکار می‌کنند.

جنبش ملی کرد، به مانند هر جنبش ملی دیگر، قطعاً می‌تواند با دشمنی که با آن مبارزه می‌کند، به توافق و سازش برسد. این امکان از لحظه سرآغاز جنبش ملی وجود داشته و در مراحل خاصی از جنگ، برای آن جنبش قابل درک است که این امکان را به‌عنوان یک ملاحظات تاکتیکی به رسمیت شناخته و برجسته کند. با این حال، تمرکز مداوم بر روی این امکان به‌عنوان موضوع اصلی، نشان‌دهنده یک رویکرد مشکل‌ساز است. آنچه باید سازش‌ناپذیر باقی بماند، امکان‌ها نیستند، بلکه اصول هستند. تزلزل‌ناپذیری در اصول و در عین حال حفظ انعطاف‌پذیری در تدوین سیاست‌ها بر اساس شرایط مشخص امری ضروری است.

به‌خصوص عبدالله اوجالان و پ‌ک‌ک، حل مسئله ملی را در جدایی و تشکیل دولت ملی نمی‌بینند گام‌های بلندی در راستای تقویت مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم است. چنین سیاستی، همبستگی مردمی و طبقاتی را تقویت می‌کند. ما چنین سیاستی را به‌طور مستقل در 13 سال گذشته در مبارزه و جنبش انقلابی مردم کرد روژ‌او(ا) کردستان سوریه) تجربه کرده‌ایم.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم اظهارات اوجالان، تاکید او بر «خواهری-برادری» و «سرنوشت مشترک ترک‌ها و کردها» است. خواهری-برادری که تاریخی آسیب دیده است اکنون با تلاش‌های اوجالان در حال ترمیم‌شدن است و تحمیل خواهری-برادری ملی کامل به حاکمیت است. بنابراین، مسئله واقعی، پایان دادن به بی‌عدالتی‌های تاریخی تحمیل‌شده بر ملت کرد است.

همان‌طور که خود مسئله نشان می‌دهد، این مشکلی نیست که صرفاً بر اساس طبقه حل شود؛ اگرچه راه‌حل نهایی آن به مبارزه طبقاتی گره خورده است، اما در این میان نباید «راه حل‌های» میانی گوناگون در طول این راه را از نظر دور نگه داشت. در واقع حل مسئله ملی و استقرار حقوق فرهنگی جمعی، موقعیت سیاسی و

ساختارهای سازمانی به‌ویژه در زمینه مبارزه طبقاتی را تقویت می‌کند. از این نظر، این امر نشان‌دهنده تغییر وضعیت موجود سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در ترکیه است. علاوه بر این، این مطالبات، خواسته‌های دموکراتیک ملت تحت ستم در برابر بورژوازی طبقه حاکمه ملت ستمگر است و نه به‌معنای از بین رفتن تضاد بین ملت‌های ستمگر و ستمدیده. در ترکیه، مسئله ملی کرد حل‌نشده باقی مانده است و اکنون حل این مسئله با تمام شدت خود ادامه دارد.

به همین دلیل، اوچالان در «فراخوان صلح و جامعه دموکراتیک» بیان می‌کند که «پیامد اجتناب‌ناپذیر یک انحراف بیش از حد ملی‌گرایانه، مانند ایجاد یک دولت-ملت مجزا، فدراسیون، خودمختاری اداری و راحل‌های فرهنگی، نمی‌تواند پاسخی به جامعه‌شناسی تاریخی جامعه بدهد.»

بنابراین، «مبارزه سیاسی دموکراتیک» به‌جای «مبارزه مسلحانه» یک انتخاب سیاسی است. با این حال، وجود شرایط برای چنین انتخابی تعیین‌کننده است. در شرایط کنونی ترکیه، ضرورت دارد که موانع شناخته‌شده سد راه «مبارزه سیاسی دموکراتیک» هستند به تاریخ سپرده شوند. در ترکیه، شرایط «سیاست دموکراتیک» موجود است اما در کشوری مانند ایران، حتی ذره‌ای هم از مبارزه دیده نمی‌شود و هر چه هست سرکوب و اعدام و تروریسم دولتی است. در ایران امروز، حتی روی کاغذ هم مبارزه سیاسی در ایران، هیچ پایه و اساس واقعی ندارد. جمهوری اسلامی ایران، ماهیتاً یک حکومت فاشیستی مذهبی است. به این دلیل، مبارزه مسلحانه در ایران، یک ضرورت تاریخی است. اما شرایط سیاسی و اجتماعی ترکیه متفاوت است. به این معنی که تا حدودی رسانه‌ها و احزاب آزادترند در حالی که در ایران، بحث از فعالیت علنی احزاب و آزادی بیان و سایر آزادی‌ها جایی از ارباب ندارد. هر چند که شرایط ترکیه نیز چندان گل و بلبل نیست.

به علاوه نه اوجالان و نه پکک، هرگز انتظار ساختن «جامعه دموکراتیک» را از دولت ترکیه طلب نکرده‌اند بلکه برعکس، آن‌ها تاکید دارند ما خودمان جامعه دموکراتیک را می‌سازیم و در این راه، دولت موظف است قوانین ضددموکراتیک را لغو کند.



جمعیت ترکیه در سال 2025

ترکیه، با موقعیت جغرافیایی خاص و تاریخ پیچیده، یکی از کشورهای مهم در منطقه خاورمیانه و اروپا است. درک تحولات جمعیتی این کشور می‌تواند به ما کمک کند تا تأثیرات آن بر اقتصاد، سیاست و جامعه را بهتر بشناسیم.

ترکیه با جمعیتی حدود ۹۳ میلیون نفر (براساس آخرین آمار 2025) یکی از کشورهای پرجمعیت جهان به شمار می‌آید. این کشور با رشد جمعیتی مستمر روبه‌رو بوده و همچنان یک کشور جوان با درصد بالایی از جمعیت زیر ۳۰ سال است.

ترکیه در سال‌های اخیر شاهد رشد متوسط ۱ درصدی در جمعیت خود بوده است. درصد بالای جمعیت جوان و زیر ۳۰ سال، فرصت‌های زیادی را برای توسعه اقتصادی ایجاد کرده است.

جمعیت ترکیه به‌طور غیرمتوازن در مناطق مختلف کشور پخش شده است. بزرگ‌ترین شهرهای این کشور، به‌ویژه استانبول، آنکارا، ازمیر و بورسا، به‌طور خاصی با تراکم بالای جمعیت روبه‌رو هستند. از طرفی، برخی مناطق شرق و جنوب‌شرقی ترکیه جمعیتی کمتر دارند.

نرخ رشد جمعیت در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است.

مهاجرت داخلی و خارجی تأثیرات زیادی بر این روند داشته است.

ترکیه در دهه‌های گذشته، تغییرات عمده‌ای را در ساختار جمعیتی خود تجربه کرده است. این تغییرات نه تنها به دلیل رشد طبیعی جمعیت، بلکه به دلیل مهاجرت و [تحصیل در دانشگاه‌های ترکیه](#) گسترده داخلی و خارجی به‌ویژه از مناطق روستایی به شهرها بوده است.

مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی به‌ویژه از کشورهای همسایه، مانند سوریه، تأثیر زیادی بر جمعیت ترکیه گذاشته است.

نرخ باروری در ترکیه در حال کاهش است و این مسئله ممکن است در آینده چالش‌هایی برای جمعیت‌سازی و نیروی کار ایجاد کند.

جمعیت جوان و فعال ترکیه فرصت‌های بسیاری برای رشد اقتصادی فراهم کرده است. از سوی دیگر، تغییرات جمعیتی و چالش‌های مرتبط با پیر شدن جمعیت می‌تواند فشارهایی را بر سیستم‌های اجتماعی و بهداشتی وارد کند.

جمعیت جوان، به‌ویژه در زمینه نیروی کار، پتانسیل رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. اما تغییرات جمعیتی، نیاز به سیاست‌گذاری‌های جدید در زمینه رفاه اجتماعی و خدمات بهداشتی و آزادی‌های فردی و جمعی ایجاد کند. جمعیت ترکیه، با توجه به ترکیب جوان و پویا، پتانسیل‌های زیادی برای رشد و پیشرفت این کشور فراهم می‌کند. با این حال، توجه به چالش‌های جمعیتی مانند نرخ باروری پایین و مهاجرت‌های بین‌المللی ضروری است تا از این پتانسیل‌ها به‌طور بهینه استفاده شود.



پیمان صلح لوزان و حذف کردها

از انعقاد پیمان صلح لوزان، ۱۰۲ سال می‌گذرد. این پیمان، نه تنها مرزهای جمهوری ترکیه را ترسیم کرد، بلکه جغرافیای کردی و میراث امپراتوری عثمانی را نیز به سه بخش مجزا تقسیم کرد. کردها که در مرزهای ترکیه، عراق و سوریه قرار گرفتند، در صحنه تاریخ به‌عنوان «مردمان تقسیم‌شده» جای گرفتند؛ هویت و

حقوق آن‌ها نیز تا حد زیادی تحت‌الشعاع معاهدات بین‌المللی و سیاست‌های جدید دولت‌ها قرار گرفت.

توروس کورکماز، از آکادمیسین‌های دانشگاه زوریخ، در ارزیابی‌های خود به‌مناسبت سالگرد پیمان لوزان به خبرگزاری فرات (ANF) گفت که لوزان تنها به ترسیم نقشه‌های دولت‌ها بسنده نکرد، بلکه آغاز طرد کردها و دیگر خلق‌ها به‌عنوان «دیگران نادیده گرفته‌شده» از تاریخ نیز بود.

کورکماز با اشاره به اینکه یکی از داغ‌ترین موضوعات سیاست ترکیه از اکتبر ۲۰۲۴، روند جست‌وجوی مجدد برای حل مسالمت‌آمیز مسئله کورد است، گفت: «هرچند هنوز گام ملموسی از سوی دولت برداشته نشده است، اما اصلاحات شامل خواسته‌های کردها به‌طور فعال در افکار عمومی دموکراتیک مورد بحث قرار می‌گیرد. به رسمیت شناخته شدن هویت کوردی در سطح قانون اساسی و تضمین حقوق زبانی و فرهنگی و خودمدیرویتی برای مدیریت‌های محلی، از ملموس‌ترین خواسته‌های مطرح در دستور کار برای راحل هستند.

مسئله کورد در ترکیه نه با تاسیس حزب کارگران کردستان (پکک) در سال ۱۹۷۸ و آغاز مبارزه مسلحانه و نه با فعالیت احزاب نماینده جنبش دموکراتیک کورد در عرصه قانونی پدید آمده است. حتی ریشه این مسئله به دهه ۱۹۶۰ و تاسیس کانون‌های انقلابی شرق توسط جوانان کورد چپ‌گرا نیز باز نمی‌گردد.

تمام این جنبش‌ها و سازمان‌ها، در واقع تلاش‌هایی هستند که مسئله‌ای را که از مدت‌ها پیش در سطح جامعه وجود داشته، در سطح سیاسی آشکار کرده‌اند. اساسی‌ترین دلیل بروز مسئله کورد، در تنظیمات بنیان‌گذار جمهوری نهفته است. این تنظیمات بنیان‌گذار، مکانیزمی را نیز با خود آورد که هویت کوردی را به رسمیت نمی‌شناخت و سعی در تُرک‌سازی اجباری آن داشت.

چارچوب این مکانیزم نیز تا حد زیادی با پیمان صلح لوزان که در ۲۴ جولای ۱۹۲۳ در شهر لوزان سوئیس امضاء شد، ترسیم گردید.»

نام کردها هم از نقشه و هم از تاریخ پاک شد

کورکماز با بیان این که پیمان لوزان نه تنها مرزها، بلکه خلق‌ها را نیز تقسیم کرد، اظهار داشت که این پیمان که در ۲۴ جولای ۱۹۲۳ امضاء شد، حقوق اساسی کردها و سایر خلق‌ها را که در پیمان سَور قید شده بود، به‌طور کامل از بین برد. او گفت که در سَور وعده‌هایی برای خودمختاری کردها، استقلال ارمنی‌ها و به رسمیت شناخته‌شدن آشوری‌ها داده شده بود، اما در لوزان، این‌ها مطرح نشد و این تنها یک انتخاب دیپلماتیک نبود، بلکه انحلال آگاهانه ساختار چند هویتی بود.

کورکماز با یادآوری این که با لوزان، دولت جدید ترکیه از ساختار چندملیتی عثمانی فاصله گرفت و بر هویت ترکی بنا شد، تاکید کرد که این روند کردها را به‌طور کامل از سیستم به بیرون راند: «وجود حقوقی، سیاسی و فرهنگی کردها در آن میز نادیده گرفته شد. نقشه ترسیم شد، اما نام کردها در هیچ جای آن نقشه نوشته نشد.»

کورکماز همچنین به سخنان عصمت پاشا در مذاکرات لوزان مبنی بر «ما همراه با کردها جنگیدیم» اشاره کرد و گفت که این گفته در عمل هیچ بازتابی نداشت: «اگر واقعا با هم جنگیدند، چرا با هم حکومت نکردند؟ این سخن تنها یک لفاظی بود. هیچ‌کس در میز مذاکره حقوق کردها را نمایندگی نمی‌کرد.»

«کردها در لوزان نادیده گرفته شدند، دولتی بر پایه این انکار بنا شد»

کورکماز با تاکید بر این که پیمان لوزان تنها یک متن دیپلماتیک نبود، بلکه یک نقطه عطف تاریخی بود که خلق کرد رسماً از آن مستثنی شد، اظهار داشت: «نام برده نشدن کردها حتی در لوزان، نه تنها با فرآیند ساخت هویت ملی ترکیه، بلکه با توازن‌های سیاسی بین‌المللی آن دوره نیز ارتباط نزدیکی داشت. بریتانیا، که در

اوایل قرن بیستم بازیگر تعیین‌کننده‌ای در خاورمیانه بود، ترجیح داد به‌جای کردها، از دولت کمالیست در آنکارا حمایت کند. پشت این تصمیم هم منافع استراتژیک و هم بی‌اعتمادی به کردها نهفته بود.

بین سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱، کردها بارها در منطقه شمال عراق که به‌عنوان باشور کردستان شناخته می‌شود، علیه دولت بریتانیا قیام کرده بودند. این قیام‌ها باعث شد بریتانیایی‌ها کردها را جامعه‌ای «ناپایدار و غیرقابل اعتماد» ارزیابی کنند. علاوه بر این، تنوع سیاسی در ساختار داخلی کردها و فقدان یک سازوکار نمایندگی مشترک نیز این بی‌اعتمادی را تشدید کرد.

از سوی دیگر، مشارکت بخشی از کردها در جنایات نسل‌کشی ارمنه در سال ۱۹۱۵ تحت تاثیر مدیریت رادیکال ملی‌گرای ترک عثمانی، اتحاد و ترقی، دیدگاه افکار عمومی و سیاست بریتانیا را نسبت به کوردها بدتر کرد. با در نظر گرفتن پیوند خواهری-برادری دینی با ترک‌ها، نزدیکی کردها به ترک‌ها به جای ارمنه، همکاری با دولت آنکارا را برای بریتانیا مناسب‌تر ساخت.

همچنین، احتمال بازگشت بازماندگان نسل‌کشی ارمنه به محل زندگی سابق‌شان، نگرانی جدی در برخی مناطق کردها ایجاد کرده بود. این نگرانی بویژه در میان قبایل کردی که املاک ارمنی‌ها را تصرف کرده بودند یا در این فرآیند نقش فعالی داشتند، برجسته‌تر بود. بنابراین، از دید این گروه‌ها، همکاری با دولت آنکارا از نظر سیاسی و امنیت اجتماعی گزینه «ایمن‌تری» تلقی می‌شد.

ساختار پیمان لوزان که خلق کرد را نادیده می‌گرفت، نه تنها نتیجه سیاست داخلی آن دوره، بلکه نتیجه توازن منافع بین‌المللی نیز بود. بدون جایگاه ماندن کردها در این فرآیند، آن‌ها را در دهه‌های بعد هدف سیاست‌های انکار، سرکوب و آسیمیلیسیون

قرار داد. این وضعیت، بازتابی از هدف ترکیه برای ساختن یک «ملت ترک» همگن است، نه یک جامعه چند فرهنگی و چند هویتی.

چرا کردها در میز مذاکره نبودند؟

کورکماز با بیان این که «لوزان تنها جایگاه کردها را از بین نبرد، بلکه راه را برای سیاست های سرکوبگرانه در دوران جمهوری نیز باز کرد»، اظهار داشت که انکار هویت کردی، ایدئولوژی رسمی جدیدی را با خود به همراه آورد و در ادامه گفت: «در طول دوران جمهوری، قیام هایی که در مناطق کردها صورت گرفت و نحوه سرکوب این قیام ها تا به امروز، نه تنها کردها، بلکه ترک ها را نیز به طور «منفی» تحت تاثیر قرار داده است. ناسیونالیسم نژادپرست و شونیست که باید جنایت علیه بشریت نامیده شود، با تاثیر ابزار تبلیغاتی، به یک ایدئولوژی محترم و مورد قبول عمومی در جامعه تبدیل شده است.

این که در پیمان لوزان هیچ صحبتی از نابودی خلق های مسیحی که تا آن سال ها نزدیک به سی درصد از جغرافیای آناتولی را تشکیل می دادند، نشده و هیچ تحریمی علیه کسانی که در این جنایت دست داشتند، قید نشده، یک نقص بسیار مهم است. این وضعیت، زمینه را برای ظهور ایدئولوژی رسمی «ترکی-اسلامی» و درک تاریخ در ترکیه فراهم کرده است.

در سال ۱۹۲۳، با این که کردها در مجلس ملی کبیر آن دوره در سطح نمایندگان حضور داشتند، اما هیچ نیازی ندیدند که نماینده ای را در هیات امضاکننده پیمان صلح به لوزان بفرستند. عدم امکان نمایندگی منافع کردها، که پس از ترک ها بزرگترین خلق در جغرافیای ترکیه هستند، در مذاکرات لوزان، بی تردید دست هیات تُرک را باز گذاشت؛ بدین ترتیب، تنها خلق های غیرمسلمان ارمنی، یونانی و

یهودی در چارچوب «حقوق ملت‌های کم‌شمار» و امتیازات مختلف ناشی از آن قرار گرفتند.

البته، اعتقاد به این‌که قول‌های خودمختاری داده شده توسط دولت وقت به کردها عملی خواهد شد، باعث شد که این ایده -هرچند برای مدت کوتاهی- در آن‌ها موثر باشد که کردها در دولت تازه تاسیس شده از حقوق برابری با ترک‌ها برخوردار خواهند بود. با این حال، در آن دوره، عدم درخواست نمایندگان کورد از دولت کمالیست وقت برای هرگونه سند مکتوب دارای ضمانت اجرایی قانونی در مورد خودمختاری، می‌تواند به عنوان کمبود آگاهی سیاسی آن‌ها نیز تعبیر شود.

«موصل و کرکوک به‌صورت آگاهانه مطرح نشدند»

یکی از رویدادهایی که در ارتباط با پیمان لوزان کمتر در افکار عمومی شناخته شده است، این ایده است که هیأت ترکیه در آن زمان برای تصرف استان‌های موصل و کرکوک با تمام توان تلاش کرد، اما به دلیل نفوذ بریتانیا، این مناطق نتوانستند به خاک کشور ضمیمه شوند.

در حالی که در طول مذاکرات پیمان لوزان، هیأت ترکیه عمداً مسئله تعیین مرز عراق که مربوط به استان‌های موصل و کرکوک بود را مطرح نکرد. دلیل اصلی این امر، ساختار مقاومتی کردها در این منطقه بود که به‌عنوان باشور کردستان توصیف می‌شود. گنجاندن موصل و کرکوک در خاک کشور، نسبت جمعیت کردها را افزایش می‌داد و گمان می‌رفت که کردها در این منطقه، کردهای ساکن در خاک فعلی ترکیه را در ایجاد آگاهی ملی تحت تأثیر قرار خواهند داد.

با بررسی صورت‌جلسات مجلس ملی کبیر ترکیه در آن زمان، مشاهده می‌شود که نمایندگان کورد به شدت با واگذاری موصل و کرکوک به عراق تحت قیمومیت

بریتانیا مخالفت کرده‌اند. در اینجا، نمایندگان آن زمان، به دلیل ترس از یک خودمختاری احتمالی کردی در آینده، هرگز بر سر موصل و کرکوک اصرار نورزیدند.»

دو نگاه متفاوت به لوزان: پیروزی یا نقص؟

کورکماز با اشاره به این‌که پیمان لوزان در ترکیه در بستر سیاسی و اجتماعی با دو دیدگاه اصلی ارزیابی می‌شود، این یافته‌ها را ارائه داد: «در ترکیه، پیمان لوزان توسط محافل سیاسی مختلف معمولاً با دو تفسیر اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد: دیدگاه اول، که در محافل کمالیست راست میانه و چپ میانه، متعهد به روایت رسمی تاریخ، غالب است. طبق این دیدگاه، لوزان، با در نظر گرفتن دشواری‌های بین‌المللی آن دوره، یک موفقیت دیپلماتیک مهم است که استقلال ترکیه را حفظ کرده و آن را در عرصه بین‌المللی مشروعیت بخشیده است. اگرچه موصل، کرکوک و برخی مناطق دیگر نتوانستند به مرزهای ترکیه ضمیمه شوند، اما این وضعیت با توازن قدرت جهانی و شرایط استراتژیک آن دوره توضیح داده می‌شود. عصمت پاشا نیز به دلیل نمایندگی و مقاومت خود در این فرآیند مورد احترام است.

از سوی دیگر، در محافل ملی‌گرا و اسلام‌گرا، به ویژه در بلوک حزب عدالت و توسعه (آکپ) و حزب حرکت ملی‌گرا (مه‌پ)، پیمان لوزان ناکافی و ناموفق تلقی می‌شود. این گروه‌ها از بازگشت به مرزهای میثاق ملی دفاع می‌کنند و عصمت پاشا، امضاءکننده پیمان را مورد انتقاد قرار می‌دهند. رئیس‌جمهور اردوغان نیز اظهاراتی در حمایت از این دیدگاه دارد. همچنین، به مناسبت صدمین سالگرد لوزان، با صدای بلند اعلام شده است که اعتبار خود را از دست داده و مرزها باید بازنگری شوند. اما نقطه اشتراک این دو تفسیر، بیش از آن‌که در اهداف مشترک

باشد، در اهداف دموکراسی کثرت‌گرا مبتنی بر حقوق بشر و سیاست خارجی صلح‌آمیز پدیدار می‌شود.

لوزان یا به عنوان یک متن پیروزی که مانع اهداف امپریالیستی شد، یا به عنوان ابزاری برای آسیمیلاسیون که تنوع انتیکی را رد می‌کند، تفسیر می‌شود. از این رو، واضح است که لوزان منبع بسیاری از مشکلات و درام‌های تاریخی و کنونی است.»

هویت‌های کنار گذاشته شده در لوزان

توروس کورکماز با بیان این‌که یکی از بزرگ‌ترین کاستی‌های پیمان لوزان، محدود کردن ساختار چند هویتی جامعه ترکیه به غیرمسلمانان به عنوان ملت‌های کم‌شمار بود، این ارزیابی را ارائه داد: «محدود کردن حقوق ملت‌های کم‌شمار تنها به غیرمسلمانان، باعث شد که تفاوت‌ها در ترکیه تنها بر اساس دین درک شوند و هیچ یک از تفاوت‌های انتیکی، باورداشتی یا زبانی از ضمانت قانونی یا حقوقی برخوردار نشوند.

این رویکرد، نه تنها جوامع غیرمسلمانی مانند آشوری‌ها را که حتی نامی از آن‌ها برده نشد، بلکه خلق‌های مانند علوی‌ها و کردها را نیز که با وجود هویت مسلمان، از باورداشت و هویت اکثریت متفاوت بودند، نادیده گرفت.

بدین ترتیب، روند ساخت جمهوری، با نادیده گرفتن واقعیت یک جامعه چند فرهنگی و چند هویتی، تلاش کرد تا یک دولت-ملت همگن ایجاد کند که این امر، زمینه را برای درگیری‌های مبتنی بر هویت در سال‌های آینده فراهم آورد.»

رویارویی با تاریخ برای آینده‌ای دموکراتیک

کورکماز با بیان این‌که «نتیجه‌گیری این است که تفسیر مترقی و دموکراتیک از پیمان صلح لوزان، نه تنها دفاع از مرزهای موجود است، بلکه نشان دادن یک

موضع روشن در برابر گرایش‌های شوونیستی و توسعه‌طلبانه فراتر از این مرزهاست»، ارزیابی خود را این‌گونه ادامه داد:

«چنین رویکردی، مسئولیت توسعه راحل‌های مبتنی بر حقوق برای تمام مسائل هویتی و فرهنگی -در راس آن مسئله کرد- که در این پیمان نادیده گرفته شده‌اند، به همراه دارد. در لوزان، کردها نه به‌عنوان یک جامعه اتنیک و نه فرهنگی به رسمیت شناخته نشدند؛ به همین دلیل، از هیچ حق، وضعیت یا تضمین حمایت بین‌المللی برخوردار نشدند.

کنار گذاشته شدن آن‌ها از وضعیت ملت کم‌شمار به بهانه هویت مسلمان‌شان، زمینه را برای انکار سیستماتیک وجود تاریخی، فرهنگی و سیاسی کردها فراهم آورد. به همین دلیل، ارزیابی کردها از پیمان لوزان به عنوان یک بی‌عدالتی تاریخی نه تنها قابل درک است، بلکه حق و مشروع نیز می‌باشد.

علاوه بر این، ساختن یک فضای فکری و اجتماعی که در آن رویدادهای آسیب‌زای تاریخی مانند نسل‌کشی ارمنه، کشتارهای آشوری‌ها، تبعید یونانیان و به‌ویژه تبادل جمعیت در سال ۱۹۲۳، که در دستور کار مستقیم پیمان لوزان قرار نگرفته بودند، آزادانه مورد بحث قرار گیرند، بخش اصلی این رویکرد دموکراتیک است.

تنها در صورتی که چنین رویارویی و رهنمود راحل مبتنی بر حقیقت پذیرفته شود، جمهوری ترکیه که توسط لوزان بنا نهاده شد، می‌تواند به یک ساختار کثرت‌گرا و دموکراتیک تبدیل شود که بر پایه شهروندی قانون اساسی، برابری تمام اقشار جامعه را تضمین کند.

در این راستا، مشروع دانستن خواسته‌های هویتی تمام جوامع اتنیک و باورداشتی که تُرک و مسلمان سنی نیستند، اتخاذ موضعی روشن در برابر تبعیض‌هایی که

متحمل می‌شوند و پذیرش یک رهنمود سیاسی فراگیر با هدف توسعه حقوق و آزادی‌های آن‌ها، پیش‌شرط اساسی یک جامعه دموکراتیک است. تنها از طریق چنین رویکردی، نه تنها در سطح گفت‌وگو، بلکه در حافظه اجتماعی، در سطح قانونی و در زندگی روزمره، می‌توان یک رابطه خواهرانه-برادرانه واقعی بین اکثریت که خود را تُرک و مسلمان سنی تعریف می‌کند و کردها، علوی‌ها، ارمنی‌ها، یونانی‌ها، آشوری‌ها، یهودیان و تمام جوامع اقلیت و باورداشتی دیگر برقرار کرد.»



بروکسل - پارلمان اروپا

کمپین‌های آزادی عبدالله اوجالان

در سال‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برابر آزادی عبدالله اوجالان صورت گرفته است. از جمله کنفرانسی که فوریه سال گذشته، در اتحادیه اروپا برگزار گردید.

کنفرانس بین‌المللی با عنوان «زندانیان سیاسی در ترکیه در ماه فوریه 2024: مسیر آزادی و صلح به کجا منتهی می‌شود» توسط کمیسیون شهروندی ترکیه در اروپا (EUTCC) در پارلمان اروپا برگزار شده بود. این کنفرانس، در ۳ بخش با عناوین «واقعیت زندان‌های ترکیه»، «همبستگی زنده - نیاز به راحل سیاسی برای مسئله کرد» و «درها را باز کنید: راهی که به آزادی و صلح منتهی می‌شود» برگزار شد. نمایندگان مجلس از جمله مبتکران کارزار «آزادی اوجالان، راحل سیاسی مسئله کرد» که از ۱۰ اکتبر آغاز شد، سیاستمداران کشورهای مختلف، آکادمیسین‌ها، اتحادیه‌های کارگری، وکلا، مدافعان حقوق بشر و نمایندگان سازمان‌های غیردولتی حضور داشتند.

در دومین نشست این همایش، پنلی با عنوان «واقعیت زندان‌های ترکیه» برگزار شد. در پنلی که توسط درسیم داغ‌دویرن عضو شبکه آکادمیسین‌ها و متخصصان کرد (Kurd-AKAD) در آلمان اداره می‌شد، رزان ساریجا، یکی از وکلای عبدالله اوجالان، با عنوان «سیستم زندان ۲۵ ساله امرالی به‌عنوان نمونه اولیه سیستم زندان وضعیت اضطراری» ارائه کرد.

رزان ساریجا: اجماع و وفاق بین‌المللی در امرالی کار می‌کند

ساریجا که سخنان خود را با بیان این‌که زندان جزیره امرالی ویژگی‌هایش را اساساً از توطئه بین‌المللی ۱۵ فوریه دریافت کرده است آغاز کرد، شرایط و چگونگی شکل‌گیری توطئه بین‌المللی را توضیح داد. وکیل ساریجا با بیان این‌که پس از زندانی‌شدن رهبر خلق کرد عبدالله اوجالان هیچ قانونی اعمال نشد، گفت: «قوانین بین‌المللی و قانون پناهندگی اعمال نشد. او را به کشوری سپردند که در آن با اعدام محاکمه می‌شد و ممکن بود شکنجه شود. در حالی که او سیاست صلح و بقا را دنبال می‌کرد، نگرشی عاری از ارزش‌ها و اصول دموکراتیک نسبت به او نشان داده شد.

حکومت زندان جزیره امرالی در نتیجه چنین اجماع و وفاق بین‌المللی ایجاد شد. این اجماع بین‌المللی در امرالی ۲۵ سال است که ادامه داده می‌شود.»

"در امرالی هیچ قانونی اجرا نمی‌شود"

وکیل ساریجا در توضیح تمام موارد غیرقانونی که عبدالله اوجالان طی ۲۵ سال با آن روبه‌رو بوده است، گفت: «پس از کودتای نظامی در ۱۵ جولای ۲۰۱۶، اگر ذره‌ای از قانون در امرالی می‌بود نیز از میان برداشته شد. وضعیت فوق‌العاده در کشور اعلام شد و اولین آیین‌نامه آن در امرالی صادر شد. با یک تصمیم تمام مجراهای ارتباطی از جمله خانواده، وصی، ملاقات با وکیل و تمام وسایل ارتباطی از قبیل تلفن، فاکس، نامه و... و خلاصه تمام ارتباط با دنیا را برای مدت نامحدود ممنوع کردند. همه قوانین لغو شده است.»

ساریجا با اشاره به نگرش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مسئول به ویژه سی‌پی‌تی نسبت به امرالی گفت: «سی‌پی‌تی مانند سایر نهادها ۲۵ سال است که به وظایف پیش‌گیرانه خود به جز کشف نسبی عمل نکرده است. همیشه بدتر می‌شد تا بهتر. در حالی که می‌توانست مشاهدات خود را در مورد آخرین دیدارش علنی کند، اما شرایط در امرالی را عادی می‌داند.» ...

جوناسون: درهای امرالی را باز کنید

اوگموندور جوناسون وزیر سابق دادگستری و امور داخلی ایسلند پس از ساریجا سخنرانی با عنوان «امرالی و بعد حقوقی و سیاسی بین‌المللی» ارائه کرد. جوناسون سخنان خود را با بیان این‌که باید دروازه‌های امرالی باز شود و رهبر خلق کرد عبدالله اوجالان فوراً آزاد شود، آغاز کرد.

جوناسون با گفتن این که این غیر قابل قبول است که در ۳ سال گذشته هیچ اطلاعی از وضعیت رهبر خلق کرد عبدالله اوجالان دریافت نشده است، گفت که قوانین بین‌المللی به‌طور کلی در امرالی نادیده گرفته شده است.

جوناسون اظهار نمود که مسئله کرد باید از طریق مذاکره و دیپلماسی حل شود نه جنگ، گفت: «بازیگر اصلی حل مسئله کرد عبدالله اوجالان است. این مسئله را نمی‌توان با انزوا حل کرد. رامحل، مذاکره است.»

دوران جدیدی در کمپین آزادی در حال آغاز است

پس از سخنرانی اوگموندور یوناسون، جلسه‌ای با عنوان «درها را باز کنید: راهی که به آزادی و صلح منتهی می‌شود» برگزار شد. در این جلسه، شرکت‌کنندگان کنفرانس به نوبت به سخنرانی پرداختند و در مورد چارچوب چگونگی اجرای کمپین «آزادی برای عبدالله اوجالان، رامحل سیاسی برای مسئله کورد» که از ۱۰ اکتبر آغاز شده بود، بحث کردند.

اعلامیه نتیجه کنفرانس: تا به آزادی

در ادامه گفت‌وگوها، بیانیه نهایی کنفرانس اعلام شد. بیانیه نهایی به شرح زیر است: «در کنفرانس بین‌المللی «زندانیان سیاسی در ترکیه: مسیر آزادی و صلح به کجا منتهی می‌شود» موضوع زندانیان سیاسی کرد مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به‌ویژه بر عدم دریافت اطلاع از وضعیت عبدالله اوجالان در ۳ سال گذشته تاکید شد. رامحل‌های سیاسی بالقوه برای موضوعی که معمولاً «مسئله کرد» نامیده می‌شود نیز در این کنفرانس مورد بحث قرار گرفت.

آکادمیسین‌های برجسته، اعضای اتحادیه، احزاب سیاسی، مدافعان حقوق بشر، حقوق‌دانان و نمایندگان مجلس در این کنفرانس حضور داشتند. به صراحت گفته شده

است که سلول انفرادی غیرقانونی و بی‌رحمانه که زندانیان سیاسی کورد از جمله آقای اوجالان در آن قرار دارند، شکنجه است و قابل تحمل نیست.

در نتیجه، تمامی این شخصیت‌ها و نمایندگان محترم نهادها حمایت آشکار خود را از کمپین «آزادی برای اوجالان، راحل سیاسی برای مسئله کرد» که در ۱۰ اکتبر آغاز شده بود، اعلام کردند.

مهم‌تر از همه، شرکت کنندگان بیش از هر زمان دیگری نگران سلامت، رفاه و ایمنی اوجالان هستند. سلول انفرادی مستمر و بدون وقفه که آقای اوجالان به مدت ۳ سال تحت آن قرار دارد، سلامت جسمی و روحی او را به خطر می‌اندازد. بنابراین، جز این ادعا که اخیراً اوجالان با «روش‌های انضباطی» که مانع از ملاقات با وکلای و خانواده‌اش می‌شود و تهدید به مرگ شده است، هیچ اطلاعی از وضعیت فعلی اوجالان نداریم.

همچنین مراحل بعدی را مورد بحث قرار دادیم و به تصمیمات زیر رسیدیم:
*انزوای آقای اوجالان باید فوراً برداشته شود و شورای اروپا باید فوراً مداخله کند تا اوجالان بتواند با خانواده و وکلای خود ملاقات کند.

*با توجه به عدم اطلاع از وضعیت آقای اوجالان و رفقاییش به مدت ۳ سال و جدی بودن آخرین تهدیدات احتمالی بر جان او، از دبیرخانه شورای اروپا و مجمع پارلمانی، گزارشگر ویژه شکنجه اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد می‌خواهیم که برای ملاقات با عبدالله اوجالان در زندان جزیره امرالی یک هیأت موقت فوری سازماندهی کنند.

*باید تلاش بیشتری برای اطلاع‌رسانی در رابطه با وضعیت نگران‌کننده در امرالی در رسانه‌های خبری بین‌المللی و محلی صورت گیرد.

*اتحادیه‌ها باید برگزاری اعتصاب عمومی یک دقیقه‌ای را در زمان مناسب برای جلب توجه به وضعیت زندانیان سیاسی در ترکیه در نظر بگیرند.

*وکلا باید نگرانی‌های خود را از طریق تماس با کانون‌های وکلایی که در آن عضویت دارند، در میان بگذارند و سپس آن‌ها را به وزارتخانه‌های دادگستری در کشورهای خود و به همکاران حقوقی خود در ترکیه ارسال کنند.

*باید تلاش شود تا این موضوع در دستور کار همه پارلمان‌های ملی به ویژه اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا قرار گیرد.

*تمام کمک‌های اقتصادی و نظامی به دولت ترکیه که قوانین داخلی و بین‌المللی خود را نقض می‌کند، باید فوراً متوقف شود. زیرا سلاح‌های فروخته شده توسط ترکیه هر روز برای ارتکاب جنایات جنگی علیه مردم کورد در کوردستان استفاده می‌شود.

*همان‌طور که دادگاه اروپایی حقوق بشر در تصمیم اوجالان مورخ ۱۸ مارس ۲۰۱۴ اعلام کرد، باید تغییرات قانونی برای تضمین آزادی اوجالان ایجاد شود. در این زمینه، آقای اوجالان باید تحت شرایطی آزاد شود که به او اجازه می‌دهد نقش مهمی در یافتن راه حل سیاسی عادلانه، مسالمت‌آمیز و دموکراتیک برای اشغالگری چند دهه ترکیه و جنگ علیه مردم کرد داشته باشد.

کمپین‌های آزادی عبدالله اوجالان، در داخل ترکیه و کشورهای مختلف اروپایی، همچنان ادامه دارد.



خواست آزادی عبدالله اوجلان توسط حزب کارگران کردستان

حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) خواهان آزادی عبدالله اوجلان رهبر دربند این حزب برای ورود به عرصه سیاسی شد.

به گزارش رسانه‌ها، «بسی هوزات» رییس مشترک کمیته اجرایی پ.ک.ک به خبرگزاری فرانسه گفت: آزادی «عبدالله اوجلان»، رهبر محبوس پ.ک.ک شرط و خواسته اصلی ما برای ادامه روند صلح است.

وی گفت: اگر این شرط به سرعت محقق شود می‌توانیم بازگردیم و همه چیز ظرف یک هفته حل و فصل شود وگرنه احتمالاً روند صلح با موفقیت ادامه نخواهد یافت. «بسی هوزات» افزود: ما خواهان بازگشت به ترکیه و ورود به سیاست دموکراتیک هستیم. اما باید اصلاحاتی در قانون اساسی و اصلاحات قانونی جدی و طولانی صورت گیرد. بدون ضمانت‌ها سرنوشت ما زندان یا مرگ است.

تکین موش، تیکوشین اوزان و ندیم سِوین سخن‌گویان نخستین گروه ۳۰ نفره از اعضای «پ.ک.ک» که در یک مراسم نمادین در شهر سلیمانیه عراق، سلاح‌های

خود را سوزاندند؛ در گفت‌وگو با رسانه‌های نزدیک به پ‌ک‌ک هشدار دادند: «اگر دولت ترکیه گام‌های مشخصی برندارد، این ۳۰ نفر اولین و آخرین گروهی خواهند بود که سلاح‌های خود را زمین گذاشته‌اند.»

ندیم سیوین تاکید کرد: «اگر حملات جدیدی علیه مردم کرد صورت گیرد، اگر آزادی عبدالله اوجالان، رهبرمان تضمین نشود، اگر راه برای فعالیت سیاسی و دموکراتیک باز نشود و اگر زندانیان سیاسی آزاد نگردند، فضای مثبت شکل نخواهد گرفت. در منطقه‌ای که همچنان شاهد درگیری است و احتمال جنگ بالاست، سلاح به‌عنوان یک ابزار باقی خواهد ماند.»

مبارزه مسلحانه

مبارزه مسلحانه، نوعی از مبارزه سیاسی-نظامی است که در آن از سلاح و قهر سازمان‌یافته برای سرنگون کردن حکومت‌های دیکتاتوری و تمامیت‌خواه استفاده می‌شود. در نتیجه به‌طور معمول مبارزه مسلحانه هنگامی به‌عنوان یک استراتژی یا راحل در مقابل احزاب و سازمان‌های سیاسی قرار می‌گیرد، که امکان مبارزه مسالمت‌آمیز از میان رفته باشد. به عبارت دیگر، مبارزه مسلحانه را حکومت‌های دیکتاتوری به سازمان‌ها و احزاب انقلابی تحمیل می‌کنند.

در شرایطی که راه مبارزه سیاسی باز است کسی دست به اسلحه نمی‌برد بنابراین، بسیار طبیعی است که هر انسان و در نتیجه هر جریان سیاسی ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش را برای پیش‌برد مبارزه و رسیدن به هدف انتخاب کند.

بر اساس یک اصل در دانش مبارزه، استراتژی مبارزه انقلابی را دشمن به نیروی انقلابی تحمیل می‌کند. برای مثال در بیانیه استقلال آمریکا، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق بشر در جهان، حق مبارزه قهرآمیز برای سرنگون کردن

حکومتی که حقوق شهروندان خود را رعایت نمی‌کند، به رسمیت شناخته شده است. 1. زیربنای آزادی اسلحه در آمریکا نیز تایید چنین حقی است. 2. همچنین در قوانین سازمان ملل، حق مبارزه برای رهایی از دست دیکتاتوری برای ملت‌ها به رسمیت شناخته شده است.

تعیین استراتژی مبارزه، حیاتی‌ترین امر در پیش‌برد یک مبارزه سیاسی است. همچنین یک نیروی انقلابی پس از آن که به ضرورت مبارزه مسلحانه پی برد باید به بررسی اشکال گوناگون مبارزه مسلحانه بپردازد. این اشکال در قرن اخیر براساس شرایط اجتماعی و ماهیت حکومت‌ها، تغییر کرده است. به‌عنوان مثال در چین، مائو با استراتژی نبرد آزادی‌بخش از روستا و محاصره شهرها توانست به پیروزی دست یابد. در روسیه، لنین با جنگ مسلحانه شهری و تسخیر مراکز قدرت توانست تزاریسیم را از پای درآورد. در کوبا، چه‌گوارا، استراتژی کانون‌های شورشی را برگزید، اما در بولیوی همین استراتژی دیگر راهگشا نبود.

چریک‌های فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، به‌عنوان اولین جریانات انقلابی سازمان‌یافته، استراتژی چریک شهری را برای سرنگونی شاه در پیش گرفتند. پس از انقلاب ضدسلطنتی مسعود رجوی استراتژی ارتش آزادی‌بخش نوین را بنیان گذاشت. این استراتژی در تکامل خود و انطباق فعال با شرایط، به ارتش آزادی و کانون‌های شورشی ارتقاء یافت. تعیین استراتژی مبارزه انقلابی در هر مبارزه جدی و سازمان‌یافته، مهم‌ترین گام برای پیروزی است.

استراتژی یا راهبرد، برگرفته از واژه یونانی «Strategos» به معنی ژنرال ارتش است. Stratos به معنای ارتش و ago به معنای هدایت است. بنابراین، واژه استراتژی در ابتدا به معنی هدایت ارتش به‌کار گرفته می‌شد. ژنرال چینی سان تزو، در کتاب هنر جنگ، به چگونگی استفاده از این مفهوم برای غلبه بر دشمن پرداخته

است. سان تزو، استراتژی را در بعد نظامی هنر و فن طرح ریزی ترکیب و تلفیق عملیات نظامی برای رسیدن به هدف جنگی مشخص تعریف می‌کند. 3 پس استراتژی کاری است که استراتگوس یا استراتژیست انجام می‌داد. بعدها این وظایف به امور قضایی و مدنی نیز گسترش یافت.

اما امروزه واژه استراتژی در حوزه سیاست و مبارزه سیاسی یا انقلابی، بیش از هر حوزه‌ای به‌کار می‌رود. «استراتژی، علم برنامه‌ریزی و هدایت عملیات نظامی بزرگ در مقیاس کلان، با هدف تشخیص و یافتن بهترین موقعیت قبل از شروع درگیری واقعی با دشمن است.» 4

دایره‌المعارف بریتانیکا، تعریف استراتژی را از دید نظامی با تعبیر هنر برنامه‌ریزی و هدایت عملیات معرفی کرده است و برای متمایز ساختن آن با تاکتیک، سه ویژگی گستردگی بیش‌تر عملیاتی، دوره زمانی بلندتر و جابه‌جایی انبوه نیروها را قید می‌کند. مجموعه‌ای از شناخت‌ها و اطلاعات به‌هم پیوسته درباره یک موضوع مشخص علم نام دارد. مهارت در به کارگیری علم در صحنه عمل، هنر نام دارد، استراتژی؛ شناخت‌های سازمانی است که نحوه به خدمت گرفتن قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را برای رسیدن به هدف نشان می‌دهد. از این منظر استراتژی یک علم است؛ اما تمام کسانی که استراتژی می‌دانند، قادر نیستند آن را به کارگیرند، کسی که مهارت کافی در این زمینه دارد، می‌تواند از استراتژی استفاده کند، پس، استراتژی نوعی هنر نیز هست. به بیان کامل‌تر، استراتژی هم علم و هم هنر است. استراتژی فن اداره جنگ، فن فرماندهی، فن جنگ و طرح نقشه برای جنگ، نیز معنا شده است. 5

ضرورت مبارزه مسلحانه

مبارزه برای تحقق اهداف سیاسی، در کلی‌ترین شکل به دو شکل مبارزه قهرآمیز و مبارزه مسالمت‌آمیز یا پارلمانتاریستی تقسیم می‌شود. تعیین روش مبارزه، همواره از شرایط حریف آغاز می‌شود. هر سازمان یا حزب یا جریان سیاسی جدای از این‌که یک جریان انقلابی باشد یا نباشد، در یک شرایط دموکراتیک می‌تواند اهداف خود را با هزینه بسیار کمتر، برآورده کند یا دست‌کم برای آن تلاش نماید.

برای مثال در کشورهای اروپایی، مبارزه برای به‌دست آوردن حقوق ملت‌ها نیازی به مبارزه مسلحانه ندارد، زیرا مسیر برای مبارزه مسالمت‌آمیز بسته نیست. مائو در رابطه با مبارزات کارگری در اروپا و آمریکا می‌گوید:

تربیت کارگران و فراهم آوردن نیروها از طریق یک مبارزه قانونی طویل‌المدت و به این ترتیب آماده شدن برای واژگونی نهایی سرمایه‌داری، وظیفه پرولتاریا در کشورهای سرمایه‌داری است. در آن‌جا مسئله عبارت است از توسل به یک مبارزه طولانی، قانونی، به خدمت گرفتن تربیون پارلمانی، سازماندهی سندیکاها و تربیت کارگران.

این در حالی است که در سلطه دیکتاتوری امکان هیچ‌گونه مبارزه پارلمانتاریستی وجود ندارد. به‌همین دلیل، در گام نخست هدف از سازمان‌های انقلابی کنار زدن دیکتاتوری و رفع ستم ملی است. به عبارت دیگر، مبارزه مسلحانه به دلیل به بن‌بست رسیدن مبارزات سیاسی و مطلق شدن دیکتاتوری‌ها و فشار روز افزون بر اقشار مختلف اجتماعی به سازمان‌ها و احزاب سیاسی تحمیل می‌شود.

پس مبارزه مسلحانه انقلابی زمانی ضروری می‌شود که امکان مبارزه مسالمت‌آمیز سیاسی وجود ندارد. در چنین شرایطی، سازمان‌های انقلابی که توان ورود به مرحله جدید مبارزه را دارند، خود را با آن منطبق می‌کنند و سازمان‌ها و جریاناتی که توان

تشکیلاتی و فکری ورود به شرایط دشوار مبارزه مسلحانه را ندارند، گاه منحل شده و گاه در حالتی انفعالی به زیستی غیر موثر ادامه می‌دهند.

هدف سازمان‌های انقلابی از مبارزه مسلحانه، تضعیف حکومت و در نهایت واژگونی حاکمیت سیاسی است که به روش‌های مختلف و هم‌راستا با فعالیت‌های سیاسی، تبلیغاتی و اجتماعی صورت می‌پذیرد.

مائو در کتاب خود تحت عنوان «مسائل جنگ و استراتژی» در این رابطه می‌گوید: هدف از مبارزه مسلحانه در آغاز، نه وارد کردن ضربات نظامی بر دشمن، بلکه وارد کردن ضربات سیاسی بر دشمن است. هدف این است که به انقلابیون و خلق، راه مبارزه نشان داده شود، آن‌ها را از قدرت خویش آگاه گردانند، نشان دهد که دشمن آسیب‌پذیر است. نشان دهد که امکان مبارزه هست، دشمن را افشا کند و خلق را آگاه گرداند. 6

مائو در همین کتاب در مورد چین می‌گوید:

«در چین نه پارلمانی وجود دارد که بتوان از آن استفاده کرد و نه قانونی که برای کارگران حق سازماندهی اعتصاب را بشناسد. در این‌جا وظیفه اساسی پرولتاریا نه گذراندن یک مبارزه قانونی طولانی برای رسیدن به قیام و جنگ و نه اشغال بدوی شهرها و سپس روستاها، بلکه حرکتی در جهت عکس است.» "«... در چین شکل عمده مبارزه عبارت است از جنگ و شکل عمده سازمان عبارت است از ارتش. تمام اشکال دیگر، از قبیل سازمان و مبارزه توده‌های خلق بسیار حائز اهمیت و مطلقا لازمند و در هیچ حالتی نباید نادیده گرفته شوند، ولی همه آنها تابع منافع جنگ هستند.» 7

مسعود احمدزاده در کتاب مبارزه مسلحانه، هم استراتژی و هم تاکتیک می‌نویسد:

هر گونه توسل به آماده‌نبودن شرایط عینی انقلاب مبین اپورتونیزم و سازش‌کاری و رفرمیسم، نشانه فقدان شهامت سیاسی و توجیه بی‌عملی است. او همچنین معتقد است که برای ورود به مبارزه مسلحانه نباید در انتظار فراهم شدن شرایط باقی ماند. او معتقد است که نفس عمل مسلحانه شرایط را فراهم می‌کند. وی با تکیه بر تئوری‌های انقلاب کوبا می‌نویسد:

«چرا قیام کار توده‌هاست؟ مگر تجربه کوبا نشان نداد که یک موتور کوچک و مسلح می‌تواند قیام را آغاز کند و به‌تدریج توده‌ها را نیز به قیام بکشانند؟»⁸

از این رو عدم وجود جنبش‌های گسترده در جامعه را نه نشانه آماده نبودن شرایط عینی انقلاب، بلکه ناشی از سرکوب قهرآمیز و اختناق مداوم ناشی از سلطه‌ی دیکتاتوری می‌داند. همچنین تبلیغات وسیع سیاسی و ایدئولوژیک دیکتاتوری می‌داند.⁹

مسعود احمدزاده معتقد است در شرایطی که قدرت سرکوب‌کننده دیکتاتور، نیروی انقلابی را واداشته که درنده‌خویی او را به‌عدم آمادگی شرایط عینی و رشد ناکافی تضادها نسبت دهد و پوشالی بودن آن را از نظر دور بدارد، مردم چگونه می‌توانند بر قدرت تاریخی خود واقف شود؟ احمدزاده تاکید می‌کند:

چگونه می‌توان آن مبارزه‌ای را که در تاریخ جریان دارد، مبارزه‌ای را که ضرورت‌های تاریخی پیروزی آنرا تضمین کرده اند، مبارزه‌ای که ریشه‌اش در بطن شرایط مادی زندگی خود توده‌ها است، مبارزه‌ای را که در عمل آگاهانه پیشقراولان انقلابی انعکاس یافته، مبارزه‌ای را که در جنبش‌های پراکنده و جرقه‌وار توده‌ها انعکاس یافته، مبارزه‌ای را که در شرایط استبداد سنگین و اختناق مداوم گاه خصلت انفجاری پیدا کرده و دفعتاً نیروی عظیمی از توده‌ها را به خیابان می‌کشد و یک‌باره چون شعله‌ای زودگذر خاموش می‌شود، عملاً به توده‌ها نشان داد؟ چگونه می‌توان آن

جریانی را بنا نهاد که در مسیر آن توده بر خود، بر منافع واقعی خود، بر قدرت سهمگین و شکست‌ناپذیر خود واقف شود و به جریان مبارزه کشانده شود؟ چگونه می‌توان در آن سد عظیم قدرت سرکوب‌کننده که اختناق و سرکوب مداوم، عقب‌ماندن رهبری و عدم توانایی پیشرو در ایفای نقش خود، بالاخره تبلیغات جهنمی رژیم متکی به سرنیزه میان روشنفکر خلق و خلق، میان توده و خود توده، میان ضرورت مبارزه توده‌ای و خود مبارزه توده‌ای، بر پا داشته، شکاف انداخت، و سیل خروشان مبارزه توده‌ای را جاری کرد؟ تنها راه عمل مسلحانه است.¹⁰

بر همین اساس برای ورود به عمل مسلحانه نیازی به انتظار برای فراهم آمدن شرایط موهوم نیست. بلکه باید به مردم نشان داد که مبارزه واقعا آغاز شده است و نیاز به شرکت فعالانه‌ی آن‌ها دارد.¹¹

همچنین شرایط ورود به مبارزه مسلحانه در کشورهای مختلف و در زمان‌های مختلف متفاوت است، اما این به‌معنی نفی مبارزه مسلحانه نیست. تاریخ انقلاب در مقیاس جهانی نشان داده است که همراه با با هشیاری فزاینده حکومت‌های دیکتاتوری، همراه با تکیه بیشتر آن‌ها به سرکوب در اشکال جدید و با ابزار جدید برای حفظ بقای خود و همراه با گذار انقلاب از غرب به شرق هر روز نقش گروه‌های پیشرو و انقلابی نیز اهمیتی بیش‌تر کسب کرده است. آن‌ها نیز باید با تمامی این تغییرات خود را و روش‌های خود را تغییر دهند اما این اعمال همیشه با توسل به عالی‌ترین شکل مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه انجام می‌شود. در چین، مبارزه مسلحانه در شکل نبرد آزادی‌بخش و در روسیه در شکل نبردمسلحانه شهری و در کوبا با استفاده از استراتژی کانون‌های شورشی خود را نشان داد.¹⁰

چه‌گوارا، می‌گفت:

«رسالت انسان برای رسیدن به آزادی در صف ایستادن نیست، بلکه برهم زدن صف است.»

این تئوری برای اولین بار در کوبا که توسط چه‌گوارا و فیدل کاسترو مطرح شد و بر این اصل استوار بود که هر گروه کوچک انقلابی در صورتی که نیاز ببیند می‌تواند و باید دست به عمل انقلابی بزند و نباید تصور کند که بدون حزب پیشرو یا یک حزب قدرتمند و گسترده، قادر به حرکت نیست.

فیدل کاسترو معتقد است که عمل تک به تک گروه‌های پیش‌تاز و کانون‌های انقلابی در پیش‌برد امر انقلاب موثر است. این تئوری که سال‌ها توسط برخی از مارکسیست‌ها در ایران مورد انکار قرار می‌گرفت منجر بی‌عملی آن‌ها با این توجیه می‌شد که هنوز حزب و سازمان گسترده انقلابی تشکیل نشده و شرایط عینی فراهم نیامده است.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، زمانی از بهم پیوستن گروه‌های کوچک پیشاهنگ پدید آمد که افرادی چون مسعود احمدزاده و امیرپرویز پویان، با اتکا به تجارب انقلاب کوبا بر این بی‌عملی شوریدند. مسعود احمدزاده در کتاب «مبارزه مسلحانه، هم استراتژی و هم تاکتیک» شرح می‌دهد که هر گروه کوچک انقلابی باید بدون آن‌که در انتظار باقی بماند، دست به عمل انقلابی بزند. او مارکسیست‌های پیشین خود را بی‌عملی و انکار عامدانه تجارب انقلابی کوبا متهم می‌کند.

احمدزاده در کتاب خود به نقل از فیدل کاسترو می‌نویسد، آن‌هایی که می‌خواهند انقلاب کنند، این حق را دارند که خود وارد عمل شوند. زمان آن گذشته است که فکر کنیم «در حزب بودن» برای انقلابی بودن کافی است! البته این به معنی حزب‌گریزی نیست.

به عبارتی او این دو تفکر را نفی می‌کند و هر دو را انحراف می‌داند. از نظر او «مانیکائیسیم حزبی»، یعنی این تفکر که «بودن در حزب برای انقلابی بودن کافی است»، مردود است. همچنین مانیکائیسیم ضدحزبی که از هر گونه تمرکز و تشکیلات گریزان است یک انحراف است. اساسا این دو اندیشه، دو روی یک سکه هستند و ضد مبارزه و انقلاب عمل می‌کنند. این تئوری در یک کلام به این معناست که هر گروه پیشاهنگ، هر تیم، هر کانون و گروه، اگر چه باید پیوستگی تشکیلاتی خود را به حزب و سازمان هدایت کننده دنبال کند اما نباید عمل انقلابی خود را در پس موانع، تحت عنوان تبعیت از حزب متوقف نماید.

وی معتقد بود که از میان رفتن یک واحد رزمنده به هیچ‌وجه نابودی جنبش به شمار نمی‌رود و این درست همان ادعایی است که دشمن همواره مطرح می‌کند و اعلام می‌نماید که انقلابیون را ریشه‌کن کرده است.

هنگامی که ضرورت مبارزه مسلحانه مشخص می‌شود هر گروه پیشاهنگی می‌تواند این مبارزه را آغاز کند. در شرایطی که یک سازمان مرکزی و هدایت کننده وجود داشته باشد، وظیفه این گروه یا تیم پیشاهنگ متصل شدن به سازمان مرکزی و عمل کردن در هماهنگی با آن است. مسعود احمد زاده از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با رد تئوری بقا معتقد است که شکست یا پیروزی یک گروه پیشاهنگ در نتیجه به دست آمده تاثیر چندانی ندارد. او در این رابطه می‌نویسد:

«چنین است که شکست یک گروه مبارزه مسلح، تاثیری تعیین کننده بر سرنوشت مبارزه ندارد. اگر قبول داریم که مبارزه طولانی است، اگر قبول داریم که مبارزه با تشکل گروهی آغاز می‌شود، چه اهمیتی دارد که گروهی در این میان از بین بروند. مهم این است که اسلحه‌ای که از دست رزمندهاش می‌افتد، رزمنده‌ای

دیگر باشد که آنرا بردارد، اگر گروهی شکست می‌خورد، گروهی دیگر باشد که راه او را دنبال کند.»

با رد تئوری بقا بود که سازمان‌های چریک‌های فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران تشکیل شده و مبارزه را به میدان عمل کشاندند. هرچند نباید از نظر دور داشت که سازمان مجاهدین که یک سازمان مسلمان بود تئوری بقا را با استناد به آموزه‌های دینی نیز مردود می‌دانست.

استراتژی مبارزه انقلابی، دانشی است بسیار پیچیده که به همین مقوله می‌پردازد. اشتباه استراتژیک یعنی انتخاب روش اشتباه برای مبارزه و این مقوله‌ای است که می‌تواند به نابودی یک جنبش منجر شود. به این ترتیب، برای نبرد با یک حکومت استبدادی تشخیص استراتژی درست، مهم‌ترین عامل پیروزی است.

به این ترتیب، استراتژی چریک شهری، به‌عنوان راحلی برای مبارزه در بسیاری از کشورها از جمله ایران به کار گرفته شد. استراتژی چریک شهری ناظر بر این امر است که عملیات چریکی در شهر به تور اختناق ضربه می‌زند و آن را می‌شکافد. با تضعیف شدن حکومت در اثر عملیات چریک شهری، نیروی انقلابی می‌تواند با توجه به شرایط با تجمع در مناطقی که تشخیص می‌دهد به گسترش جنگ بپردازد و همگام با اعتراضات مردمی دست به تسخیر شهرها و مراکز حساس دولتی بزند.

راهبردپرداز و استراتژیست جنگ چریک شهری کارلوس ماریگلا برزیلی است. کتاب معروف او جنگ چریک شهری نام دارد. 11 یک چریک در مبارزه چریکی به هیچ‌وجه همانند جنگ‌های منظم علاقه‌ای به رویارویی منظم با دشمن ندارد. بلکه فعالیت چریک بیش‌تر غافلگیری، جنگ و گریز و وارد کردن ضربات نابود کننده از پشت جبهه است. ویژگی‌های استراتژی جنگ‌های دامنه‌دار چریکی عبارتند از:

تغییر مداوم میدان نبرد، سیستم سلاح‌ها و تاکتیک‌های عملی به منظور سر در گم کردن دشمن، بر هم زدن تعادل حریف و در هم شکستن مقاومت اوست. اما در ایران، در میان کسانی که به مبارزه چریک شهری معتقد بودند، همچنان یک اختلاف نظر پایه‌ای وجود داشت. گروهی به تقدم شهر بر روستا و گروهی به تقدم روستا بر شهر معتقد بودند.

سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۸ برای تدوین استراتژی خود یک گروه ۱۶ نفره تدوین استراتژی تشکیل داد که به کار تحقیقی در روستاها و مطالعه پرداختند. آن‌ها سرانجام به تقدم شهر بر روستا رسیدند. این گروه نتایج جمع‌بندی خود را در ۹ بند ارائه کردند:

۱- حکومت شاه، بورژوازی کمپرادور (وابسته) به‌شمار می‌رود. پیش از سال ۱۳۴۲ یعنی پیش از اصلاحات ارضی، طبقه حاکم در ایران، بورژوا- ملاک بود. یعنی تلفیقی از بورژوازی و فئودالیزم در حاکمیت وجود داشت. پس از انقلاب سفید و آغاز اصلاحات ارضی، بافت جامعه ایران و حاکمیت آن به سمت بورژوازی کمپرادور حرکت کرد.

۲- رژیم شاه، یک رژیم پلیسی-نظامی است. بنابراین بر جامعه نیز یک فضای پلیسی-نظامی حاکم است. و سرکوب بر عهده نیروهای مخفی ساواک می‌باشد. (این موضوع از این جهت حائز اهمیت بود که اگر یک رژیم فرضاً نظامی-پلیسی باشد، شیوه‌های مبارزه متفاوت خواهد بود. به‌عنوان مثال رژیم خمینی یک رژیم نظامی محسوب می‌شود که سرکوب را با قهر علنی یعنی توسط سپاه پاسداران انجام می‌دهد)

۳- شرایط عینی انقلاب آماده است. مشکل در شرایط ذهنی (رهبری و سازمان رهبری کننده) است.

- ۴- علت به صحنه نیامدن مردم، اختناق پلیسی است. پس باید به طلسم اختناق ضربه زد و آن را با انجام عملیات دچار تزلزل کرده و به مردم جسارت داد.
- ۵- جامعه ایران یک جامعه مذهبی است و در آن یک پتانسیل بالقوهٔ مبارزاتی به دلیل فرهنگ مبارزاتی مذهبی وجود دارد.
- ۶- تقدم استراتژی جنگ شهری بر جنگ روستایی.
- ۷- جنگ در روستا پس از شهر و یعنی پس از پاره شدن تور اختناق در شهر باید آغاز شود.
- ۸- در روستا باید به آزاد کردن منطقه و تشکیل ارتش آزادیبخش پرداخت.
- ۹- خصلت عملیات شهری باید ضددیکتاتوری باشد. یعنی ضربه زدن به مظاهر سرکوب در راستای پاره کردن تور اختناق.¹²
- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، هم‌زمان هر دو شکل از مبارزه را آغاز کردند. گروه روستا در منطقه سیاهکل دست به سلسله عملیاتی زد که به حادثه‌ی سیاهکل و جان‌باختن تمامی فداییان منجر شد. برخی این شکست را اگر بسیار پر تجربه و مؤثر در شکستن جو اختناق در ایران می‌دانستند، آنرا ناشی از برآورد اشتباه و ناکارآمدی تاکتیک «تقدم روستا» برشمردند. بخش‌های دیگر سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به مبارزه چریکی در شهر ادامه دادند.
- با گسترش سرکوب و اختناق در ایران پس از سال ۱۳۶۰ و تحمیل شدن مبارزه مسلحانه به سازمان‌های سیاسی، بسیاری از احزاب سیاسی دست از مبارزه برداشتند و برخی نیز در همان ضربات اولیه به‌طور کامل از میان رفتند. جنبش‌های مسلحانه پس از یک‌دست شدن سرکوب در ایران به مناطق مرزی و به ویژه کردستان و یا مناطق جنگلی در شمال ایران رفتند و از آن‌جا دست به سازماندهی و عملیات زدند.

در این میان سازمان محوری مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران، ساطمان مجاهدین خلق بود.

سازمان‌های دیگری نیز چون سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران-کومله که دست به مبارزه مسلحانه زدند. البته کومله، از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، آن را نپذیرفت و در مقابل حملات وحشیانه نیروهای حکومتی، دست به اسلحه و مبارزه مسلحانه برد.

اما اغلب سازمان‌ها، پس از مدت کوتاهی به دلیل ضربات، انشعابات داخلی و... پتانسیل خود را از دست داده و منفع‌ل شدند.

در شروع مقاومت قهرآمیز، سازمان مجاهدین خلق، تاکتیک خودش را بر بی‌آینده کردن حکومت بنا کرد، در این خصوص در کتاب ارتش آزادی‌بخش آمده است: «تاکتیک نظامی مجاهدین در آغاز مقاومت مسلحانه وارد آوردن ضربه تعیین کننده اول بود. این تاکتیک انقلابی که به شیوه تهاجم مطلق صورت می‌گرفت، ضمن دسترسی به هدف‌های مشخص نظامی، هدف سیاسی عمده‌یی را نیز دنبال می‌کرد که عبارت بود از بی‌آینده کردن رژیم خمینی. ویژگی مرحله تهاجمی اول این بود که در آن مبارزه مسلحانه با عملیات بزرگ آغاز شد و همین عملیات بود که رژیم را بی‌آینده کرد. چرا که این رژیم ضدتاریخی که همواره در ساختار خود نازا و ابتر بود(قادر به تکثیر و تولید نفرات جدید نبود) و قدرت بازسازی ضربه‌هایی که بر سازمان سیاسی‌اش وارد می‌شد نداشت، در نتیجه این تهاجمات صدماتی را متحمل شد که هرگز نتوانست جبران کند و به همین دلیل بی‌آینده شد.»¹³

سازمان مجاهدین پس از تظاهرات مسالمت‌آمیز ۳۰ خرداد، در یک روز، از مبارزه مسالمت‌آمیز وارد مبارزه قهرآمیز شد. ۳۰ خرداد از نظر مجاهدین پایانی بر هر

گونه مسالمت‌جویی بود زیرا خمینی بر یک تظاهرات چندصد هزار نفره آتش گشوده بود. اما این تغییر فاز، یعنی انتقال از فاز سیاسی به فاز نظامی در یک شب، به لحاظ تاکتیکی بسیار دشوار بود. زیرا اعضای این سازمان و به‌ویژه رهبرانش تماماً علنی بودند. به همین دلیل این سازمان با در پیش گرفتن تهاجم حداکثری مسلحانه جمهوری اسلامی را در لاک دفاعی فرو برد. این تهاجم به این سازمان امکان انطباق با شرایط جدید را داد. 14

یکی از تاکتیک‌هایی که سازمان مجاهدین خلق در پیش گرفت، هدف قرار دادن نیروهایی بود که در سرکوب و دستگیری‌ها دست داشتند، این تاکتیک را «ضربه به سرانگشتان اختناق» نام‌گذاری کردند. 15

«هنوز مقاومت مسلحانه یکساله نشده بود که رژیم خمینی به تدریج دستگاه سرکوب خود را بیش از پیش گسترش داد چرا که او در عمل دریافت که تنها تهدید جدی و واقعی برای بقای رژیمش مقاومت مسلحانه انقلابی است. ... جنگ ایران و عراق نیز علاوه بر این‌که چتر لازم برای حذف سیاسی نیروهای انقلابی را فراهم می‌کرد، به رژیم امکان می‌داد که دستگاه پلیسی و ارگان‌های سرکوب خود را بیش از پیش گسترش دهد و بودجه کلانی از بیت‌المال مردم را به آن اختصاص دهد.

به همین دلیل مقاومت ایران متقابلاً در یکی از مراحل عملیات مسلحانه، ضربه به ماشین سرکوب و سرانگشتان اختناق‌آفرین رژیم را هدف عملیات خود قرار داد. جلادان، شکنجه‌گران، عوامل تفتیش عقاید، جاسوسان و خبرچینان که علاوه بر شرکت در کشتار و شکنجه مجاهدین، از بام تا شام با بهانه‌های مختلف به اذیت و آزار مردم بی‌گناه می‌پرداختند در معرض تهاجم بی‌امان تیم‌های عملیاتی و واحدهای مقاومت قرار گرفتند.»

همزمان با شروع مقاومت مسلحانه، مسعود رجوی دست به یک ابتکار عمل سیاسی زد و برای این که دستاورد سیاسی این عملیات نظامی دارای راس سیاسی باشد، شورای ملی مقاومت ایران را تاسیس کرد. 16

حکومت‌های دیکتاتوری، هنگامی که در موضع ضعف قرار می‌گیرند ترفندهای مختلفی را در پیش می‌گیرند از جمله جنگ؛ دیکتاتورها با این ترفندها، سعی می‌کنند افکار عمومی را از واقعیت‌های جامعه دور کنند و توجه آنان را به یک عامل خارجی از جمله جنگ و یا فضای جنگی جلب کنند تا از این طریق هم مخالفین خود را شدیداً سرکوب نمایند و هم بقای حاکمیت خود را حفظ کنند.

به‌عنوان نمونه، خمینی بنیان‌گذار و رهبر وقت جمهوری اسلامی، در آغاز جنگ ایران و عراق گفته بود: «جنگ نعمت است»!

جواد منصوری فرمانده سابق سپاه نیز گفته است: اگر جنگ نبود جمهوری اسلامی نابودی می‌شد. ما با جنگ توانستیم گروهک‌ها را سرکوب کنیم!

به عبارتی جنگ تنها عامل استحکام و توانایی حکومت به‌شمار می‌رفت.

گوبلز، وزیر تبلیغات هیتلر، معتقد بود وقتی یک حکومت با مخالفان داخلی روبه‌روست و از حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم ناتوان است تنها راه بقای خود را باید در ایجاد یک جنگ خارجی جست‌وجو کند. حکومت باید کاری کند که وقتی مردم بهم می‌رسند جز در رابطه با جنگ از چیزی سخن نگویند. در سایه جنگ است که می‌توان هر مخالفتی با حربه همکاری با دشمن سرکوب کرد.

۲۹ روز بعد در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، خمینی قرارداد ۵۹۸ را پذیرفت و آن‌را به جام زهر تشبیه کرد. او دلیل نوشیدن جام زهر را ذکر نکرد اما فرماندهان سپاه بعدها آن‌را نتیجه عملیات مجاهدین دانستند.

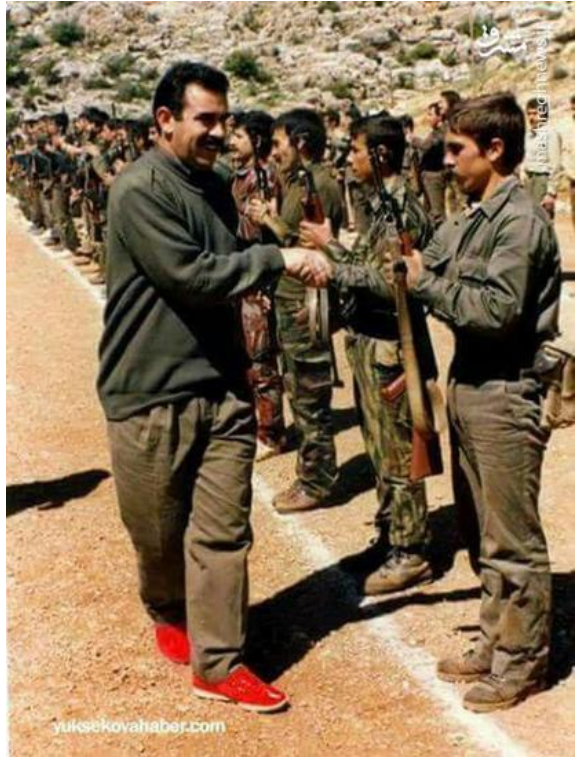
پایان یافتن جنگ ایران و عراق تضعیف حکومت، تشکیل جناح‌ها و بارز شدن شکاف‌ها و افزایش مطالبات اجتماعی و سیاسی را در برداشت و حکومت ایران را وارد فاز جدیدی از حیات خود کرد.

متخصصان علوم نظامی، این راهکارها را دانش نبرد، هنر جنگ، و یا استراتژی و راهبرد می‌نامند. مبارزه انقلابی نیز به‌عنوان نبردی که با اهداف آزادی‌بخش و عدالت‌جویانه صورت می‌گیرد، دانشی است که توسط رهبران انقلابی به‌ویژه از سال‌های ۱۹۰۰ به این‌سو تدوین شده است. هر سازمان یا جنبش انقلابی برای دستیابی به پیروزی نیاز به انتخاب یا تدوین استراتژی درست دارد. از سویی استراتژی مبارزه انقلابی را دشمن به نیروی انقلابی تحمیل می‌کند. به این معنی که نیروی انقلابی باید آن‌را با توجه به ماهیت دشمن کشف نماید. بدون استراتژی مبارزه، نبرد قهرآمیز نوعی آوانتوریزم و ماجراجویی بی‌نتیجه خواهد بود. به این ترتیب، برای نبرد با یک حکومت استبدادی تشخیص استراتژی درست، مهم‌ترین عامل پیروزی است.

منابع:

- 1- بیانیه استقلال آمریکا
- 2- چرا سلاح در آمریکا آزاد است؟
- 3- مقاله تاریخیچه استراتژی محبوبه خدابخش
- 4- اسایت لغت‌نامه وبستر
- 5- مقاله اصول و مبانی استراتژیک جنگ
- 6- مائو در سال 1938 در مقاله‌ای تحت عنوان «مسائل جنگ و استراتژی»
- 7- مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک- مسعود احمد زاده
- 8- مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک- ص 31

- 9- مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک- صفحه ۳۴
- 10- مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک- ص 36
- 11- کتاب جنگ چریک شهری از کارلوس ماریگلا
- 12- مصاحبه رادیویی با محمد حیاتی - راهی که آمدیم- تدوین استراتژی
- 13- کتاب ارتش آزادیبخش ملی ایران چاپ ۱۳۷۴
- 14- کتاب ارتش آزادیبخش ملی ایران چاپ ۱۳۷۴
- 15- کتاب ارتش آزادیبخش چاپ ۱۳۷۴ صفحه ۳۸
- 16- کتاب ارتش آزادیبخش چاپ سال ۱۳۷۴



جنبش چریکی و مبارزه مسلحانه پکک

حزب کارگران کردستان، را جمعی از دانشجویان چپ و کرد با گرایش مارکسیستی-لنینیستی پایه‌گذاری کردند. نخستین کنگره این حزب در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸ در روستای فیس واقع در شهرستان لیجه در استان دیاربکر برگزار شد. در این کنگره، ۲۱ نفر شرکت داشتند که از جمله آن‌ها می‌توان به جمیل بایک، مهمت خیری دورموش، مظلوم دوغان، دوران کلکان و علی حیدر کایتان اشاره کرد.

در میان شرکت‌کنندگان دو زن نیز حضور داشتند؛ یکی کثیره اوجالان، که در آن زمان همسر عبدالله اوجالان بود، و دیگری سکینه جانسیز که سال‌ها بعد در پاریس ترور شد.

در نخستین کنگره، پکک اعلام کرد که هدفش تشکیل یک دولت سوسیالیستی کرد است و قصد دارد تحت عنوان «مبارزه ملی رهایی‌بخش کردها»، مبارزه‌ای مسلحانه علیه ترکیه آغاز کند.

پکک که ادامه‌ای بر شورش‌های کردها در دوران عثمانی و جمهوری ترکیه تلقی می‌شود، حملاتی را در مناطق شرقی و جنوب شرقی این کشور انجام داده است. بسیاری از حاضران در کنگره تأسیس حزب، در سال ۱۹۷۹ بازداشت شدند. آنچه در زندان دیاربکر رخ داد -که به‌خاطر شکنجه و بدرفتاری‌های شدید شهرت داشت- برای این سازمان به نقطه عطف مهمی تبدیل شد.

مظلوم دوغان، از بنیان‌گذاران پکک، در اعتراض به شکنجه‌ها دست به خودکشی زد. محمد خیری دورموش نیز در جریان اعتصاب غذای مرگباری که با شش نفر دیگر در زندان آغاز کرده بود، جان باخت.

در سال ۱۹۷۹، عبدالله اوجالان به سوریه رفت. پکک در سوریه آزادی عمل بیشتری داشت و با کردهای ساکن این کشور در تماس مستقیم بود. در آن سال‌ها، شمار زیادی از کردهای سوریه به پکک پیوستند.

پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، حضور پکک در دره بقاع لبنان که در کنترل سوریه بود، تقویت شد و شمار نیروهای اعزامی به آن منطقه افزایش یافت. کادرهای پکک در دره بقاع آموزش‌های سیاسی و نظامی را از چریک‌های فلسطینی دریافت کردند.

در سال ۱۹۸۴ عبدالله اوجالان اعلام کرد که سازمان وارد مرحله «جنگ مردمی طولانی مدت» شده است. در همان سال «نیروهای آزادی بخش کردستان» با نام اختصاری اچ آر کی برای مبارزه مسلحانه تشکیل شد.

پکک در ۱۵ اوت ۱۹۸۴، نخستین حملات مسلحانه خود را در ترکیه انجام داد. این حملات همزمان در مناطق اروح، شرناق و پرواری در استان سعرد و شهرستان چوکورجا در استان حکاری انجام شد و مواضع نظامی ترکیه را هدف قرار داد. به این ترتیب، مبارزه مسلحانه پکک علیه ترکیه آغاز شد. در سال ۱۹۸۶ «نیروهای آزادی بخش کردستان» جای خود را به نیروی تازه ای داد با نام «ارتش رهایی بخش خلق کردستان».

نیروهای پکک که زیر چتر ارتش رهایی بخش فعالیت می کردند، تا سال ۱۹۹۳ حملات مسلحانه خود در خاک ترکیه را ادامه دادند و بر شدت این حملات افزودند. پکک در دسامبر ۱۹۹۰، در دوره ای که اتحاد جماهیر شوروی در حال فروپاشی بود، چهارمین کنگره خود را برگزار کرد و به تدریج از سوسیالیسم موجود فاصله گرفت.

در سال ۱۹۹۳، تورگوت اوزال، رئیس جمهور وقت ترکیه نیز تلاش هایی را برای صلح آغاز کرد و با استفاده از تعبیر «در مقابل مسیر خشونت» به دنبال راه حل های مسالمت آمیز رفت.

در پی این تحولات، عبدالله اوجالان در ۲۰ مارس ۱۹۹۳ اعلام آتش بس کرد. اما در حالی که روند صلح ادامه داشت، اوزال در ۱۷ آوریل ۱۹۹۳ درگذشت و پس از آن پیشرفت قابل توجهی در این مسیر حاصل نشد.

در همان سال ها، ارتش و نیروهای امنیتی دولت ترکیه، غیرنظامیان زیادی را کشتند و یا درگیری ها بین چریک های پکک و نیروهای نظامی دولتی کشته شدند.

از جمله این حوادث، حمله ارتش به روستای باش باغلار در منطقه کمالیه از توابع ارزروم بود که در تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۹۳ رخ داد و در آن ۳۱ نفر از اهالی این روستا کشته شدند.

پس از مرگ اوزال، سلیمان دمیرل به ریاست جمهوری رسید و تانسو چیلر نخست‌وزیر ترکیه شد. در دوره نخست‌وزیری خانم چیلر روند صلح به‌طور کامل متوقف شد.

در این دوره استراتژی دولت بر نابودی پکک از طریق راهکارهای نظامی متمرکز بود. بر اساس گزارش کمیسیون تحقیق مجلس ترکیه در مورد مهاجرت، در سال‌هایی که راهبردی با عنوان «جنگ با شدت کم» اجرا شد، بیش از ۲۵۰۰ روستا و آبادی در جریان درگیری‌ها تخلیه شدند.

در این دوره که با نقض گسترده حقوق بشر و قتل‌های مشکوک همراه بود، موج بزرگی از مهاجرت کردها از روستاها به شهرها آغاز شد.

بر اساس آمار بنیاد حقوق بشر ترکیه، دهه ۱۹۹۰ دورانی بود که در آن بیش از شش هزار نفر مورد شکنجه قرار گرفتند، در بازداشت ناپدید شدند یا قربانی قتل‌های مشکوک شدند.

ترکیه از سال ۱۹۸۳ به بعد، و به ویژه در دهه ۹۰، در مجموع ۲۴ عملیات فرامرزی علیه مواضع پکک در شمال عراق انجام داد. در این مجموعه عملیات، هر دو طرف متحمل تلفات سنگینی شدند.

برآوردها حاکی از آن است که در این درگیری‌ها، دست‌کم ۴۰ هزار نفر -از جمله غیرنظامیان- جان خود را از دست داده‌اند.

یکی از نقاط عطف تاریخ پکک، خروج عبدالله اوجلان از سوریه تحت فشار شدید ترکیه بود. اوجلان پس از ترک سوریه، به ترتیب به روسیه، ایتالیا، یونان و کنیا رفت.

وی در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹، در عملیاتی بین‌المللی در نایروبی، پایتخت کنیا، دستگیر و به ترکیه منتقل شد.

پس از این تحول، پکک در سال ۱۹۹۹ آتش‌بس یک‌جانبه اعلام کرد، در سال ۲۰۰۲ نام خود را به «کنگره آزادی دموکراتیک کردستان» (کادک) تغییر داد و نیروهای مسلح آن شروع به عقب‌نشینی از خاک ترکیه کردند.

با سقوط حکومت صدام حسین در عراق، کردهایی که تحت رهبری خانواده بارزانی بودند، به جایگاه سیاسی مستقلی دست یافتند. بارزانی و طالبانی، بارها در همکاری با دولت ترکیه، چریک‌های پکک را مورد حمله قرار دادند به‌طوری که تا به امروز، پکک هیچ پایگاه علنی در اقلیم کردستان عراق ندارد.

پکک در حالی که به آتش‌بس یک‌جانبه ادامه می‌داد، متناسب با تحولات منطقه‌ای در استراتژی‌های خود نیز تغییراتی ایجاد می‌کرد.

در سال ۲۰۰۳ نام کادک به «کنگره خلق کردستان» تغییر یافت.

این سازمان، هم با نام پکک و هم با نام کنگره خلق کردستان در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی قرار گرفت.

در اول ژوئن ۲۰۰۴، مراد کارایلان پایان آتش‌بس یک‌جانبه را اعلام کرد و درگیری‌ها به تدریج از مناطق کوهستانی به شهرها کشیده شد.

در غرب ترکیه، به ویژه در مناطق گردشگری، حملات مسلحانه و بمب‌گذاری‌هایی انجام شد که پکک مسئولیت برخی از آن‌ها را بر عهده گرفت.

در مه ۲۰۰۵، «اتحادیه جوامع کردستان» که پکک نیز بخشی از آن بود، منشوری را تصویب کرد که از سوی اعضا به عنوان ساختاری اجتماعی، دموکراتیک و کنفدرال تعریف شده بود.

یک ماه قبل از آن کنگره خلق کردستان بار دیگر تغییر نام داده بود و به نام اولیه خود یعنی پکک بازگشته بود.

حمله داغلیجا در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۷، یکی از مرگبارترین حملات پکک علیه نیروهای مسلح ترکیه بود.

پس از این حمله، نیروهای مسلح ترکیه عملیات گسترده‌ای علیه پایگاه‌های پکک در شمال عراق آغاز کردند.

دولت حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۹ روندی را با عنوان «فرایند گشایش» آغاز کرد که شامل اصلاحاتی در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی به منظور حل مسئله کردها بود.

در پی این تحولات، پکک آتش‌بس یک‌جانبه اعلام کرد. اما این روند نیز پایان یافت.

در سال ۲۰۱۲ رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر وقت ترکیه، پس از گفت‌وگو با عبدالله اوجالان، از آغاز ابتکاری به نام «فرایند حل و فصل» خبر داد.

در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۱۳، در مراسم نوروز دیاربکر، نامه‌ای از عبدالله اوجالان قرائت شد که در آن از پکک خواسته شده بود نیروهای مسلح خود را از خاک ترکیه خارج کند.

در ۲۵ آوریل ۲۰۱۳، مراد کارایلان در یک نشست خبری در قندیل که با حضور گسترده خبرنگاران برگزار شد، اعلام کرد پکک از تاریخ ۸ مه عقب‌نشینی خود را آغاز خواهد کرد.

این اعلامیه را بسیاری از رسانه‌های ترکیه از جمله خبرگزاری رسمی این کشور پوشش دادند.

تا سال ۲۰۱۵، آتش‌بسی دوجانبه برقرار بود که ارتش ترکیه نیز به آن پایبند ماند. شورای اجرایی سازمان اعلام کرد که خلع سلاح کامل پکک تنها در صورت «آزادی اوجالان» و «تضمین‌های حقوقی در قانون اساسی» امکان‌پذیر خواهد بود. یکی از نقاط بحرانی فرایند صلح، اعتراضات کوبانی در روزهای ۶ و ۷ اکتبر ۲۰۱۴ بود. این اعتراضات در نهایت با فراخوان اوجالان پایان یافت.

طی دو سال، تماس‌های فشرده‌ای میان قنديل و امرالی (زندانی اوجالان) برقرار بود و اجرای یک برنامه فراگیر برای دموکراتیزه کردن کشور، به عنوان پیش‌شرط خلع سلاح پکک مطرح شد.

در ۲۸ فوریه ۲۰۱۵، در نشست مشترک میان مقامات دولتی و هیات امرالی در کاخ دلمه‌باغچه، سِرّی ثریا اوندرو، نماینده حزب دموکراتیک خلق‌ها، متن توافقی ۱۰ ماده‌ای را قرائت کرد که در آن عبدالله اوجالان از پکک خواسته بود کنگره‌ای برای خلع سلاح برگزار کند.

اعضای شورای اجرایی پکک و اتحادیه جوامع کردستان، از جمله جمیل بایک و بسه هوزات اعلام کردند که تصمیم برای کنار گذاشتن سلاح، تنها با حضور مستقیم اوجالان در کنگره قابل اتخاذ خواهد بود.

دو روز پس از این بیانیه اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، حزب دموکراتیک خلق‌ها را مورد انتقاد قرار داد و گفت که عبارت «توافق دلمه‌باغچه را نمی‌پذیرد».

در مراسم نوروز که روز ۲۱ مارس ۲۰۱۵ در دیاربکر برگزار شد، عبدالله اوجالان با ارسال نامه‌ای جدید، بار دیگر پکک را به خلع سلاح دعوت کرد و

اعلام کرد که در صورت تشکیل «هیات نظارت» و «کمیسیون حقیقت و آشتی»، می‌توان کنگره خلع سلاح را برگزار کرد.

در ۵ مه، بسه هوزات، رییس مشترک اتحادیه جوامع کردستان، گفت: «تا زمانی که هویت کردها به رسمیت شناخته نشود، قانون اساسی بر همین مبنا تغییر نکند و وضعیت سیاسی کردها پذیرفته نشود، پکک هرگز چنین کنگره‌ای برگزار نخواهد کرد. علاوه بر این اوجالان باید به عنوان یک طرف رسمی شناسایی شود.»

در این میان، در انتخابات سراسری ۷ ژوئن ۲۰۱۵، حزب دموکراتیک خلق‌ها با کسب ۱۳ درصد آرا، از سد ۱۰ درصدی گذشت و ۸۰ کرسی در پارلمان به دست آورد. در مقابل، حزب عدالت و توسعه اکثریت لازم برای تشکیل دولت بدون ائتلاف با احزاب دیگر را از دست داد.

پس از شکست داعش در کوبانی، جایگاه حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه رو به افزایش گذاشت.

اردوغان اعلام کرد که اجازه نخواهند داد حزب اتحاد دموکراتیک در جنوب ترکیه دولتی تشکیل دهد.

مراد کارایلان گفت: «اگر آن‌ها به روژاوا (مناطق کردنشین شمال و شمال شرق سوریه) حمله کنند، ما نیز به آن‌ها حمله خواهیم کرد.»

در ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۵، اتحادیه جوامع کردستان پایان آتش‌بس را اعلام کرد و در ۱۴ ژوئیه از آغاز مرحله جدیدی تحت عنوان «جنگ خلق انقلابی» خبر داد.

در ۲۰ ژوئیه در جریان یک نشست خبری در شهر سوروچ که به منظور ارسال کمک به کودکان کوبانی برگزار شده بود، یک عامل انتحاری وابسته به داعش خود را منفجر کرد و ۳۲ نفر را کشت.

در همان روز جمیل بایک، رییس مشترک اتحادیه جوامع کردستان، از مردم خواست برای «دفاع مشروع» مسلح شوند.

در ۲۲ ژوئیه، با کشته شدن دو افسر پلیس در خانه هایشان در شهر جیلان پینار استان شانلی اورفه، فرایند صلح عملاً پایان یافت.

جمیل بایک در آن زمان خواهان تحقیق درباره این حادثه شد.

اردوغان با بیان این که روند حل و فصل را «فرایندی برای مشروعیت بخشی به ترور یا باز کردن فضا برای تروریسم» نمی دانند، اعلام کرد: «فرایند صلح به تعلیق در آمده است.»

پس از سه سال آتش بس در ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۵، ارتش ترکیه حملات هوایی گسترده ای علیه مواضع پکک در شمال عراق انجام داد.

بر اساس بیانیه دفتر نخست وزیری، در این عملیات، هم پکک و هم گروه داعش هدف قرار گرفتند.

با پایان آتش بس میان پکک و نیروهای امنیتی ترکیه، فرایند صلح نیز به طور رسمی کنار گذاشته شد.

با پایان یافتن فرایند صلح، اتحادیه جوامع کردستان در روز ۱۲ اوت ۲۰۱۵ اعلام کرد که «مردم کردستان دیگر هیچ گزینه ای جز خودگردانی ندارند» و درگیری ها به مناطق شهری کشیده شد.

در شهرستان های سیلوی، نصیبین و جیزره از استان شرناق، همچنین در مناطق بینلیس، باتمان، یوکسک اووا از استان حکاری، وارتو و بولانیک از استان موش، ادرمیت در استان وان، دوغوبایزید از استان آغری، و سور، سیلوان و لیجه در دیاربکر، بیانیه هایی مبنی بر «اعلام خودگردانی» منتشر شد.

دولت با واکنشی تند به این اقدامات پاسخ داد.

در این مناطق، تحت عنوان «دفاع از خود»، سنگرهایی برپا و خندق‌هایی حفر شد. در این شهرستان‌ها که مقررات ممنوعیت تردد اعلام شده بود، «عملیات‌های امنیتی» آغاز شد.

رجب طیب اردوغان اعلام کرد: «عملیات‌ها تا زمانی که همه خندق‌ها پر نشوند، ادامه خواهد داشت.»

بنیاد حقوق بشر ترکیه، در گزارشی درباره این عملیات‌ها اعلام کرد که در هفت استان و ۲۲ شهرستان، ۶۳ بار حکومت نظامی اعلام شده و دست‌کم ۳۱۰ غیرنظامی در درگیری‌ها کشته شده‌اند.

مقام‌های دولتی مسئولیت کشته‌شدن غیرنظامیان را متوجه پکک دانستند در حالی که هیچ‌کس چنین ادعایی را باور نکرد.

ارتش ترکیه اعلام کرد که در جریان عملیات‌های موسوم به خندق، «۶۶۲۳ تروریست خنثی و از این تعداد ۴۵۷۱ نفر کشته شده‌اند.»

در حالی که عملیات خندق ادامه داشت، پکک حملات متعددی علیه پاسگاه‌ها و مواضع نظامی در منطقه انجام داد.

در دهه‌ای که پس از پایان فرایند صلح شاهد درگیری‌های شدید بود، هزاران نفر از جمله سربازان، ماموران پلیس، افراد غیرنظامی و نیروهای مسلح پکک جان خود را از دست دادند.

دولت باحچلی، رهبر حزب حرکت ملی ترکیه، در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴ به عبدالله اوچالان، رهبر پکک، پیشنهاد کرد که می‌تواند برای استفاده از «حق امید» درخواست دهد و در جلسه فراکسیون «حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها» در مجلس ملی ترکیه سخنرانی کند.

در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۴، به عمر اوجالان، نماینده حزب برابری، اجازه داده شد تا با عمویش عبدالله اوجالان دیدار کند. این نخستین ملاقات پس از ۴۳ ماه بود.

در همان روز، در حمله‌ای که پکک به تاسیسات صنایع هوافضای ترکیه در منطقه قهرمان قازان آنکارا انجام داد، پنج نفر کشته شدند.

در ماه نوامبر، رجب طیب اردوغان از پیشنهاد باحلی درباره «جزیره امرالی» حمایت کرد، اما در عین حال با اشاره به شرایط موجود، گفت: «این وضعیت، مجالی برای خوشبینی باقی نمی‌گذارد» و حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها و رهبری پکک در قنديل را مورد انتقاد قرار داد.

در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۲۴ و سپس ۲۲ ژانویه، هیاتی از حزب برابری و دموکراسی، پس از دیدار با عبدالله اوجالان در جزیره امرالی، پیام‌های او را به اطلاع عموم رساند.

در این هیات، نمایندگان پارلمان از حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها، سری ثریا اوندرو و پروین بولدان حضور داشتند.

عبدالله اوجالان در ۲۷ فوریه، با انتشار بیانیه‌ای تحت عنوان «فراخوانی برای صلح و جامعه دموکراتیک»، از همه گروه‌ها خواست سلاح‌ها را کنار بگذارند و از پکک خواست خود را منحل کند.

پکک در پی این فراخوان، اعلام کرد که از اول مارس آتش‌بس را آغاز کرد.

هیات امرالی سپس دیدارهایی با احزاب سیاسی مختلف انجام داد و روز ۱۰ آوریل در بش‌تپه با اردوغان دیدار کرد.

سری ثریا اوندرو، که عضو هیات امرالی بود، در روز ۳ مه ۲۰۲۵ درگذشت.

پکک در بیانیه‌ای در روز ۹ مه، اعلام کرد که دوازدهمین کنگره خود را در روزهای ۵ تا ۷ مه برگزار کرد. در این بیانیه آمده بود که «بر پایه فراخوان اوجالان، تصمیماتی با اهمیت تاریخی اتخاذ شده است».

در واقع با انتشار پیام تاریخی عبدالله اوجالان، فصلی نو در مناقشه ده‌هاساله میان کردها و دولت ترکیه آغاز شده است؛ فصلی که می‌تواند راه را برای عبور به یک جامعه دموکراتیک و بدون خشونت دولتی هموار کند. به این ترتیب، نقطه پایانی بر بیش از چهار دهه نبرد مسلحانه علیه دولت ترکیه گذاشته است.

با وجود فضای امیدواری، تردیدها و نگرانی‌هایی هم وجود دارد. بسیاری از ناظران بر این باورند که اگرچه پایان جنگ مسلحانه و خشونت دولتی دستاورد بزرگی است، اما آینده این فرایند به اراده جنبش‌های سیاسی-اجتماعی و مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب کرد و ترک و علوی و ارمنی و غیره و سازمان‌ها و احزاب سیاسی دارد تا با اجماع داخلی و حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی، دولت را وادار سازند به تحولات جدید در راستای آزادی و برابری همه خلق‌ها و فضای دموکراتیک سیاسی تن در دهد و دست از سرکوب و دیکتاتوری بردارد.

اما بی‌اعتمادی‌های قدیمی و تجارب تلخ شکست مذاکرات قبلی، همچنان سایه انداخته‌اند و مسیر تازه، نیازمند اعتمادسازی و تضمین‌های عملی از جمله آزادی اوجالان و همه زندانیان سیاسی، آزادی احزاب و رسانه‌ها و تغییرات ضروری در قانون اساسی است.

نتیجه‌گیری

حق تعیین سرنوشت (Right to Self-Determination) به این معناست که یک ملت یا گروهی از مردم حق دارند آزادانه در مورد سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود تصمیم بگیرند. در دو قرن گذشته نیروهای کمونیستی، همواره به این حق تاکید داشته و در راستای تحقق آن مبارزه کرده‌اند.

این حق، حتی یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل است و در اسناد مهمی مانند منشور سازمان ملل متحد و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

حزب کارگران کردستان (پکک)، با نام جدید «گروه صلح و جامعه دموکراتیک»، هنوز هم یک حزب قدرتمند سیاسی-نظامی و سوسیالیست در کردستان ترکیه است که در سال ۱۹۷۸ تاسیس شده است. به نیروهای مسلح سازمان گریلا گفته می‌شد. این سازمان سیاسی-نظامی از سال ۱۹۸۴ برای کسب استقلال در منطقه کردستان ترکیه دست به مبارزه مسلحانه علیه حکومت مرکزی ترکیه زده است. حزب کارگران کردستان توسط ایران، آمریکا، بریتانیا، کانادا، اتحادیه اروپا و چندین کشور دیگر در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده شده است. در سال ۲۰۱۸، دولت آمریکا همچنین برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری سه رهبر پ.ک.ک شود مبلغ ۱۲ میلیون دلار جایزه تعیین کرده بود.

تا کنون مشخص نیست که کمیسیون مجلس مورد اشاره اردوغان چه وظایفی خواهد داشت، اما با توجه به صحبت‌های عبدالله اوجالان، رهبر در بند پکک، این کمیسیون نه تنها مسئول نظارت بر روند خلع سلاح و گذار به سیاست دموکراتیک خواهد بود، بلکه وظیفه بررسی تغییر قانون اساسی نوین و بازتعریف قانون ترور در ترکیه را خواهد داشت.

اردوغان با تاکید به نظارت دقیق بر فرآیند خلع سلاح، گفت: «ما با توجه به حساسیت این روند، بدون آسیب‌رساندن به کسی، روند نهایی‌شدن سریع آن را تسهیل خواهیم کرد و با دقت بر تحویل سلاح‌ها نظارت خواهیم داشت.»

اردوغان در سخنرانی خود بر وحدت ملی تاکید کرد و گفت: «ترکیه و مردم پیروز شدند. ترک‌ها، کردها و عرب‌ها، یعنی ۸۶ میلیون شهروند ترکیه پیروز شدند. اگر ترک، کرد و عرب یکی باشند، با هم باشند، وجود دارند. وقتی آن‌ها تقسیم و از هم جدا می‌شوند، شکست، تحقیر و اندوه وجود دارد.»

او همچنین با اشاره به اهمیت گفت‌وگو برای حل مشکلات گفت: «برادر کرد من، مشکلی داری؟ می‌نشینیم و صحبت می‌کنیم. برادر علوی من، مشکلی داری؟ ما آن را از طریق گفت‌وگو حل خواهیم کرد. باور کنید فراوانی و برکت به سفره‌مان خواهد آمد.»

اردوغان تاکید کرد که ترکیه با برادری رشد کرده، با دموکراسی قوی‌تر خواهد شد و با ثبات و امنیت، راه خود را به‌سوی آینده ادامه خواهد داد.

در حالی که از زمان کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶، اردوغان از وضعیت اضطراری به‌عنوان ابزاری برای پاک‌سازی دستگاه قضایی، سرکوب رسانه‌های مستقل و بی‌اثر کردن حاکمیت قانون استفاده کرده است. بیش‌تر نهادهای دولتی اکنون تحت کنترل مستقیم رییس‌جمهور عمل می‌کنند و رسانه‌ها عملاً به ابزار تبلیغاتی دولت بدل شده‌اند.

باید توجه داشت که بر اساس قانون اساسی ترکیه طبق (ماده ۶۶)، همه شهروندان «ترک» هستند و هویت مردم کرد و غیره به رسمیت شناخته نشده است. در همین حال، کردها خواستار حقوق سیاسی (خودمختاری محلی یا نوعی از خودگردانی دموکراتیک و اصلاح قوانین ضدتروریسم)، فرهنگی (به رسمیت شناختن و آموزش

زبان کردی در مدارس) و اقتصادی(سرمایه‌گذاری در مناطق کردنشین برای جبران تبعیض‌های سیستماتیک) هستند.

اگرچه مفاد دقیق این ائتلاف هنوز به‌صورت عمومی منتشر نشده، اما گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که هدف اصلی از این همکاری، حمایت حزب برابری و دموکراسی(دم پارتی) از اصلاحات قانون اساسی است؛ اصلاحاتی که می‌تواند به تغییر قانون اساسی و محدود کردن اختیارات ریاست‌جمهوری منجر شود. اردوغان و متحدانش بدون همراهی نمایندگان «حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها»(دم پارتی) در پارلمان، از نظر شمار کرسی‌ها امکان تصویب این تغییرات را ندارند.

مخالفانی که پیش‌تر از سرکوب نهادهای دموکراتیک و احزاب در ترکیه به تنگ آمده بودند، اکنون با واقعیتی جدید مواجهند: بخشی از جنبش کردها که خود قربانی مستقیم اقتدارگرایی دولت بوده، در حال ساختن نظم سیاسی جدیدی است.

کار کمیسیون مجلس، اصلاحات قانون اساسی است. این کمیسیون باید خود را کمیسیونی بداند که مسئله کرد را حل می‌کند و ترکیه را به سوی دموکراسی پیش می‌برد.

اصلاحات احتمالی می‌تواند زمینه‌ساز آزادی عبدالله اوجالان و سایر زندانیان سیاسی و همچنین زمین‌ساز بازگشت هزاران عضو حزب کارگران کردستان و سایر احزاب ممنوعه چپ از کوهستان‌ها و اروپا به ترکیه شود. به گفته سخنگوی وزارت کشور آلمان(روز یکشنبه دوم مارس سال ۲۰۲۵)، پکک حدود ۱۴ هزار و ۵۰۰ عضو در آلمان دارد.

دولت ترکیه، قول داده است بخش زیادی از مطالبات کردها را در چهارچوب قانون اساسی در حال تدوین و اصلاح دموکراتیک در کشور بر آورده کند. اگر کردهای ترکیه به حقوق‌شان دست یابند، با استقلال نسبی کردهای عراق و کنترل بخش اعظم

مناطق کردنشین توسط کردهای سوریه تنها کردهایی که باقی می‌ماند کردهای ایران است.

اما از هر زاویه‌ای به اوضاع کنونی ایران نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که شرایط کنونی ترکیه با شرایط ایران بسیار متفاوت است. در ترکیه، مجازات اعدام وجود ندارد؛ کمابیش جنبش‌ها و رسانه‌ها و احزاب نیز به‌طور نسبی فعالند. اما در ایران، دیکتاتوری مطلق حاکم است و به همین دلیل، شهروندان آزادی‌خواه و جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های سیاسی ایران، هیچ راهی جز مبارزه در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی ندارند.

امروز شرایط ترکیه تغییر کرده است. این تحولات بر جنبش آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی، جنبش چپ و کمونیست تاثیر می‌گذارد. باید بر همبستگی هر چه عمیق‌تر و اتحاد هر چه گسترده‌تر مردم کرد و ترک و ارمنی و علوی و غیره و همه نیروهای آزادی‌خواه و پیشرو تاکید ورزید. این وحدت و همبستگی، نه تنها امید مردم ترکیه، بلکه حتی امید مردم منطقه برای رسیدن به یک دنیای بهتر، آزادتر و برابرتر است. وحدت انسانی و طبقاتی و شرایط برابر و دموکراتیک، باید جایگزین وحدت ملی و مذهبی در خاورمیانه شود.

بی‌تردید هر هدفی از خواسته‌های راه مبارزان آزادی و برابری و عدالت، در این جهان هستی دارای یک قدر و مرتبه‌ای است که برای رسیدن به آن بایست بهای لازم آن را پرداخت کرد. یعنی به میزان مبارزه، تلاش و به میزان قدرت طبقاتی که همگی برای رسیدن به اهداف انسانی به‌عنوان بهای لازم محسوب می‌شوند.

اگر ما آزادی را حق مسلم و بنیاد بشریت، بنیاد فضیلت انسان و جامعه آزاد بدانیم آن‌گاه نمی‌توانیم بی‌تفاوت شاهد نابرابری بین انسان‌ها باشیم. هیچ انسانی و نیرویی

نمی‌تواند فردیت و حقانیت خودش را به دست بیاورد بدون این که به آزادی و برابری و عدالت اجتماعی بی‌توجه باشد.

اختلاف در این مورد از همان قرن هجدهم شروع شد زمانی که روشنگران در مورد قانون بنیادین حقوق طبیعی انسان وارد بحث و گفت‌وگو شدند. جان‌مایه حقوق طبیعی چه بود؟ تاکید کردند انسان برابر زاده می‌شود.

این حرکت به‌ویژه در دوران انقلاب فرانسه و اعلامیه حقوق بشر و حق شهروندی اوج گرفت. آزادی و برابری، هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. به‌طور دیالکتیکی هم با هم مرتبط هستند. وجود یکی بدون دیگری ممکن است ولی کافی نیست و نمی‌تواند متضمن توسعه پایدار، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی باشد.

همه آن‌چه که گفته شد نقاط ضعف و قوت آقای عبدالله اوجالان و حزب کارگران کردستان در یک دوره تاریخی بلندمدت حدود نیم قرن است. قطعا در دوره‌هایی آقای اوجالان و حزبش دچار تزلزل و ضعف‌هایی شده و انتقاد هم به آن‌ها وارد است. اما نقد و دیدن ضعف‌ها و کمبودها با افشاگری و تمامیت‌خواهی تک‌بعدی بسیار متفاوت است. نقد اشتباهات و کمبودها و ضعف‌ها با هدف تقویت یک جنبش و یا یک تئوریسن صورت می‌گیرد اما افشاگری و یا ندیدن نقاط مثبت و یک‌طرفه فول گرفتن به جنبش‌های اجتماعی-سیاسی و به رهبری آن‌ها، لطمه می‌زند و از بیخ و بن آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. چنین نگاهی بسیار مخرب و غیرسازنده و خصمانه است.

در عین حال، بت‌ساخت از آقای اوجالان و کیش شخصیت، برای خود وی و هم برای جنبش انقلابی مردم کرد مضر است. چرا که کیش شخصیت یا «پرستش فرد»، به وضعیتی اشاره دارد که در آن فرد، اغلب یک رهبر سیاسی یا مذهبی از خود و یا طرفداران آن‌ها، با استفاده از رسانه‌ها و تبلیغات، تصویری قهرمانانه و

بی‌نقص از رهبر و پیشوایشان ارائه می‌دهند. نتیجه چنین کاری، قبل از همه این است که مردم به او وابستگی اغراق‌آمیزی پیدا می‌کنند نه واقعی. حتی همچون انسانی سراسر وارسته بی‌هیچ کم و کاستی و خطا معرفی می‌گردد. در حالی که هر فرد و شخصیت و تئوریسن و رهبری به دلیل فعالیت‌هایش، گاهی نیز دچار خطا و تزلزل و تناقض می‌گردد. تنها کسانی دچار اشتباه نمی‌شوند که کاری انجام نمی‌دهند. انسان فعال و پرکار و پرتلاش، گاهی اشتباه هم می‌کند و مورد انتقاد هم قرار می‌گیرد. چرا که او انسانی واقعی است با همه پیروزی‌ها و شکست‌ها، با همه رنج‌ها و خوشی‌ها و...

«کارل مارکس»، «فرنان برودل» مورخ فرانسوی و «امانوئل والرشتاین» مورخ اقتصادی چپ آمریکایی بیش‌ترین تاثیر را بر جهان‌بینی نظری «عبدالله اوجالان» دارند. اوجالان با تاثیرپذیری از «مارکس»، «کالا» و «کالایی شدن» را مقوله اصلی تمدن می‌داند.

اوجالان با اشاره به نظرات «بوکچین» به‌عنوان نمونه‌ای از چگونگی ایجاد جوامع زیست‌محیطی در شهرها اشاره می‌کند. فعالیت‌های اقتصادی، متناسب با ماهیت هر شهر و نه برای سود، در واحدهایی با اندازه بهینه سازماندهی می‌شوند که هدف آن از بین بردن بیکاری و فقر جمعیت شهر است. جمعیت را می‌توان بر اساس ساختار و قابلیت‌های آن در این واحدها توزیع کرد. اوجالان در این‌باره گفته بود اقتصادی که در چارچوب بوم‌شناسی و نیازهای اساسی ساخته شود، منجر به غلبه بر بیکاری، تولید بیش از حد و ناقص، تضاد بین کشورها و مناطق کمتر توسعه‌یافته و بیش‌تر توسعه‌یافته، شکاف شهری-روستایی، شکاف طبقاتی و بحران‌ها و جنگ‌های اقتصادی خواهد شد.

در نتیجه ایدئولوژی «آپوئیستی»، او به‌طور مستقیم از نظریات «موری بوکچین» فیلسوف سیاسی سوسیالیست و نظریه‌پرداز آمریکایی که به‌دنبال حذف سرمایه‌داری از طریق مفهوم «شهرداری آزادی‌خواهانه» بود، الهام گرفته شده است. طبق نظریه او، شهرداری‌های کنفدرالیسم دموکراتیک «دولت-ملت» را رد و یا متعادل می‌کنند، در آن صورت سرمایه‌داری به‌طور طبیعی ناپدید می‌شود و شهرداری‌ها منابع اقتصادی کلیدی را مصادره کرده و اقتصاد را «تابع» نظارت خود قرار می‌دهند و بدین ترتیب، طبق این تحلیل، اقتصاد آن را تحت مالکیت جامعه در می‌آورند. اوجالان به نظرات «بوکچین» درباره «اکولوژی اجتماعی» اشاره می‌کند. «بوکچین» به‌عنوان نظریه‌پرداز ضد سرمایه‌داری شناخته شده بود و از تمرکز زدایی در جامعه حمایت می‌کرد و همراه با آن، به مسائل زیست‌محیطی و رویه‌های دموکراتیک اهمیت می‌داد.

«بوکچین» به تنش میان دو جنسیت و تاثیر آن در اقتصاد اشاره داشت، اوجالان نیز به نقش زنان در اقتصاد توجه دارد. شاید البته آن چه اوجالان درباره نقش زنان در اشکال اولیه اقتصاد ذکر کرده به نظریات «فردریش انگلس» در کتاب «منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت» آن را به شکلی تفصیلی‌تر در سال ۱۸۸۴ میلادی بیان کرده بود، نزدیک‌تر است.

انگلس در آن کتاب می‌نویسد: «از یاقوت‌ترین ایده‌های به ارث رسیده از روشنگری سده هجدهم آن است که از همان بدو تشکیل جامعه، زن برده مرد بوده است.» انگلس در آن کتاب، نوشته که انسان‌های اولیه در جوامع غیر سلسله‌مراتبی زندگی می‌کردند و در آن زنان سرکوب نمی‌شدند.

عبدالله اوجالان، مفهوم کنفدرالیسم دموکراتیک را به‌عنوان جایگزینی برای دولت-ملت مطرح کرد و بر خودگردانی دموکراتیک محلی، پذیرش کثرت‌گرایی فرهنگی،

همزیستی مسالمت‌آمیز، برابری و عدالت تمرکز داشت. این مدل الهام‌بخش تعداد زیادی از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی بوده است که به‌دنبال فراتر رفتن از ایده یک دولت-ملت متمرکز است. مدلی مبتنی بر خودگردانی و همزیستی مسالمت‌آمیز بین دو جنسیت که نیروهای مسلح کُردی 13 سال است در شمال شرق سوریه، در حال اجرای آن هستند.

در نتیجه، از دید اوجالان سرمایه‌داری تمام ارزش‌های اخلاقی جامعه را از بین برده و فردیت را در مرکز قرار داده است.

تا آن‌جا که به ساختار حزبی پ‌ک‌ک برمی‌گردد بسیار سفت و سخت است. این حزب بسیار ساختارمند، منسجم، متشکل و دارای چارچوب حزبی بسیار محکم و با آموزش‌های فوق‌العاده سخت و سنگین جنگ چریکی و مبارزات مسلحانه و سیاسی همراه است تا جایی که هر فرد بین ۲ تا ۵ سال باید آموزش مبارزه مسلحانه و آموزش سیاسی و ایدئولوژیکی ببیند و علاوه بر آموزش سخت مبارزه مسلحانه و چریکی، فرد باید آموزش‌های بی‌سابقه سیاسی-نظری را هم تجربه کند. شاید همین دیسیپلین و آموزش، باعث شده است که این حزب یک جنبش عظیم میلیونی را رهبری کند و حدود پنج دهه در مقابل قوی‌ترین و بزرگ‌ترین ارتش ناتو در منطقه بحرانی خاورمیانه بایستد.

در چنین روندی، طبیعی‌ست که کسانی چه از موضع راست و یا چپ به مواضع اوجالان انتقاد داشته باشند اما همان‌طور که اشاره شد نقد و انتقاد با توهین و دروغ، تفاوت اساسی دارد. امروز برخی جریانات چپ از جمله ایرانی، بدون این که به همه مواضع سیاسی و اهداف پ‌ک‌ک و اوجالان توجه کنند چشم خود را می‌بندند و هرآن‌چه که به دهانش می‌آید به ناردست به سوی آن‌ها پرتاب می‌کنند. آن‌ها حتی تفاوتی به ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین اقلیم کردستان عراق و

روژ آوا (کردستان سوریه) نمی‌گذارند. چنین شیوه‌هایی نه تنها موثر نیستند بلکه مخرب و ویرانگر و تفرقه‌انداز هم هستند.
مطلب با شعری از ناظم حکمت، شاعر نامی ترک به پایان می‌برم:

اگر وطن ...

اگر وطن، از گرسنگی تلف‌شدن در طول جاده‌هاست،
اگر وطن، مثل سنگ از سرما لرزیدن و از تب به خود پیچیدن است،
اگر وطن، نوشیدن خون سرخ ما در کارخانه‌های شماس،
اگر وطن پنجه‌های ارباب‌هایتان است،
اگر وطن، حکومت نظامی است،
اگر وطن، باتوم پلیس است،
اگر وطن، رها نشدن از عفونت و گندیدگی شماس،
من خائن به وطن هستم.
(ناظم حکمت)

ضمایم:

*جمیل بایک: مسئله ما آزادی رهبر آپو است

جمیل بایک گفت: «مسئله اساسی ما این است که رهبر آپو بتواند در شرایطی آزادانه کار کند. باید این مورد را به مسئله اساسی مبدل کنیم. لازم است در ترکیه این را به موضوع اساسی تبدیل کنیم. ما آزادی رهبر آپو را به مثابه آزادی جامعه کرد می بینیم.»



جمعه ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۵

در بخش پایانی مصاحبه روزنامه ینی یاشام با ریاست مشترک شورای اجرایی کنفدرالیزم جوامع کردستان (کجک)، جمیل بایک، این موارد بیان شدند:

در نمونه های جهانی در مورد جنگ و روندهای رهیافت، در پایان سلاح به زمین گذاشته می شود. اما در این جا وضعیتی برعکس صورت گرفت، چرا؟

رهبر آپو کاری که دیگران در جهان انجام می دهد را اساس نمی گیرد. جنبش های این چنینی در تمام جهان، از میان برداشتن سلاح ها را برای پایان کار می گذارند. رهبر آپو آن را به اولین کار مبدل کرد. در واقع همه تعجب می کنند. یعنی در حالی که هر کسی در پایان این کار را می کند، چرا رهبر آپو، آن را اول انجام داد؟

این نیز روش رهبر آپو برای به راحل رساندن مشکلات است. روش برخورد با وقایع است. از زاویه دیگری تماشا کردن است، شیوه رفتار است. برای رهبر آپو، معیار اساس می‌باشد. آرمان وی و معیارهای این آرمان وجود دارند. برخورد دگماتیک (قالب‌گرا) در تفکر رهبر آپو جایی ندارد. به هدف خود می‌نگرد، چیزی که به آن هدف خدمت می‌کند را اساس می‌گیرد. نمی‌گوید اول چه صورت گرفت، بعدا چه شد. حتی گاهی انتقاد می‌کند. می‌گوید «شما چرا این‌گونه با معیار حرکت نمی‌کنید تا این اندازه در جزئیات گیر می‌کنید. شما من را هم به آن مشغول می‌کنید، من را به آن‌جا می‌کشانید، باید اینکار را نکنید.» کسی که به اندازه رهبر آپو، واقعیت دولت ترکیه و جامعه ترک را بداند، وجود ندارد. بسیار خوب هم می‌داند که مسئله کرد چگونه مسئله‌ای است. بسیار خوب بر نیروی سازنده اجتماعی کورد، شخصیت وی و نیروی ذهنیت آن واقف می‌باشد. می‌داند که این مسئله چرا تا این اندازه بدون رهیافت باقی مانده است. چه کسانی این مسئله را درست کردند، چرا درست کردند و چرا نمی‌خواهند این مسئله را به راحل برسانند؛ همه این‌ها را به خوبی می‌داند. رهبر آپو تلاش می‌کند تا در این‌جا یک رهیافت را ببیند. می‌خواهد کردهای بدون تاریخ را به یک تاریخ برساند. می‌خواهد برای کردها جایگاهی را ایجاد کند. می‌خواهد آینده کردها را ایمن کند، زیرا خطراتی وجود دارد. هراندازه هم که موجودیت کردها و نیروی شکست‌ناپذیرشان اثبات شده باشد، این بدان معنا نیست که کردها از جنگ نجات پیدا کرده‌اند. رهبر آپو قصد دارد به تمامی، زمینه جنگ را بیرون برد. اگر بتواند این کار را انجام دهد، امنیت آینده کردها را تامین کرده است. بدین صورت برای عملی کردن این هدف، برایش این مشکل نمی‌باشد که کدام گام اول یا آخر برداشته شده است. ایده سوسیالیسمی که از سوی رهبر آپو

توسعه داده شده است نیز متفاوت است. باید آگاه باشیم. سوسیالیست‌های بسیاری، درک رهبری از سوسیالیسم را نیز برعکس می‌بینند.

بله بحث‌هایی وجود دارد، چگونه سوسیالیسمی؟

این‌که بحث و گفت‌وگو وجود داشته باشد، چیز خوبی است. اکنون رهبر آپو در میان طرفین سوسیالیست، کسانی را نزدیک به خود و کسانی را دور از خود، نمی‌بیند. خطی که تمام سوسیالیست‌ها را دربر بگیرد را اساس می‌گیرد. بر همین اساس پیشرفت ایجاد می‌کند. عده‌ای دولت را اساس می‌گیرند، برخی نیز علیه دولت، کنفدرالیسم دموکراتیک را اساس می‌گیرند. رهبر آپو می‌خواهد تمامی این موارد مورد بحث و گفت‌وگو قرار بگیرند. نمی‌گویند این متعلق به سوسیالیسم است، آن متعلق به سوسیالیسم نیست. گفت‌وگو خوب است. باید توسعه داده شود. انتقاد نیز وجود داشته باشد. پیشنهاد نیز وجود داشته باشد. رهبری همین را می‌خواهد. می‌خواهد با این روش خط سوسیالیسم و جنبش را توسعه دهد؛ می‌خواهد جنبشی سوسیالیست را سرپا آورد، تلاش می‌کند تا جنبش سوسیالیست را به نیرو مبدل کند. یعنی روش رهبری رهبر آپو کمی متفاوت است. می‌گویند من تلاش کردم تا درک روش رهبری را درست کنم، چیزی که شما آن را درک نمی‌کنید این است.

به نظر شما با گفتن شما من را درک نمی‌کنید، می‌خواهد چه بگوید؟

انتقاد می‌کند. علت این انتقادات رهبری این است که رهبر آپو در کدام شرایط، مبارزه و سازماندهی را توسعه داده و این امر نتایجی چگونه را ایجاد کرده است. می‌گوید، باید این موارد درک شوند.

خود وی نیز بحث می‌کند که رهبری به چه معناست، برای این‌که درک شود...

درست است، توجه داشته باشید، افراد بسیاری به‌جز رهبر آپو در کردستان مبارزه کردند، سرکردگی کردند. عاقبت بسیاری از آنان، با قتل عام و تبعید به پایان رسید.

هیچ‌کدام از آنان، مثلاً تاریخی به نام تاریخ کردها را به منصفه ظهور نرساند. اما رهبری، تاریخ کردها را به منصفه ظهور رساند. مشخص می‌کند که مبارزه پکک نیز بر اساس این تاریخ توسعه می‌دهد. اگر تو بخواهی یک خلق را نابود کنی، باید آن را از تاریخش جدا کنی. رهبر آپو می‌خواهد موجودیت کردها، نیروی شکست‌ناپذیرشان را به منصفه ظهور برساند؛ برای همین هم از پابندی و ارتباط خود با تاریخ کردها، حفاظت می‌کند. از چه صیانت می‌کند؟ از خلقی که امیدش را از دست داده است صیانت می‌کند. از ملت و جامعه‌ای از هم پاشیده و به زمین افتاده صیانت می‌کند. از سوسیالیسم از هم پاشیده صیانت می‌کند. زمانی‌که هیچ فرصت و امکاناتی وجود ندارد، فرصت و امکانات بزرگی را می‌آفریند. جنبش را به وضعیتی می‌آورد که نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح بین‌المللی امید می‌آفریند. چگونه تمام این موارد را به وجود آورد؟ باید درک کنیم که با نگرش، فلسفه، ایدئولوژی و روشی جدید ایجاد شده‌اند. چیزی که درک نمی‌شود، این است. مثلاً می‌گوید شما بسیار کار می‌کنید. ممکن است شما از من هم جسورتر باشید، فداکار باشید اما چیزی که شما انجام می‌دهید نتیجه‌ای به‌خصوص به دنبال ندارد. تفاوت ما در این‌جاست.

انسان لازم است به شیوه‌ای صحیح توجه داشته و خود را وقف هدف کند؟ چه می‌خواهد بگوید؟

اگر تو خود را وقف هدف کنی، تو برای عملی کردن آن هدف همیشه در تفکر خواهی بود. تو گام‌هایی مطابق آن را برمی‌داری. رهبری، جامعه کرد و انسان‌های کرد را به خوبی می‌شناسد. هدفی این‌چنین بزرگ در میان کردها نیست. یعنی به شیوه‌ای که هر چیز خود را وقف خدمت به این هدف کرده و این‌گونه زندگی کند، وجود ندارد. بیش‌تر روزانه است و یا تنها روی پا ایستاده است. بدین صورت هم

اکثراً فریب می‌خورد، درواقع فکر استراتژیک وجود ندارد. چیزی که رهبری بیان می‌کند، این است، «من استراتژیک فکر می‌کنم، شما استراتژیک فکر نمی‌کنید، شما تاکتیکی فکر می‌کنید، روزانه فکر می‌کنید. اما مسئله‌ای مثل مسئله کرد، با تفکری تاکتیکی به رهیافت نمی‌رسد.» چیزی که قصد دارد بگوید این است.

کردها به دلیل اینکه مدت زمان طولانی است تحت استعمارگری و نسل‌کشی زندگی کرده و چیزهای بسیاری را از دست داده‌اند، این‌گونه استراتژیک فکر نمی‌کنند. یعنی علت آن این است و به‌خاطر این‌که نمی‌خواهند فکر کنند یا این‌که بد هستند نمی‌باشد. دشمن آنان را به بازی‌های بسیاری کشانده است. به‌همین خاطر نمی‌تواند استراتژیک فکر کند، نمی‌تواند به خوبی ببیند که منافعش در کجا است. بدین صورت من می‌گویم بسیار زود قیام می‌کند، زود فکر می‌کند، بسیار زود هیجان گرفته و یا زود هیجانش از بین می‌رود. طولانی مدت نمی‌شود...

عبدالله اوجالان ۲۶ سال است که در شرایط و نظام انزوای تحمیلی امرالی، بخاطر این تفکرات توانست سرپا بماند؟

زیرا استراتژیک فکر می‌کند، خود را وقف هدفش کرده است و به‌خاطر این‌که از آن جدا نشود، سرپا مانده است.

همیشه می‌گوید «من روزی ۴۰ بار خود انتقادی انجام می‌دهم. خود را نو می‌کنم، بروی پا می‌ماندم.» کسی که پایبند به استراتژی هدف خود باشد، این‌گونه زندگی می‌کند و زندگی می‌دهد. چیز دیگری در این‌چنین شرایطی غیرممکن است. موردی دیگر هم که بیان می‌کند این است «نگاه کنید زمانی‌که من کار می‌کنم، چگونه دشمن مقابلم را ضعیف می‌کنم، چگونه تنه‌ایش می‌گذارم تا بتوانم انجام بگیرم؟ اما شما دشمن مقابل‌تان را قوی می‌کنید، این‌گونه کار می‌کنید. شما کم نمی‌کنید، ضعیف

نمی‌گردانید حتی شما آن را هوشیار می‌کنید، آن را به سوی خودتان روانه می‌کنید. بدین شیوه شما نمی‌توانید نتیجه‌ای بدست آورید.» یعنی زمانی که بیان می‌کند شما من را درک نمی‌کنید، از این موارد بحث می‌نماید. رهبری با روش خود تنها جنبش را به گام برداشتن وا نمی‌دارد، بلکه کسی که در مقابلش قرار دارد را نیز به گام برداشتن وامی‌دارد.

ممکن است عده بسیاری این مورد را ندانند؛ زمانی که سازمان در داخل ضربه خورد، رهبر آپو گفت: «ما دیگر نمی‌توانیم در داخل آن را به راحل برسانیم. باید به خارج بیاییم، در خارج فرصت ایجاد کنیم، خواهیم توانست تا این مشکل را به رهیافت برسانیم.» در خارج نیز هیچ ارتباطاتی نداشتیم. تنها در شهر کوبانی بستگان یک رفیق اهل پرسوس وجود داشت. بجز او دیگر هیچ‌کس نبود. رهبر آپو همراه آن رفیق به دیدار آن خانواده رفت. خانواده از آن رفیق پرسیده بود: «این چه کسی است؟ شما با هم آمده‌اید» رفیق هم می‌گوید، از فامیل‌های من است، خانواده هم در جواب می‌گوید که «ما چنین فامیلی نداریم.» رهبری در چنین شرایطی به خارج رفت. آن خانواده را سازماندهی کرد. با همان خانواده تا به دمشق رسید. آن هم در زمانی که در حمص قتل‌عام انجام می‌شد. شرایطی بسیار خطرناک بود. در آن‌جا در فلسطین مستقر شد. در فلسطین برای آموزش به برخی از رفقا، کمک خواست. نخواست که گروه به داخل فلسطین برود. اما از جنبه سیاسی جواب نه دادند. برای این‌که به سوریه بروند هم باید شناسنامه می‌دادند، اما ندادند. اگر تو می‌توانی معنا بدهی. فکر می‌کنند ما معنا نمی‌دهیم. نظر آنان این بود که کورد جاسوس هستند. چرا؟ زیرا بارزانی با موساد و سیا کار می‌کند. حول آنان هم تمام کردها این چنین هستند. مورد دیگر هم این‌که نامه‌ای که احزاب کمونیست در رابطه با ما برای آنان

فرستادند وجود دارد. به شوروی تکیه کرده و آن‌گونه زندگی می‌کردند. درباره ما هر آن‌چه که نمی‌توان بدان فکر کرد را گفتند. زیرا من ارتباطات ایجاد می‌کردم.

چه می‌گفتند؟

می‌گفتند آمریکاگرا هستند. آنان خود به شوروی تکیه کرده و خود را سازماندهی می‌کردند، ما را هم به تفکرات آمریکایی متهم می‌کردند. مطابق فکر آنان ما به طریقی خود را سازماندهی کرده و برای آنان تهدید هستیم. همچنین با دشمنان کردها هم رابطه داشتند. در آنزمان من و رفیق عباس در شهر رها بودیم. رهبری به ما گفت یک گروه برای آموزش برای من بفرستید. ما شوکه شده بودیم. علی‌رغم این‌که در خارج هیچ ارتباطی نداشتیم چگونه توانسته بود ارتباط ایجاد کند؟ از آن‌جایی‌که رهبری از ما خواسته بود، ما هم بدان باور داشتیم و گروهی را فرستادیم. با خود گفتیم احتمالا مواردی وجود دارد که ما در جریان آن نیستیم. رهبری از راه همان خانواده‌ای که ارتباط گرفته بود، خود را به فلسطینی‌ها رسانده بود. فلسطینی‌ها دیدند که رفقا آمده‌اند، مجبور ماندند که قبول کنند. ارتباط ما و فلسطینی‌ها این‌گونه توسعه پیدا کرد. آنان را ناچار کرد. در سوریه نیز به همان شیوه صورت گرفت. رهبر آپو دوباره با همان شیوه به سوریه آن را قبولاند. یک روز، جانشین حافظ اسد با من حرف زد، گفت: «آپو، تو با ما این اردوگاه را ایجاد کردی، حلالیت باشد.» چرا؟ زیرا بسیاری از آنان کرد بودند، برای دولت سوریه کار می‌کردند، رهبر آپو تمامی آنان را به خدمت جنبش درآورد. هر کاری را که انجام دادیم، بدست آنان انجام دادیم. جانشین حافظ اسد گفت: «تو زیر پای ما صابون انداختی.» مثلا در سوریه یک مکتب مرکزی حزب‌مان وجود داشت. آن با اجازه درست نشده بود. ما از یک مزرعه آن را به یک مکتب حزبی مبدل کردیم و سپس کاری کردیم تا مورد قبول

واقع شود. روش رهبری چنین است. من مثالی دیگر می‌آورم. رییس اتحاد رنج، تسلیم توره بود. قبل از مرگش نامه‌ای برای ما نوشت. می‌گوید که رهبری بدون اینکه به کسی بگوید، موارد بزرگی را به پیروزی رسانده است. شیوه آن انسان‌ها را عصبانی نمی‌کند، اما نتیجه آن بسیار متفاوت است. می‌گوید: «تنها رهبر آپو می‌تواند جنبش سوسیالیست در جهان را قوی کند؛ اگر در این زمینه نقشی را به من بدهد، آن را عملی می‌کنم.» روش این است. از هیچ‌کس چیزی نمی‌خواهد؛ شیوه آن ناچار می‌کند که مقابلش گام بردارد.

شیوه‌اش نتیجه‌بخش است...

بله، رهبر آپو چرا به وضعیت سوریه نگریست؟ در آن زمان اخوان المسلمین تلاش می‌کردند با کمک ترکیه و ناتو سوریه را دور کنند. برای این‌که این کار را انجام بدهند، می‌خواستند کردها را در سمت خود داشته باشند. اگر کرد با آنان می‌بود، آن رژیم یقیناً فرومی‌پاشید. در آن زمان نیز نیت فروپاشاندن رژیم وجود داشت. رهبر آپو این امر را دید. چکار کرد؟ سوریه نیرویی آنچنانی در مقابل ترکیه نداشت. رهبر آپو سوی کردها را به باکور معطوف کرد. هزاران مبارز را به وجود آورد، با چنین شیوه‌ای که سوریه نمی‌توانست آن را عملی کند، در مقابل ترکیه ایستاد. سوریه مشکلاتی با ترکیه داشت. ترکیه یک عضو ناتو است و شوروی نیز می‌خواست از راه اخوان المسلمین آن را دور کنند. رهبری نگذاشت که کردها با اخوان المسلمین یکی شوند و با کردها از آن جلوگیری کرد. رهبری این وضعیت را به خوبی ارزیابی کرد. آن گام را برداشت. برای همین هم سوریه نتوانست چیزی بگوید. در پایان ناچار ماندند که قبول کنند. اگر نه، نمی‌گذاشتند رهبری تا بدین اندازه کار کند.

در شرایط امروزی زمانی که ما از فلسطین و کردها صحبت به میان می‌آوریم، از دو هویت بدون دولت بحث می‌شود. در جهان امروزه که بدان نگاه می‌کنیم، شاهد سومین جنگ جهانی در سده ۲۱ می‌باشیم که کردها در مرکز بدون هویت ماندن، بدنبال موقعیت (استاتو) هستند و در میان جنگ‌های اقتدارگرایانه به‌مثابه بزرگترین بازیگران و رهیافت، مقاومت می‌کنند. این امر نیز رهنمود نوین پارادایم را به منطقه و خاورمیانه می‌آورد. آیا عبدالله اوجلان با تمام مواردی که شرح داده است، این امر را به نقطه‌ای جداگانه رسانده است؟

بله، در وضعیت موجود نیز، رهبر آپو تنها برای خلق کرد پیشاهنگی نمی‌کند؛ بلکه برای خلق‌های خاورمیانه و نیروهای سوسیالیسم، آزادی و دموکراسی در جهان نیز مبارزه می‌کند. موقعیت رهبری اکنون در چنین سطحی قرار دارد. به‌همین خاطر لازم است جنبش نیز مطابق این موقعیت حرکت کند. به عبارت دیگر، گام‌هایی که برداشته می‌شوند باید به این هدف خدمت کند. در واقع به دلیل این‌که این پارادایم را توسعه داده است. اکنون نیز کوشش می‌کند سیستم این پارادایم را توسعه بدهد. برای همین هم برای مثال آکادمی علوم اجتماعی و آکادمی مدرنیته دموکراتیک را توسعه داد. ما تلاش می‌کنیم، کار و کنش‌های سوسیالیستی که رهبر آپو مناسب می‌بیند را عملی کنیم. برای این‌که طرفین چپ‌گرا در آکادمی علوم اجتماعی به تفکر، تامل و گفت‌وگو بپردازند، ما کار خواهیم کرد. زیرا این فعالیت به چنان سطحی می‌رسد که ما کادرهای آن را نیز توسعه بدهیم. از سوی دیگر نیز جناح‌هایی که از ما حمایت می‌کنند و می‌خواهند با ما کار کنند اما به مشارکت انترناسیونالیست سوسیالیست در نیابند نیز وجود دارند. ما شیوه‌ای از کار و کنش بر اساس پیش‌برد و قوی‌تر کردن ارتباطات با آنان را نیز اساس گرفتیم.

پکک به کار و فعالیت‌هایش پایان داد، تغییر می‌یابد و متحول می‌شود... سلاح‌ها بر زمین گذاشته می‌شود، حالا چه خواهد شد؟ کسانی که در کوهستان‌ها هستند چگونه در سیاست دموکراتیک مشارکت خواهند کرد؟ جمیل بایک چه خواهد کرد؟ دوران کالکان و مصطفی کاراسو چه خواهند کرد؟

من در ابتدا هم گفتم. این جنبش به شیوه‌ای فلسفی، ایدئولوژیک، حیات و مبارزه‌اش را انجام می‌دهد. قبلاً هم اینچنین بود تا به پایان نیز این‌گونه و به همین شیوه خواهد بود. حزب وجود داشت یا نه، جنگ مسلحانه وجود داشت یا نه، این امر چیزی را برای ما تغییر نمی‌دهد. ما هدفی داریم و بر اساس این هدف حرکت می‌کنیم. ما راه و روش را برای آن توسعه دادیم. برای همین هم ما زمان‌هایی، آتش‌بس اعلام کردیم، توافق کردیم و زمانی‌که به نتیجه نرسیدیم، دوباره مبارزه مسلحانه را شروع کردیم. اکنون یک استراتژی را در مقابل خود قرار داده‌ایم و تلاش می‌کنیم بنیادهای آن را عملی کنیم. ما از مبارزه دست‌بردار نشدیم. اگر ترکیه قوانین خود را تغییر دهد، ما نیز به آن‌جا خواهیم رفت. اگر این‌کار را نکند، ما نخواهیم رفت. ما به مبارزه ادامه می‌دهیم.

شما آماده هستید که در خارج از کوهستان‌ها در کار و فعالیت‌های سیاست دموکراتیک جای بگیرید؟

البته که ما در هر جایی مبارزه را ادامه خواهیم داد. وابسته به زمینه نیستیم. هدف ما آزادی است، چه بخواد، ما مطابق آن حرکت می‌کنیم. ما در هر جایی که کار کنیم باید به‌سوی آن هدف حرکت کنیم. از جانب ما هیچ مشکلی وجود ندارد.

شما اکنون بیان می‌کنید که در مبارزه‌تان از سلاح به‌مانند یک ابزار استفاده کرده‌اید؟

رهبر آپو چه گفت؟ باید ابزاری که به هدف خدمت کند وجود داشته باشد، لازم است ابزار و هدف یکدیگر را تکامل بخشند. اگر ابزار به هدف خدمت نکنند، لازم است بکار گرفته نشوند. سلاح برای مدتی به هدفی خدمت کرد. دیگر در خدمت آن هدف نیست. به همین خاطر هم باید از میان برداشته شود. چیزی که لازم بود و می‌بایست با سلاح انجام شود، انجام شد. از حالا به بعد لازم است مرحله به مرحله از بین برود. باید راه‌های دیگر نیز فعال شوند. برای همین هم ترکیه نقش دارد. لازم است در قانون خود تغییراتی ایجاد کند. تا جامعه‌ای دمکراتیک سازماندهی شود و بتواند توسعه یابد. اگر در این زمینه گام‌هایی بردارد، هیچ مشکلی روی نخواهد داد؛ اگر این را عملی نکند، برای این‌که گام بردارد، مبارزه خواهیم کرد.

سوی دیگر نیز چنین است؟

بله، یعنی ما از مبارزه دست‌بردار نمی‌شویم. ما هرگز از آن دست‌بردار نخواهیم شد. ما انسان‌های مبارزه هستیم. لازم است خلق‌مان این را بداند. ما مبارزه‌ای را انجام دادیم و ارزش‌های بزرگی را آفریدیم. تلاش می‌کنیم تا بر همین اساس، ارزش‌های بزرگتری خلق کنیم.

شما می‌گویید هنوز هم، با هر ابزاری از موجودیت‌تان دفاع خواهید کرد؟ چه سختی و دشواری‌هایی در مقابل شما وجود دارد؟

همگان این را می‌دانند. ممکن است برخی بگویند از مبارزه دست‌بردار شده و تسلیم شدند. این امر چیزی را برای ما بیان نمی‌کند. باید خلق‌مان نگران نباشد. همیشه

سختی و دشواری وجود داشت و هر زمان مطابق خودش دارای سختی‌هایی هم می‌باشد. مورد صحیح، این است که دشواری‌های این زمانه بزرگتر می‌باشند. اما ما یک راهپیمایی را شروع کردیم تا این سختی و دشواری‌ها را به رهیافت برسانیم؛ این امر در مقابل ما قرار دارد. ما خلق‌مان را بدون سازماندهی باقی نخواهیم گذاشت، چنین چیزی غیرممکن است. ما می‌دانیم که بدون سازماندهی در کردستان حتی یک برگ هم تکان نمی‌خورد.

شما گفتید بدون سازماندهی حتی یک برگ هم نمی‌لرزد، منظور شما سازماندهی و قوی بودن خلق کرد است؟

بی‌گمان مورد اساسی، سازماندهی کردن جامعه و خوددفاعی جامعه می‌باشد. سازماندهی کمونال در اساس خود یک شیوه دفاع ذاتی است.

به نظر شما جامعه سازماندهی کمونال را به تمامی درک کرده است؟

جامعه به تمامی آن را درک نکرده است. حکومت موجود در ترکیه همیشه آنتی کمونالیسم و ملی‌گرایی را توسعه داده است. در میان جامعه، مخالفتی علیه سازماندهی چپ وجود دارد. در فکر نیز یک شکل‌گیری ذهنی صورت گرفته است، اما جامعه کرد دارای مزیت‌هایی است. بخشی از آن که از تاریخ نشأت گرفته است و به جامعه خدمت می‌کند وجود دارد؛ اگر نه خیلی وقت پیش کردها نابود می‌شدند.

مقاومتی با مزیت؟

خلق که هم مقاومت می‌کند و هم اجتماعی شدن را توسعه می‌دهد، خلقی است که به آن خدمت می‌کند. برای همین درک اجتماعی در میان کوردها قوی است. ممکن

است در مدت اخیر کمی ضعیف شده باشد، اما وجود دارد. به کارهایی که رهبر آپو انجام می‌دهد اعتقاد و اطمینان وجود دارد. می‌گویند: «ما به رهبرمان اعتقاد داریم، هر کاری که رهبرمان بگوید انجام خواهیم داد.» اما در مقابل دولت بی‌اعتمادی وجود دارد. به آنان اعتماد ندارند. آیا دولت گامی برمی‌دارد؟ اگر گامی بردارد، چگونه خواهد بود؟ آیا مثل آن چیزی که رهبری می‌گوید خواهد آمد یا نه؟ مواردی که مصداق دارند چنین می‌باشند.

شما می‌گویید که باید دولت را خوب شناخت... عبدالله اوجالان نیز گفته بود، اگر عقلانیتی دولتی که به سمت رهیافت می‌رود وجود داشته باشد، ما مسئله را به راه حل می‌رسانیم. امروز در این روند که دولت باغچلی سرکردگی آن را انجام می‌دهد نه دنیا از هم پاشید و نه قیامت به پا شد. زبان نیز به تمامی به زبان صلح مبدل نشده، ما در چه روندی قرار داریم؟

در اساس خود، کسی که در ترکیه ملی‌گرایی را توسعه داده است، دولت باغچلی می‌باشد. زمانی که موضوع آنان باشد، قیامت برای آنان به پا می‌شود. باغچلی این امر را به خوبی دیده است. دولت ترکیه و خلق ترک در معرض خطر و تهدید هستند. درست است به‌خاطر این‌که وی همیشه از ماندگاری حرف می‌زد، در ابتدا این امر را دید، برای همین هم مهم است. اکنون رهایی دولت ترکیه و خلق ترک، وابسته به کردها می‌باشد، راه دیگری وجود ندارد. برای همین هم این گام را برداشت، دلیل آن چنین است. آیا واقعا می‌خواهند مسئله کرد به رهیافت برسد یا نه، نیز موضوعی جداگانه است.

در این‌جا واقعیت مصطفی کمال را اساس می‌گیرد. مصطفی کمال نیز زمانی‌که دولت ترکیه به خطر می‌افتاد، شوروی و خلق کورد را اساس می‌گرفت. به این امر

تکیه می‌کرد، مبارزه کرد و به لوزان رفت. در لوزان چه معامله‌ای وجود داشت؟ از شوروی دست‌بردار شو، از کردها دست‌بردار شو و ما تو را به رسمیت خواهیم شناخت. زمانیکه لوزان مورد قبول قرار گرفت، از شوروی و کردها دست‌بردار شد و سپس به یک عضو ناتو مبدل شد. علیه کوردها کاری را که در جریان هستی انجام دادند. باغچلی این امر را می‌بیند، در زمان‌های جداگانه‌ای می‌باشند اما وضعیتی مشابه می‌باشد. به‌خاطر همین گام برداشتند. مبارزه ما آنان را به چنین وضعیتی کشاند که با مسائل روبرو بمانند. مسئله ماندگاری یا بقا را شروع کردند. مثلاً قرار بود آنان رهبری را به فراموشی بسپردند و پکک را از میان بردارند، به‌خاطر همین هم به هر چیزی روی آوردند و البته هر چقدر که این کار را انجام دادند به همان اندازه خودشان در آن غرق شدند. بلکه ممکن است که خساراتی هم متوجه ما شده باشد اما این آنان بودند که با مشکلات بزرگی روبرو شدند. همچنین همراه با تحولات در خاورمیانه نیز تفکر دولت-ملت فروپاشید. چه کسی دولت-ملت را توسعه داد؟ ترکیه و ایران. اکنون نوبت به خودشان رسیده است، اگر با کردها توافق نکنند، این امر برای آنان به بزرگترین تهدید و خطر مبدل خواهد شد. کردها در خاورمیانه به چنان نیرویی مبدل شدند که سرونوشت هرکسی را تعیین کنند. ترکیه نیز به کردها نیاز داشت، اسرائیل و ایران نیازمند کوردها شدند. رهبری نیز این امر را دید و گفت که «ما می‌خواهیم همراه شما مسئله را به رهیافت برسانیم نه با ایران و اسرائیل.» این امر به کار آنان می‌آید، چیزی که آنان را نجات می‌دهد همین است. برای همین هم گام برداشتند، رهبری برای این‌که آنان گام بردارند، حساسیت‌های آنان را از میان برداشت. همچنین تنها حساسیت‌های آنان را در نظر نگرفت و فقط اینکار را نکرد. در اساس خود به‌خاطر این‌که پکک ضربه نخورد و از بین نرود، این امر را انجام داد.

برای دفاع از موجودیت پکک و ارزش‌هایی که آفریده است و همچنین برای این‌که به هدفش برساند، گام برداشت. گفتن رهبری مبنی بر «پکک به کار و کنش‌های پایان بدهد» به همین علت است و دلیل دیگری ندارد.

اکنون در اطراف میز چه وضعیتی وجود دارد؟ جریان موجود به نفع تمام طرفین است؟

ما این همه سال مقاومت کردیم، هزینه دادیم و دچار آلام شدیم. ما تمامی این‌کارها را برای هدفی انجام دادیم، مگر ممکن است از آن دست‌بردار شویم، مگر چنین چیزی ممکن است؟

رهبری گفت: «اصرار بر سوسیالیسم، اصرار بر انسانیت است.» انسانیت در خطر است. نه تنها کرد، رهایی انسان‌ها نیز. به‌همین خاطر سطحی که رهبری آن را مدیریت می‌کند، مدیریتی تنها در چارچوب ترکیه، کردستان و خاورمیانه نیست، بلکه یک رهبری در سطح بین‌المللی می‌باشد.

آیا مسئله کرد یک مسئله بین‌المللی است؟

در واقع کسی که می‌خواهد مسئله کرد را به رهیافت برساند، مجبور است که چنین باشد. علت سخن رهبری نیز که گفته بود من را درک کنید، همین است. مسئله کرد شبیه به هیچ‌کدام از دیگر مسائل نمی‌باشد. دست بردن برای مسئله کرد به این معناست که تمام جهان را به رقیب خودت مبدل کنی. چنین مسئله‌ای است که از سوی جهان ایجاد شده است، مسئله‌ای نیست که از سوی ترکیه و ایران درست شده باشد. مسئله‌ای است که از سوی نظام هژمون به وجود آمده است. اکنون نیز

زمانی که انسان به این مسئله دست می‌برد، تمام جهان را در مقابل خود می‌گیرد. بدین معنا می‌باشد که انسان اعدام خود را در نظر بگیرد.

عبدالله اوجالان می‌گوید سیاست هنر است. چیزی که در این جا همه را شوکه کرد چه بود ؟

هم یک هنر است و هم بسیار حساس می‌باشد. هیچ کسی این امر را از رهبری، پکک، کردها و زنان کورد انتظار نداشت. چیزی که هر کسی درک نمی‌کرد این بود. چه چیزی صورت گرفت رهبری این‌چنینی، خلقی این‌گونه، چنین جنبشی و زنان کرد به منصفه ظهور برسند؟ در جایی مثل خاورمیانه که نظام اقتدار آن را تکه‌پاره کرده است و خلق را از موضوع بحث دور کرده، چگونه ممکن است چنین چیزی شکل بگیرد؟ ما به‌مثابه پکک انکار کردن کردها را فروپاشانده و نابود کردیم، کاری کردیم کردها مورد قبول واقع شوند، ما شکست‌ناپذیری کردها را نیز با جنگ خود به هر کسی قبولانندیم.

ترکیه‌ای که می‌خواست در این جنگ موفق شود، تمام نیرو و هر چیز خود را برای این‌کار بکار گرفت اما موفق نشد. زمانی که موفق نشد مشکل سنگین‌تر شده و شکست خورد. پکک پیروز شد، شکست‌ناپذیری خود را اثبات کرد، چیز دیگری که از این به بعد باقی می‌ماند، رهیافت مسئله است. در مورد راهل، پکک را به‌مثابه مانع نشان می‌دهند. آیا پکک مانع است؟ خیلی خب دیگر مانعی وجود ندارد، مسئله را به راهل برسانید.

شما می‌گویید ما موانع را از میان برداشتیم تا مسئله به راهل برسد، درسته؟

بله ما موانع را از میان برداشتیم. هیچ مانعی وجود ندارد. ما این امر را هم به ترکیه و هم به تمام جهان نشان دادیم. برای همین هم همه می‌گویند که دیگر دولت باید گام بردارد. روش سیاستی که انجام می‌شود این‌گونه است.

عبدالله اوجالان در رابطه با بسته هوزات می‌گوید که وی معادل ۲۰۰ نفر می‌باشد؟
چرا این را می‌گوید؟ زیرا ریاست مشترک است. ریاست مشترک به معنای نمایندگی تمام جنبش می‌باشد. در عین حال ریاست مشترک زن است، هم کورد است و هم اهل درسیم می‌باشد. یعنی همه چیز می‌باشد. زمانیکه گام این امر را بر می‌دارد، درواقع همه را در بر می‌گیرد. بر اساس نظر رهبر آپو، بر زمین گذاشتن سلاح از سوی پکک به اتمام رسیده است. همگان نیروی رهبر آپو، پایبندی این جنبش به رهبر آپو و مصمم بودن جنبش را دیدند. کسانی که ضد پکک هم هستند این موارد را دیدند.

به دنبال یک فراخوان، روز ۱۱ جولای مراسم خلع سلاح برگزار شد، آیا این امر تعجب برانگیز بود؟

آنان انتظار چنین امری را نداشتند؛ فکر می‌کردند که اگر رهبری چنین گامی بردارد، پکک و مردم این امر را نخواهند پذیرفت، ممکن است بخشی از پکک بپذیرد اما قطعا بخشی دیگر آن را نخواهند پذیرفت. نزد خود چنین می‌اندیشیدند که انشعاب روی خواهد داد و مشکلات زیادی پیش خواهد آمد و آنگاه ما می‌توانیم تصفیه‌گری را به انجام رسانیم. اما دیدند که برعکس، مردم، سازمان و رهبری با

یکدیگر هستند. این امر باعث شد که پیش‌بینی‌های آنان برعکس از آب درآید. ما دست رهبری، مردم و سازمان را تقویت کردیم.

آیا سخن وی مبنی بر این‌که «من به خلق و سازمان خود باور دارم. هر چه بگویم از آن حمایت خواهند کرد» و تجمعات و چنین سطحی از اجماع، تعجب برانگیز بود؟

این امر زمینه را برای چه چیزی فراهم کرد؟ زمینه را فراهم کرد که پیش‌بینی‌های آنان برعکس از آب درآید. رهبری دست خود، خلق و سازمان را قوی کرد. اکنون در جست‌وجوی راهی برای تضعیف این امر هستند. کاملاً برعکس، ما با این گام خود دست رهبری را بیش‌تر تقویت کردیم. ما دست و جایگاه خلق کرد و سازمان را تقویت نمودیم. ما کاری کردیم که ترکیه مجبور شد چنین گامی بردارد.

یعنی شما می‌گویید که مجبور به برداشتن چنین گام‌هایی شد؟

بله، البته ما باعث می‌شویم که چنین گام‌هایی بردارند. رهبر آپو صرفاً در رابطه با جنبش، تحول ایجاد نمی‌کند، بلکه در دولت ترکیه نیز تحول ایجاد می‌کند. این روش کار رهبر آپو است. در حال تحول است و در طرف مقابل نیز تغییر و تحول ایجاد می‌نماید و این‌گونه زندگی می‌کند. ممکن است به آسانی محقق نشود، اما در حال تحقق است و محقق خواهد شد. روشی که ما در پیش گرفته‌ایم، روشی است که دولت ترکیه را وادار به گام برداشتن می‌کند. یا گام بر می‌دارد و یا این مسئله به‌شکلی دیگر پایان خواهد یافت، راه دیگری وجود ندارد. شرایط ما خوب است،

ابتکار عمل در دست ما است و آنان می‌خواهند ابتکار عمل را در دست بگیرند و در صدد فریب جامعه در عرصه بین‌المللی هستند.

آیا می‌خواهند در این ابتکار عمل زیرکی به خرج دهند؟

در صدد آن هستند اما این‌که چه اندازه موفق به انجام آن خواهند بود، بسیار سخت است. کارهای دیگری هم انجام می‌دهند اما رهبری این مسئله را گفت: «آنان هر کاری هم انجام دهند، هیچ‌کس بدون دیدن من کاری انجام نخواهد داد. نه بارزانی، نه آمریکا و نه شرع.» به همین دلیل ضروری است که موقعیت و وضعیت جنبش و خلق کورد ضعیف تلقی نشود و به درستی ارزیابی گردد. اگر دچار خطا نشویم، قطعاً نتیجه‌ای عظیم کسب خواهیم کرد.

منظور شما از خطا کردن چیست؟

باید گام‌های رهبری به درستی درک شوند و به موقع تکمیل گردند، همچنین باید در برابر تقدیم ابزارهایی که نیروهای مقابل به کار می‌گیرند، دقت کنیم. اگر در قبال این مسائل دقت کنیم، چنین تلاش‌های تاکتیکی به نتیجه‌ای نخواهند رسید. آنان حتی اگر مایل نباشند، مجبور به گام برداشتن خواهند بود. باید این مسئله را به خوبی درک کنیم. اولویت اصلی ما فراهم شدن شرایط فعالیت آزاد رهبر آپو است. باید این مسئله را به موضوع اصلی تبدیل کنیم. باید افراد در داخل ترکیه نیز این امر را به دستور کار اصلی تبدیل کنند. رهبری می‌گوید: با آزادی فرد، جامعه آزاد می‌شود و با آزادی جامعه، فرد آزاد می‌گردد. ما آزادی رهبر آپو را به عنوان آزادی جامعه کرد تلقی می‌کنیم؛ این واضح است. اگر این مسئله را در رابطه با رهبر آپو به رسمیت بشناسند، مرحله بعد از آن بسیار راحت خواهد بود. نه گام‌های عملی، بلکه

باید گام‌های قانونی برداشته شود. در صورتی که گام‌ها به‌شکل عملی باشند، ممکن است بعداً همه چیز را انکار کنند. ممکن است رهبری را آزاد کنند و سپس دوباره وی را زندانی نمایند. اصلاحات قانونی، الزامی است.

دغدغه جمیل بایک چیست؟

دغدغه من، تحقق قول‌هایی است که به خلق و شهدا داده‌ام. غیر از این نگرانی دیگری ندارم. ما زندگی دیگری نداریم، در آنکارا، مسئله متفاوت بود؛ در کردستان فرق داشت، وقتی به جای دیگری رفتیم تفاوت داشت و این امر اتفاق خواهد افتاد. باید بر اساس هدف، ابزار توسعه یابد. در زندگی ما، زندگی دیگری وجود ندارد.

*متن کامل بیانیه PKK بعد از اعلام انحلال

بیانیه پایانی دوازدهمین کنگره پکک منتشر شد در این بیانیه آمده است: «کنگره با اتخاذ تصمیماتی مبنی بر انحلال ساختار سازمانی پکک و پایان‌دادن به مبارزه مسلحانه، فعالیت‌های انجام شده تحت نام پکک را پایان داد و شهادت علی حیدر کایتان و رضا آلتون را اعلام کرد.»

به گزارش رسانه‌های حزب کارگران کردستان، در ادامه این بیانیه آمده است: «فرایندی که با بیانیه ۲۷ فوریه (۲۰۲۵) رهبر عبدالله اوجلان آغاز شد، در پرتو تلاش‌های چندجانبه و دیدگاه‌های متنوع ارائه شده، با برگزاری موفقیت‌آمیز دوازدهمین کنگره حزب ما در روزهای ۵ تا ۷ می به پایان رسید.

کنگره ما با وجود شرایط دشوار ادامه درگیری‌ها، تداوم حملات هوایی و زمینی، محاصره مناطق ما و ادامه تحریم‌های حزب دموکرات کردستان (پدک)، به شکلی

امن برگزار شد. به دلایل امنیتی، کنگره به‌طور هم‌زمان در دو منطقه مختلف برگزار شد.

دوازدهمین کنگره پکک با شرکت مجموعاً ۲۳۲ نماینده، با بحث در مورد موضوعات رهبری، شهدا، جانبازان، موجودیت سازمانی پکک و روش مبارزه مسلحانه و ساخت جامعه دموکراتیک، تصمیمات تاریخی اتخاذ کرد که بیانگر ورود جنبش آزادی ما به دوره‌ای جدید است.

دوازدهمین کنگره فوق‌العاده پکک ارزیابی کرد که مبارزه پکک سیاست انکار و نابودی علیه مردم ما را در هم شکسته، مسئله‌گرد را به نقطه حل از طریق سیاست دموکراتیک رسانده و از این نظر، وظیفه تاریخی پکک به پایان رسیده است.

بر این اساس، دوازدهمین کنگره پکک تصمیماتی مبنی بر انحلال ساختار سازمانی پکک و پایان دادن به روش مبارزه مسلحانه اتخاذ کرد تا فعالیت‌های انجام شده تحت نام پکک، تحت مدیریت و اجرای رهبر آپو، به پایان برسد.

حزب ما، پکک، به‌عنوان جنبش آزادی مردم ما در برابر سیاست انکار و نابودی کردها که ریشه در پیمان لوزان و قانون اساسی ۱۹۲۴ داشت، پا به عرصه تاریخ گذاشت.

در بدو پیدایش خود، تحت تاثیر سوسیالیسم رئال قرار گرفت و با پذیرش اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، مبارزه‌ای مشروع و برحق را بر اساس استراتژی مبارزه مسلحانه به پیش برد. پکک در شرایطی شکل گرفت که انکار شدید کوردها، سیاست نابودی مبتنی بر آن، و سیاست‌های نسل‌کشی و آسیمیلاسیون حاکم بود. مبارزه آزادی‌بخش که از سال ۱۹۷۸ آغاز کرد، مبتنی بر شناساندن موجودیت کوردها و به رسمیت شناختن مسئله کرد به‌عنوان واقعیت اساسی ترکیه بود. بر این

اساس، در نتیجه مبارزه موفقى که به پيش برد، انقلاب رستاخيز را به نام مردم ما به انجام رساند و به نماد اميد آزادى و جستجوى زندگى شرافتمندانه براى مردم منطقه تبديل شد.

در شرايط دهه ۱۹۹۰ که انقلاب رستاخيز ما منجر به تحولات بزرگى براى مردم ما شد، تلاش رييس جمهور وقت ترکيه، تورگوت اوزال، براى حل مسئله کُرد از طريق سياسى شکل گرفت. رهبر آيو با آتش بس ۱۷ مارس ۱۹۹۳ به اين تلاش پاسخ داد و روند جديدى را آغاز کرد. اما تاثيرات سنگين سوسياليسم رئال، رويکردهاى اخلاص گرانه تحميل شده بر خط مشى جنگى ما، و حذف تورگوت اوزال و تيمش توسط دولت پنهان، با اصرار بر سياست انکار و نابودى کوردها و تشديد جنگ، اين روند جديد را تخریب کرد.

هزاران روستا تخلیه و سوزانده شدند. ميليونها کُرد از خانه و کاشانه خود آواره شدند، دهها هزار نفر شکنجه و به زندان افکنده شدند و هزاران نفر به شکل جنایت هاىی که فاعلشان مجهول است به قتل رسیدند.

در مقابل، جنبش آزادى هم از نظر کمى و هم کیفى رشد کرد و جنگ گريلايى به کردستان و ترکيه گسترش يافت. با تاثير جنگى که گريلاها به پيش بردند، مردم کورد به قيام برخاستند. بدین ترتيب، جنگ به گزینه اصلى براى هر دو طرف تبديل شد. چرخه تشديد متقابل جنگ شکسته نشد. بدین ترتيب، تلاش هاى رهبر آيو براى حل مسئله کرد از طريق دموکراتيک و صلح آميز بی نتیجه ماند.

اين روند با توطئه بين المللى ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ وارد مرحله اى متفاوت شد. در اين روند، جنگ کرد و ترک که هدف مهمى از اين توطئه بود، به يمن فداکارى ها و تلاش هاى بزرگ رهبر آيو خنثى شد. على رغم نگهدارى وى در سيستم شکنجه و نسل کشى امرالى، بر اصرار خود براى حل مسئله کرد از طريق دموکراتيک و

صلح‌آمیز پایدار ماند. رهبر آپو که ۲۷ سال است تحت انزوای تحمیلی مطلق قرار دارد، با مبارزه با سیستم نسل‌کشی امرالی، توطئه بین‌المللی را خنثی کرد. در مبارزه با توطئه بین‌المللی، با تحلیل سیستم اقتدارگرایانه-دولت‌گرایانه مردسالار، پارادایم جامعه دموکراتیک، اکولوژیک و آزادی‌بخش زنان را توسعه داد. بدین ترتیب، سیستم آزادی‌بخش جایگزین را برای مردم ما، زنان و بشریت تحت ستم عینیت بخشید.

رهبر آپو با ارجاع به پیش از پیمان لوزان و قانون اساسی ۱۹۲۴ که روابط کرد و ترک در آن مسئله‌دار شده است، دیدگاه میهن‌مشت‌ترک و جمهوری دموکراتیک ترکیه را که مردم کورد و ترک عناصر بنیان‌گذار آن هستند، و مفهوم ملت دموکراتیک را به‌عنوان چارچوب حل مسئله‌گرد پذیرفت.

قیام‌های‌گرد در طول تاریخ جمهوری، دیالکتیک ۱۰۰۰ ساله روابط تاریخی‌گرد و ترک و ۵۲ سال مبارزه رهبری نشان داده است که حل مسئله کورد تنها بر اساس میهن‌مشت‌ترک و شهروندی برابر سودمند خواهد بود. تحولات کنونی خاورمیانه در چارچوب جنگ جهانی سوم نیز تنظیم و برقراری مجدد روابط کورد و ترک را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

مردم ما انحلال پکک و پایان مبارزه مسلحانه را بهتر از هر کس دیگری درک کرده و به وظایف دوره عمل خواهند کرد.

مردم شریف ما که ۵۲ سال است با پرداخت بهای سنگین در راهپیمایی رهبری و پکک شرکت کرده و در برابر سیاست انکار و نابودی، و سیاست‌های نسل‌کشی و آسیمیلاسیون مقاومت کرده‌اند، روند صلح و جامعه دموکراتیک را با آگاهی و سازماندهی بیش‌تر از آن خود خواهند کرد.

ما اطمینان کامل داریم که مردم ما تصمیم انحلال پکک و پایان دادن به روش مبارزه مسلحانه را بهتر از هر کس دیگری درک کرده و بر اساس ساخت جامعه دموکراتیک، به وظایف دوره مبارزه دموکراتیک عمل خواهند کرد. ایجاد سازمان‌های خودمدیر در تمام عرصه‌های زندگی به پیشاهنگی زنان و جوانان، سازماندهی بر اساس خودکفایی با زبان، هویت و فرهنگ خود، توانمندسازی برای دفاع از خود در برابر حملات و ساخت جامعه دموکراتیک کمونال با روحیه بسیج عمومی برای مردم ما حیاتی است. بر این اساس، ما باور داریم که احزاب سیاسی کورد، سازمان‌های دموکراتیک و اندیشمندان به مسئولیت‌های خود در جهت توسعه دموکراسی کورد و تحقق ملت دموکراتیک کورد عمل خواهند کرد.

میراث تاریخ آزادی ما که با مبارزه و مقاومت سپری شده است، با تصمیمات دوازدهمین کنگره پکک با روش سیاست دموکراتیک قوی‌تر توسعه خواهد یافت و آینده مردم ما بر اساس آزادی و برابری شکل خواهد گرفت. مردم فقیر و کارگر ما، تمام گروه‌های باورداشتی، زنان و جوانان، کارگران، دهقانان و تمام اقشار خارج از قدرت، با دفاع از حقوق خود در روند صلح و جامعه دموکراتیک، زندگی مشترک را در فضایی عادلانه و دموکراتیک توسعه خواهند داد.

تصمیم کنگره ما مبنی بر انحلال پکک و پایان دادن به روش مبارزه مسلحانه، زمینه قوی برای صلح پایدار و راهحل دموکراتیک فراهم می‌کند. اجرای این تصمیمات مستلزم رهبری و هدایت روند توسط رهبر آپو، به رسمیت شناختن حق سیاست دموکراتیک و تضمین حقوقی جامع و مستحکم است. در این مرحله، ایفای نقش مجلس ملی کبیر ترکیه با مسئولیت تاریخی اهمیت دارد. به همین ترتیب، ما از تمام احزاب سیاسی حاضر در مجلس، به ویژه حزب حاکم و حزب اصلی اپوزیسیون، سازمان‌های جامعه مدنی، گروه‌های دینی و باورداشتی، نهادهای

مطبوعاتی دموکراتیک، اندیشمندان، روشنفکران، آکادمیسین‌ها، هنرمندان، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های زنان و جوانان، و جنبش‌های محیط زیستی دعوت می‌کنیم تا با پذیرش مسئولیت، در روند صلح و جامعه دموکراتیک مشارکت کنند. با صیانت نیروهای چپ و سوسیالیست، ساختارهای انقلابی، سازمان‌ها و شخصیت‌های ترکیه از روند صلح و جامعه دموکراتیک، مبارزه مردم، زنان و ستم‌دیدگان به سطح جدیدی ارتقا خواهد یافت. این به معنای تحقق اهداف انقلابیون بزرگی خواهد بود که آخرین سخنانشان 'زنده باد خاوه‌ری-برادری خلق‌های ترک و کورد و ترکیه مستقل کامل بود'.

سوسیالیسم جامعه دموکراتیک، که مرحله جدیدی را در روند صلح و جامعه دموکراتیک و مبارزه برای سوسیالیسم نمایندگی می‌کند، با توسعه جنبش جهانی دموکراسی، منجر به ایجاد جهانی عادلانه و برابر خواهد شد. بر این اساس، ما از افکار عمومی دموکراتیک، به‌ویژه دوستانمان که پیشگام کارزار جهانی آزادی هستند، دعوت می‌کنیم تا همبستگی بین‌المللی را در چارچوب تئوری مدرنیته دموکراتیک گسترش دهند.

ما از قدرت‌های بین‌المللی می‌خواهیم با درک مسئولیت خود در قبال سیاست‌های نسل‌کشی صد ساله علیه مردم ما، مانع حل دموکراتیک نشوند و کمک‌های سازنده خود را به این روند ارائه دهند.

دوازدهمین کنگره پکک که با فراخوان رهبری ما تشکیل شد، شهادت رفقا فواد-علی حیدر کایتان، از کادرهای پیشاهنگ حزب ما که در ۳ جولای ۲۰۱۸ به شهادت رسید، و رضا آلتون، که در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۹ به شهادت رسید، را اعلام کرد. بر این اساس، کنگره رفیق فواد-علی حیدر کایتان، از کادرهای بنیان‌گذار پکک را

به عنوان نماد «پایبندی به رهبری، حقیقت و زندگی مقدس»؛ و رفیق رضا آلتون، از اولین همراهان رهبر آپو را به عنوان نماد «رفاقت آزادی» پذیرفت.

ما کنگره تاریخی دوازدهم حزب خود را به این دو رفیق شهید بزرگ که از آغاز جنبش آزادی ما حضور داشته و با مبارزه بی وقفه خود تا به امروز ما را رهبری کرده اند، تقدیم می کنیم و به یاد آن ها و تمام شهدای مبارزه خود، قول پیروزی را تکرار می کنیم و بر ادعای خود برای تحقق آرزوهای رفیق شهید صلح و دموکراسی، سری ثریا اوند، تاکید می کنیم.

سوسیالیسم دولت-ملتی به شکست؛ سوسیالیسم جامعه دموکراتیک به پیروزی می انجامد!

اصرار بر انسانیت، اصرار بر سوسیالیسم است!

زنده باد رهبر آپو»

***بیانیه پژاک: تصمیمات دوازدهمین کنگره پکک و رهبر آپو برای آزادی کامل خلق کرد است**

پژاک در بیانیه ای در رابطه با دوازدهمین کنگره پکک، ضمن تاریخی برشمردن تصمیمات اتخاذ شده در کنگره اعلام کرد: «مطابق بیانیه ی پایانی دوازدهمین پکک، مبارزه ادامه داشته و تا رسیدن خلق کرد و سایر خلق های منطقه به اهدافش، همچنان ادامه نیز خواهد داشت.»

حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) در رابطه با برگزاری دوازدهمین کنگره حزب کارگران کردستان (پکک) بیانیه‌ای کتبی صادر کرد. پژاک تصمیمات اتخاذ شده در دوازدهمین کنگره پکک را راستای احقاق حقوق خلق کرد و برساخت جامعه دمکراتیک و آزاد عنوان کرد و بیان کرد که این تصمیمات را «به‌عنوان مرحله‌ای نوین و تاریخی و در جهت برون‌رفت مبارزات خلق‌گرد از وضعیت کنونی و حل مسئله خلق‌ها از طریق رامحلی صلح‌آمیز را دیده و آن را شانسی دیگر در جهت آرامش منطقه قلمداد می‌نماید.»

مشروح بیانیه پژاک به شرح زیر است:

«حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، دوازدهمین کنگره خود را برگزار کرده و در جواب به فراخوان تاریخی رهبر آپو در راستای پایان بخشیدن به خطمشی مبارزات مسلحانه و جایگزینی آن با خطمشی مبارزات سیاسی-دمکراتیک تصمیماتی تاریخی اتخاذ نموده است. حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) تصمیمات اتخاذ شده در دوازدهمین کنگره پ.ک.ک که در راستای احقاق حقوق خلق کرد و برساخت جامعه دمکراتیک و آزاد می‌باشد را به‌عنوان مرحله‌ای نوین و تاریخی و در جهت برون‌رفت مبارزات خلق‌گرد از وضعیت کنونی و حل مسئله خلق‌ها از طریق رامحلی صلح‌آمیز را دیده و آن را شانسی دیگر در جهت آرامش منطقه قلمداد می‌نماید. در فضای متشنجی که در منطقه برقرار می‌باشد، گذار به مرحله‌ای که مسئله‌گرد با توسل به راهکارهای سیاسی-حقوقی، حل گردد، نیازی است که بسیاری از آلام و آسیب‌های منطقه را التیام خواهد بخشید.

تاکنون مبارزه مشروع مسلحانه خلق‌گرد و جنبش آزادی‌خواهی آن، پ.ک.ک توانسته دستاوردهای بی‌نظیری خلق نماید، خلق‌مان نیز با فداکاری بی‌نظیری در این

مبارزات مشارکت نموده و تمامی ارزش‌ها و دستاوردهای حاصل‌شده توسط جنبش آزادیخواهی را به نحو احسن و شایسته پاس داشته و از هم‌اکنون می‌کوشد مبارزه سیاسی و دمکراتیک خویش را بر اساس این ارزش‌ها و دستاوردها ارتقا دهد. مسیر صحیح در مرحله و فضای کنونی نیز همین است. انجام و تداوم مبارزات در بستری سیاسی و دمکراتیک راه رسیدن خلّمان به «حیات آزادی» را هموار می‌نماید، بدون‌شک، این مبارزه دمکراتیک در مرحله کنونی با مشارکت مستقیم و پیشاهنگی رهبرِآپو میسر خواهد شد. گام نهادن به مرحله‌ای نوین و پیش‌برد آن به پیشاهنگی رهبرِآپو ضمانتی خواهد بود در جهت سیر سالم این مرحله.

مطابق بیانیه پایانی دوازدهمین پ.ک.ک، مبارزه ادامه داشته و تا رسیدن خلق‌گُرد و سایر خلق‌های منطقه به اهدافش، همچنان ادامه نیز خواهد داشت. تمامی طیف‌های جامعه کردستان و بیش از همه نیز زنان طی سالیانی طولانی مبارزه‌ای قوی را انجام داده‌اند. مبارزه خلق‌مان که بخش بزرگی از آن نیز بصورت مسلحانه طی گردید، توانمندی و قدرت سیاسی- دمکراتیک نظری و عملی‌ای را ایجاد نموده که بنیادی قوی جهت مبارزات پیش‌رو تشکیل داده است. تصمیمات دوازدهمین کنگره پ.ک.ک و رهبرِآپو پس از این پیکار همه‌جانبه، دادن شانسی است به چاره‌یابی صلح‌آمیز مسئله و بدون شک این امر با در پیش‌گیری روندی دوطرفه میان جنبش آزادی‌خواه خلق کرد و دولت ترکیه قابل تحقق است. خلق‌مان با همت و تلاش درصدد رسیدن به حیاتی آزاد و شایسته است و تا رسیدن به آزادی کامل، این مبارزه را به شیوه‌ای متفاوت‌تر ادامه می‌دهد.

حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره تمامی شهدای مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی خلق‌مان معتقد است که در مرحله‌ی کنونی نیز پیش‌روی در مسیر آزادی‌خواهی بر پایه‌ای اصولی، با پرنسیب‌ها و متدهایی قوی ادامه داشته

و در صورت پابندی طرف دولت به این ملزومات روند چارهیابی سیاسی-حقوقی مسئله گردد، به‌سوی چارهیابی مسئله‌ای گام برداشته خواهد شد که بر تمامی منطقه تاثیرگذار خواهد بود. این امر گامی نوین در جهت رسیدن به آزادی کامل خلق گردد است. بر ساخت جامعه‌ای دموکراتیک و آزاد در شمال کردستان و ترکیه در پایان این پروسه بازتابی تاریخی و ریشه‌ای بر تمامی کردستان و منطقه خاورمیانه خواهد گذاشت. رسیدن به این مرحله حق خلق‌مان بوده و تمامی منطقه شایسته آن است که به آرامشی دست یابد که در تطابق بیش‌تری با سرشت انسانی و فرهنگی منطقه می‌باشد.»

*واکنش نیروهای کرد سوریه

«مطلوم عبدی» فرمانده نیروهای سوریه دموکراتیک(قسد)، ضمن استقبال از پیام عبدالله اوجالان برای انحلال و خلع سلاح‌شدن پ‌ک‌ک تاکید کرد: «پیام اوجالان مثبت است چرا که خواهان پایان جنگ و آغاز روند سیاسی مسالمت‌آمیز در داخل ترکیه است.»

مطلوم عبدی در ادامه افزود: «حملات ترکیه مانع از گفت‌وگوهای ما با دمشق و ادامه مبارزه با داعش می‌شود و اگر صلح بین پ‌ک‌ک و آنکارا برقرار شود، دیگر ترکیه بهانه‌ای برای حمله به ما ندارد.»

فرمانده قسد در ادامه واکنش به پیام اوجالان افزود: «پیام اوجالان تنها به حزب کارگران کردستان مربوط می‌شود و ربطی به ما در سوریه ندارد.»

وی همچنین گفت: پس از به حاشیه رانده شدن ما در کنگره گفت‌وگوی ملی سوریه در دمشق، ما گفت‌وگوهای ویژه خود را در شمال شرق سوریه درباره آینده کشور برگزار خواهیم کرد.

*روزنامه نایز: نامه ۸۸ برنده نوبل در رابطه با آزادی آقای عبدالله اوچالان و حل مسئله کرد

روزنامه نایز که در ایالت باسک منتشر می‌شود، نامه ۸۸ برنده جایزه نوبل را که برای آزادی عبدالله اوچالان و حل مسئله کرد نوشته شده بود، با افکار عمومی به اشتراک گذاشت.



جمعه ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۵

در خبر نایز آمده است که نامه ۸۸ برنده جایزه صلح نوبل، بر ۲۶ سال انزوای احتمالی بر عبدالله اوچالان تاکید دارد و در این نامه از نهادهایی مانند شورای اروپا و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد خواسته شده است که طبق حکم سال ۲۰۱۴ دادگاه حقوق بشر اروپا عمل کنند.

«فراخوان عبدالله اوچالان چراغ امید است»

در این خبر ذکر شده است که برندگان نوبل از نهادهای اروپایی به دلیل منفعل ماندن در پرونده رهبر آپو انتقاد کرده‌اند و خواستار «برداشتن حکم حبس ابد تشدید شده» و اقدام بر اساس «حق امید مرتبط با حق زندگی» شده‌اند.

در این خبر تاکید شده است که برندگان نوبل با این فراخوان، برای سومین بار در وضعیت «آپو» مداخله کرده‌اند. نایز گزارش داد که در این نامه به نقش رهبر آپو در روند صلح اشاره شده است.

این نامه که توسط ۸۸ برنده جایزه نوبل تهیه شده است، به دبیرخانه کل شورای اروپا، رئیس دادگاه حقوق بشر اروپا، کمیته پیش‌گیری از شکنجه و تمامی نهادهای بین‌المللی که ترکیه عضو آن‌هاست، ارسال گردید.

تاریخ انتشار:

۲۰۲۵/۸/۲

